

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۵ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۳ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

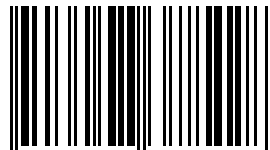
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۸/۴/۱۳۹۳

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح جامع حد نگار (کاداستر) کشور
- ۳) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد
- ۴) اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)
- ۵) اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی)
- ۶) اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) (اساسنامه شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق)
- ۷) اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم
- ۸) اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار
- ۹) اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم. إنا لله و إنا إليه راجعون. درگذشت برادر بسیار عزیز و محترم و گرامیمان حضرت آیت‌الله گیلانی را خدمت شما عزیزان، خدمت ملت ایران، خدمت علما و حوزه‌های علمیه و بیت معظم ایشان و مقام معظم رهبری تسلیت عرض می‌کنم. خداوند ان‌شاءالله ایشان را با علی و اولاد علی (ع) و با محمد و آل محمد (ص) محشور بفرماید. ایشان یک عمری را با آبرو، با تحصیل علم و تدریس علوم و تصدی پست‌های بسیار حساس در نظام جمهوری اسلامی و خدمت به اسلام و انقلاب گذراندند. بر اساس گزارشی که به من داده‌اند، سیمت‌هایی که ایشان داشتند، دوازده سیمت بسیار حساس بوده است. ایشان دبیر شورای نگهبان بودند، رئیس دیوان عالی کشور، مشاور عالی قوه قضائیه، نماینده امام و مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، رئیس هیئت

عفو حضرت امام، حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای بازنگری قانون اساسی، عضو مجلس خبرگان رهبری و عضو جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم بودند. اینها افتخاراتی است که برای ایشان هست و الحمدالله ایشان در همه‌جا وظایف محوله‌ی خود را به خوبی انجام دادند و روحیات بسیار خوبی داشتند. از نظر متانت، واقعاً بسیار متین بودند؛ در رفتارشان متین بود؛ در گفتارشان متین بود. در مورد ایشان عرض کنم که از زمانی که من ایشان را می‌شناسم و با هم بودیم، ایشان در درس حضرت امام(ره) شرکت می‌کردند. در درس حضرت امام، ایشان معمولاً جلو می‌نشستند و بعضی وقت‌ها هم اشکال می‌کردند و صحبت می‌کردند. گاهی حضرت امام(ره) ایشان را به عنوان «میرزا» خطاب می‌کردند و می‌گفتند «میرزا، چنین و چنان است». بعد هم ایشان خدمات بسیار خوبی در مدرسه‌ی حقانی داشتند و در آنجا تدریس می‌کردند. ما در آنجا با هم همکاری داشتیم. بسیاری از طلاب از ایشان راضی بودند. با طلبه‌ها خوش‌برخورد بودند، خیلی گرم صحبت می‌کردند، گرم می‌گرفتند و طلبه‌ها از ایشان خیلی خوششان می‌آمد. ایشان در آنجا این خصوصیات را داشتند. بعداً زمانی که ایشان در سیمت‌های قضایی مشغول به خدمت شدند، آدم به حکمی که ایشان صادر می‌کردند و قضاوتی که می‌کردند، مطمئن و دلگرم بود؛ چون می‌دانستیم که ایشان فکرشده، حساب‌شده و مبتنی بر مبانی فقهی و مبانی قانون اساسی حکم می‌کند. خیلی در صدور حکم تعجیل نمی‌کرد، بلکه با تدبیر و تأنی حکم می‌کرد. این، خیلی ارزش داشت. ایشان در شورای نگهبان هم از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۳ عضو بودند و قریب چهار سال از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ دبیری شورا را بر عهده داشتند. صحبت‌هایی هم که می‌کردند، صحبت‌های بسیار خوبی بود. برای شادی روح ایشان، رَحِمَ اللهُ مَنْ يَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ مع الصلوات.

آقای عزیززاده - خداوند ایشان را قرین رحمت بفرماید.

آقای جنتی - نیمه‌ی ماه رمضان هم ولادت حضرت مجتبی (ع) است. به شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم. خداوند ان‌شاءالله توفیق دهد که اگر کاری از ما ساخته است، در معرفی ایشان و در توجیه دوستانشان در مورد مقامات عالی ایشان و شرح فضائلشان توفیق داشته باشیم و خدمت کنیم. در حاشیه، مسائل مربوط به قضایای عراق و فلسطین هم قضایای بسیار ناراحت‌کننده‌ای است. قسمتی از عراق دارد رو به بهبودی

نیروهای مسلح مکلفند به موجب درخواست سازمان، نسبت به عکس‌برداری و تهیه نقشه مورد نیاز بر اساس مقیاس‌ها و استانداردهای لازم اقدام کنند.» آقایان اعضا به آن قسمت از ماده (۱۰) که مربوط به اصل (۱۱۰) قانون اساسی است، ایراد گرفتند که ما نسبت به آن حرفی نداریم. بعد از آن گفتیم که «همچنین اطلاق دادن عکس‌ها» ایراد دارد. در این ماده، صحبتی از «دادن عکس‌ها» نیست؛ بلکه صحبت از «گرفتن عکس» است. آن‌گونه که من یاد می‌آید من [در پیش‌نویس نظر شورا] نوشته‌ام عبارت «دادن عکس‌ها» اطلاق دارد [که به نظرم ایراد دارد]. ایراد حاج‌آقای مدرسی که مبدع این اشکال بودند و بقیه هم به این ایراد رأی دادند، این بود که ممکن است بعضی از جاها مصلحت نباشد که عکس بگیرند. نظر ایشان، این بود. حالا اگر مقصود، همین است، ما باید در نظرمان بگوییم که عبارت «اطلاق گرفتن عکس...» ایراد دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - منظور این است که دادن مجوز برای گرفتن عکس در همه‌ی موارد ایراد دارد.

آقای علیزاده - [پس ایراد را این‌گونه می‌نویسیم:] «اطلاق تجویز گرفتن عکس و نقشه در مواردی که خلاف مصالح امنیتی و نظامی باشد، اشکال دارد.» من [پیش‌نویس نظر شورا را] خواندم، دیدم این‌طوری نوشته‌ایم ولی نوشته‌ی ما اشتباه بود.^۲

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۹۳/۱۰۲/۱۸/۱۳۹۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۵/۲۳۰۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸، طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب جلسه مورخ سوم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- عموم ماده (۹) مبنی بر مکلف نمودن دستگاه‌ها نسبت به اینکه تمام خصوصیات املاک متعلق به خود را اعلام نمایند، در مواردی که موضوع دارای جنبه امنیتی باشد، اشکال شرعی دارد.

۲- ماده (۱۰) باید به قسمت اخیر اصل (۱۴۷) قانون اساسی مقید گردد و آلاً مغایر اصل مذکور می‌باشد. همچنین اطلاق تجویز گرفتن عکس و نقشه در مواردی که خلاف مسائل امنیتی و نظامی باشد، اشکال دارد.

۳- در تبصره ماده (۱۱)، مقصود از «عدم مراجعه» روشن گردد تا اظهار نظر ممکن شود. علاوه بر این، الغاء حقوق مالکانه اشخاص به عللی که در ماده و تبصره آمده، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۴- در ماده (۱۵) از آنجا که ضابطه تعیین هزینه یا مقدار آن معین نشده است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

۵- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

←

می‌رود، ولی فلسطین رو به شدت می‌رود و دارند سخت به این مردم فلسطین حمله می‌کنند و هواپیماها مرتب غزه را می‌زنند و بعضاً غیر غزه را نیز می‌زنند. مرتب دارند این بچه‌ها را که در ماه مبارک رمضان می‌خواهند روزه بگیرند، شهید می‌کنند و مجروح می‌کنند. الان مردم فلسطین امنیتی ندارند و واقعاً شرایطشان خیلی سخت است. ما نمی‌توانیم سختی‌هایی را که این مردم در ماه مبارک رمضان و در هوای گرم می‌کشند، تصور کنیم. خدا ان‌شاءالله به حق مولا علی (ع) آنها را از شرّ این دشمنان نجات دهد. بفرمایید.

آقای علیزاده - وجود حضرت آیت‌الله گیلانی مغتنم بود. وجود ایشان که ما یک چند سالی - در حدود هفت هشت سال- در شورای نگهبان در خدمت ایشان بودیم، کرامت بود؛ بزرگواری، سعه‌ی صدر و خوش‌اخلاقی بود. ما از ایشان هیچ بدی ندیدیم. خداوند ان‌شاءالله ایشان را غریق رحمتش کند.

طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور

آقای علیزاده - من در مورد این مصوبه‌ی «طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور»^۱ یک سؤالی دارم. چون ما باید نظرم را جمع به این مصوبه را به مجلس بفرستیم. ما [در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱] به ماده (۱۰) یک ایرادی گرفتیم. بانی اشکال هم جناب عالی [= آقای مدرسی‌یزدی] بودید. ماده (۱۰) می‌گوید: «ماده ۱۰- سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی

۱. طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵/۲۳۰۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در چهار مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ و ۱۳۹۳/۴/۱۸، در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۳، ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ و ۹۳/۱۰۲/۳۰۶۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی چهارم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد

منشی جلسه - دستور اول، بررسی (۱۵) مورد اساسنامه مصوب هیئت وزیران است؛ «اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد»^۱ که

→

تذکرات:

- ۱- در ماده (۴)، واژه «کد» با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح شود.
- ۲- در ماده (۷)، عبارت «دفتر فیزیکی» به اصلاح عبارتی نیاز دارد.
- ۳- در ماده (۸)، واژه «جغرافیای» به «جغرافیایی» اصلاح شود.
- ۴- در سطر دوم ماده (۹)، بعد از واژه «کاربری»، ویرگول ذکر شود.
- ۵- در ماده (۲۰)، قانون مذکور مصوب سال ۱۳۵۱ است، نه سال ۱۳۱۰ که باید اصلاح گردد.

۱. اساسنامه شرکت‌های پانزده‌گانه‌ی تولید نیروی برق به شرح عناوین مذکور در فوق، همگی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسیدند و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شدند. این اساسنامه‌ها در خصوص شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد به ترتیب طی نامه‌های شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۱۱، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۰ و ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۸، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۰، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۹، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۲، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۳، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۵، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۴، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۲، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۶، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۴، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۶ و ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۳، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۷، ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شدند. اساسنامه‌های مزبور، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته‌اند. شورای نگهبان همگی این اساسنامه‌ها را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ بررسی کرد و نظر یکسان خود مبنی بر وجود ابهام در برخی از مفاد این اساسنامه‌ها و مغایرت برخی دیگر از مواد آنها با موازین شرع را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۹، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۸، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۹، ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۹، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۰، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۴، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۶، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۵، ۹۳/۱۰۲/۱۵۴۰، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۳، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۷، ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۸، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۲، ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۷ و ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۱ همگی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ هیئت وزیران که به صورت یکسان نسبت به این اساسنامه‌ها انجام گرفت، این مصوبات در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان بررسی شد و نظر یکسان شورا مبنی بر عدم مغایرت آنها با موازین شرع و قانون اساسی به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۲، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۴، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۳، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۶، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۵

←

اساسنامه‌ی همه‌ی این شرکت‌ها مشابه هم هستند.

آقای علیزاده - آقایان مطالعه فرموده‌اند. این اساسنامه‌ها برای این چند شرکت، همگی یک‌جور است.

آقای ره‌پیک - برای پانزده شرکت، یک‌جور است. ما [در مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان] چند تا شبهه، به اصطلاح، از متن این اساسنامه‌ها درآورده‌ایم.^۲

آقای علیزاده - اولین ایراد در کدام قسمت از اساسنامه‌ها است؟ **آقای ره‌پیک** - بسم الله الرحمن الرحیم. در ماده (۱۹) که در مورد انحلال شرکت است، دو حکم آمده است که یکی در اصل ماده است و یکی در تبصره (۲) آن ماده.

آقای علیزاده - اگر اجازه بفرمایید، از اول اساسنامه شروع کنیم. مجمع مشورتی فقهی قم به بند (۴) ماده (۲) اشکال دارد و مطالبی دارند. اجازه بفرمایید؛ بند (۴) ماده (۲) را مشاهده کنید. مجمع گفته است: «اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی - که مستلزم وام ربوی است - خلاف شرع و احکام اولیه آن دانسته شد.»^۴ این ایراد که برای وام نیست؛ برای فاینانس^۵ است. این ایراد ربطی به موضوع وام که

→

۹۳/۱۰۲/۳۴۵۸، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۷، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۸، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۹، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۵، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۰، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۴، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۶، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۱، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۵ و ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۷ همگی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام شد.

۲. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۴-۱، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/Rx8Rq

۳. بند (۴) ماده (۲) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق] مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۲- شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط مجاز به اقدامات زیر می‌باشد:

۱- ...

۴- پیش‌فروش انرژی برق و نیز سایر روش‌های تأمین منابع مالی از منابع داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری، عرضه اوراق مشارکت با اخذ مجوز از مراجع قانونی.

۵- ...

۴. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/۱/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sH5W6

۵. «... فاینانس در لغت به معنای «مالیه» یا تأمین مالی می‌باشد. در مفاهیم حقوقی و قوانین ایران، این مفهوم به طور اختصاصی تر، عبارت است از استفاده از خطوط اعتباری برای دریافت وام از مؤسسات مالی بین‌المللی ...» (فیضی چکاب، غلام‌نبی و دیگران، «بررسی موانع و کاستی‌های تأمین مالی خارجی در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۵، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/NkHW9

دریافت وام ربوی دارند] نیستم.

آقای شب‌زنده‌دار - عبارت «اخذ مجوز از مراجع قانونی» در ذیل این بند هم که سهل و ممتنع است.

آقای علیزاده - مراجع قانونی که مجوز اخذ وام نمی‌دهند.

آقای ره‌پیک - اصلاً مرجع قانونی برای این کار نداریم.

آقای علیزاده - نه، باید بروند و خود اخذ وام را از این مراجع اجازه بگیرند. اگر می‌خواهند، وام ربوی بگیرند، باید از مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هر جای دیگری که صالح به این کار است، اجازه بگیرند؛ همان‌طور که برای فاینانس به همین صورت، اجازه گرفتند.^۱

آقای اسماعیلی - این عبارت، صرفاً مربوط به اوراق مشارکت نیست. حالا چرا می‌فرمایید این بند شامل فاینانس نیست؟ چون فاینانس، یعنی تأمین مالی.

آقای علیزاده - فاینانس همان وام است.

آقای اسماعیلی - تأمین مالی اعم از فاینانس و وام و ... است.

آقای علیزاده - بله، در این بند، چون عبارت «تأمین مالی» را به کار برده، شامل فاینانس هم می‌شود؛ وام را هم شامل می‌شود.

آقای جنتی - یک قسم تأمین مالی هم وام است.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ می‌گوییم یک قسم آن هم وام است.

آقای علیزاده - فاینانس آن وامی است که مدت‌دار است.

آقای مدرسی یزدی - قانون استفاده از منابع خارجی (فاینانس) هم تا آخر برنامه‌ی چهارم توسعه معتبر بود.^۲

آقای ابراهیمیان - این‌طور نمی‌شود گفت که در اولی [= عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع»] منابع مالی داخلی و

در این ماده آمده است، ندارد. صدر ماده (۲) را بخوانید. ماده (۲) می‌گوید: «شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط مجاز به اقدامات زیر می‌باشد: ...» پس این را در قوانین دیگر گفته است که نباید وام ربوی بگیرد. وقتی این ماده گفته است شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط مجاز به اقدامات زیر می‌باشد، آیا «قوانین مربوط»، اصل ربا را اجازه می‌دهد؟ اگر مقید به قانون و ضوابط نکرده بود، این ایرادی که مجمع مشورتی فقهی گرفته است، درست بود؛ ولی وقتی این بند، مقید به رعایت قوانین شده است، اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - شما که نمی‌توانید وام خارجی را مقید به نبود ربا در آن کنید.

آقای علیزاده - در واقع در اصل این ماده، همه‌ی اقدامات این شرکت‌ها از جمله موضوع اخذ تأمین مالی را به رعایت قوانین مقید کرده است.

آقای جنتی - عملاً این‌گونه است که در این‌طور موارد، اجتناب از ربا رعایت نمی‌شود. در عمل، این‌طور است. لذا باید به غیر ربوی بودن وام تصریح شود.

آقای علیزاده - بله، من هم همین را می‌گویم. از لحاظ قانونی، درست است، ولی در عمل رعایت نمی‌کنند.

آقای جنتی - باید به این قید تصریح شود. در آنجایی که نوشته است «رعایت قوانین»، مثلاً بنویسند «از جمله رعایت مسئله‌ی منع معاملات ربوی».

آقای علیزاده - نه، در همین بند (۴) بنویسند «با رعایت موازین شرعی»؛ اگر می‌خواهید ایراد بگیرید، این‌طور بفرمایید.

آقای سوادکوهی - عبارت «قوانین مربوط» در صدر ماده (۲) کافی نیست؟

آقای علیزاده - من نمی‌دانم. آقایان فقها چیز دیگری می‌گویند. البته، در همه‌ی قوانین این امکان وجود دارد که در عمل رعایت نشود.

آقای ابراهیمیان - عبارت «اخذ وام»، به «اخذ وام غیر ربوی» تبدیل شود. البته تسهیلات مالی و اعتباری خارجی‌ها هم ربوی است.

آقای علیزاده - اصلاً خارجی‌ها بدون ربا وام نمی‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - خب از آنها وام نگیرید و با آنها معامله نکنید.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ من دارم فرمایشات شما را تأیید می‌کنم. من که مدافع نظرات آن طرف [= کسانی که تمایل به

۱. از جمله قوانینی که بر اساس تجویز مجمع تشخیص مصلحت نظام، اخذ تسهیلات و منابع مالی خارجی (فاینانس) توسط دولت جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر دانسته شده، قانون استفاده از منابع مالی خارجی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶ مجلس شورای اسلامی است که به دلیل ایراد شرعی شورای نگهبان به این مصوبه، بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و مجمع در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۲۱، مصوبه‌ی مجلس را عیناً تصویب کرد.

۲. قانون استفاده از منابع مالی خارجی مصوب ۱۳۸۴/۸/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب حکم بند (ب) ماده (۱۳) و جدول شماره (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ و احکام قوانین بودجه‌های سالانه و سایر مجوزهای قانونی از تسهیلات و منابع مالی خارجی (فاینانس) استفاده نماید. ...»

آقای یزدی - برای این قسمت خارجی، باید بیاییم «اخذ وام» را مقید کنیم. چون در داخل بر اساس «قانون عملیات بانکی بدون ربا» سال‌ها است که دارند عمل می‌کنند. البته اینکه در عمل، به آن قانون عمل نمی‌کنند یا عمل نمی‌کنند، به ما ربطی ندارد. به هر حال، اخذ وام در داخل، قانوناً بلااشکال است.

آقای علیزاده - پس ان‌شاء‌الله، وام‌های داخلی ربوی نیست، ولی در مورد وام خارجی، هرگونه که نظر آقایان است، بفرمایید که بنویسیم. حضرات آقایانی که می‌فرمایند اطلاق اخذ وام در خصوص وام‌های خارجی، ایراد دارد، رأی بدهند. همان‌گونه که آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی فرموده‌اند که «اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی - که مستلزم وام ربوی است - خلاف شرع و احکام اولیه آن دانسته شد»، آقایانی که این ایراد را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای سوادکوهی - من فکر می‌کنم موضوع اخذ وام از خارج که در اینجا آمده است، تحت عنوان استثنای مجمع تشخیص مصلحت نظام [در «قانون استفاده از منابع مالی خارجی» مصوب سال ۱۳۸۴] قرار بگیرد.

آقای ابراهیمیان - این ایراد، بر اساس حکم اولیه است دیگر؛ با قید حکم اولیه است.

آقای علیزاده - بله، این ایراد، مبتنی بر احکام اولیه است.

آقای اسماعیلی - اگر مثلاً بنویسند «با رعایت موازین و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام» درست می‌شود.

آقای علیزاده - اگر اینجا عبارت «با رعایت قوانین و مقررات» یا «با رعایت موازین شرعی» بنویسند، ما ایرادی به این بند نداریم.

آقای اسماعیلی - «با رعایت قوانین و مقررات از جمله مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام».

آقای علیزاده - الآن باید ایراد بگیرید تا مجلس این بند را درست کند. ایراد نمی‌گیرید؟

آقای جنتی - نظر مجمع مشورتی فقهی را به همین صورت، رأی بگیریم.

آقای علیزاده - من رأی گرفتم و همین نظر را هم خواندم.

آقای یزدی - اختلافی که در این حکم شرعی نیست. وام گرفتن از خارجی‌ها و ربا دادن به خارجی‌ها قطعاً جایز نیست؛ ولی ربا گرفتن از آنها جایز است. در این مورد، اختلافی میان فقها نیست.

خارجی را گفته است، ولی در دومی [= عبارت «اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری»، این موضوع را] مطلق گذاشته باشد؛ منتها باید بگوییم این اطلاق به قرینه‌ی تصریح قبلی، ناظر بر وام و تسهیلات مالی داخلی و خارجی است. قوانین داخلی در مورد تسهیلات داخلی، ربا را جرم تلقی می‌کنند،^۱ اما در مورد تسهیلات خارجی این‌گونه نیست؛ چون قوانین جزائی ایران در مورد کسی که برود و از خارج از کشور وام بگیرد، قابل اعمال نیست.^۲

آقای اسماعیلی - در کدام قانون چنین چیزی هست؟

آقای ابراهیمیان - در قانون مجازات اسلامی.

آقای علیزاده - اخذ ربا در داخل کشور که جرم است.

آقای اسماعیلی - نه، می‌خواهم بدانم منبع آن چیست؟

آقای ابراهیمیان - در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی آمده است.

آقای رهپیک - بله، ربا در بخش تعزیرات، جرم دانسته شده است.

آقای ابراهیمیان - مجازات ربا در مورد خارجی‌ها مورد اعمال نیست؛ چون جزء آن جرائمی نیست که اگر یک ایرانی در خارج مرتکب شود، قابل تعقیب در ایران باشد؛ یعنی به نظرم این مجازات در مورد وام‌های خارجی مورد اعمال نیست. ولی ما در داخل این محدودیت برای تعقیب ربا را نداریم.

آقای یزدی - ظاهراً عبارت «منابع داخلی و خارجی»، اطلاقش قوی است.

آقای رهپیک - هر دو [ربای داخلی و خارجی] را شامل می‌شود.

آقای علیزاده - هر چه که نظرتان است، بفرمایید.

۱. ماده (۵۹۵) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۹۵- هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکمل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.»

۲. اشاره به ماده (۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی دارد: «ماده ۳- قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌شود، مگر آنکه به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

نشانی انتقال‌گیرنده نیز از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم در دفتر ثبت سهام قید و به امضای انتقال‌گیرنده یا وکیل یا نماینده او خواهد رسید. تملک هر یک از سهام شرکت متضمن قبول مقررات این اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی سهامداران است.^۱ این قسمت ذیل این ماده، مورد اشکال آقایان است. آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] می‌فرمایند: «ذیل ماده یعنی اطلاق اینکه «تملک هر یک از سهام شرکت‌ها متضمن قبول مقررات اساسنامه و مجامع عمومی سهامداران است»، دارای دو اشکال می‌باشد:

۱- نظر اکثر اعضاء این بود که اطلاق آن از جهت شمول نسبت به خریداران غافل (مانند پیرزن خریدار) که اصلاً توجه به این مطالب ندارند، خلاف شرع می‌باشد. در مقابل نظر بعضی از اعضاء این بود که این مطلب در واقع اشکال به نحوه عملکرد خریدار است، نه اشکال به قانون.^۲ یعنی پیرزنی که می‌خواهد این سهام را بخرد، باید این مطالب را بخواند.

آقای اسماعیلی - اصلاً با این امضا، جمعاً مقررات را قبول می‌کند؛ یعنی «ما فی هذا الدفتر» را قبول می‌کند.

آقای ره‌پیک - اصلاً این خریدار غافل است.

آقای اسماعیلی - این ماده باید درست باشد.

آقای علیزاده - آقایان، فردی دارد می‌رود سهام شرکتی را با آن شرایطی که دارد، بخرد؛ آن وقت شما دارید می‌فرمایید این اشکال دارد! من نمی‌دانم. اگر این‌طوری است، اصلاً شرکت را باید به هم بزیم. بند (۲) ایراد مجمع مشورتی فقهی: «۲- اطلاق ذیل از جهت شمول نسبت به افرادی که قبل از تصویب این اساسنامه اقدام به خرید سهام نموده‌اند، خصوصاً خریدارانی که غافل از این مسئله‌اند که شرکت‌ها دارای قوانین سیال می‌باشند، خلاف شرع دانسته شد.»

آقای ابراهیمیان - اگر تغییر و اصلاح اساسنامه پیش‌بینی شده باشد، این هم عیبی ندارد. اگر چنین چیزی پیش‌بینی نشده باشد، بله، ایراد وارد است.

آقای اسماعیلی - حتماً پیش‌بینی شده است.

آقای ابراهیمیان - من نمی‌دانم؛ حالا این مصوبه، اصلاح اساسنامه است یا نه.

آقای ره‌پیک - نه، این، اصلاح اساسنامه نیست؛ تأسیس اساسنامه است.

آقای جنتی - بله، به این ایراد رأی بدهید.

آقای سوادکوهی - نه، مسئله این است که این بند، شامل پرداخت ربا به خارجی‌ها می‌شود یا نمی‌شود؟ بحث، این است که آیا گرفتن وام از خارج که تا آخر قانون برنامه‌ی پنجم توسعه مجاز است،^۱ شامل اینجا هم می‌شود یا نه؟

آقای علیزاده - اجازه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام برای گرفتن وام خارجی که در همه‌ی موارد نیست؛ در مواردی است که محدود کرده‌اند.

آقای سوادکوهی - منظور خود این اساسنامه بوده است.

آقای علیزاده - اگر این بند، تحت آن عموم [اجازه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام] قرار بگیرد، عیبی ندارد.

آقای اسماعیلی - اطلاق این بند از اساسنامه، بعد از انقضای زمان اجرای برنامه‌ی پنجم را هم شامل می‌شود. اطلاقش، برای بعد از زمان برنامه‌ی پنجم است. این اطلاق، آن زمان را هم شامل می‌شود.

آقای علیزاده - بله، حالا اطلاقش که اشکال دارد. آقایان فقه‌ها هم می‌فرمایند اطلاق این بند، اشکال دارد. (۵) رأی شد. پس بند (۴) ماده (۲) اساسنامه را با همان تقریری که آقایان اعضاء مجمع مشورتی فقهی قم در بند (۱) گزارششان نوشته‌اند، ایراد می‌گیریم. اطلاق این بند، نسبت به اخذ وام که مستلزم وام ربوی است، اشکال دارد.^۲

آقای علیزاده - اشکال بعدی آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] در مورد ماده (۸) است. «ماده ۸- انتقال سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا نماینده قانونی او ثبت انتقال را در دفتر مزبور امضا نماید. هویت کامل و

۱. بند (الف) ماده (۸۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۸۲-

الف- استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است. سهمیه‌های باقی‌مانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه‌های سوم و چهارم (با رعایت ضوابط اسلامی از جمله تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام) در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.

ب- ...»

۲. بند (۱) نظر مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت‌های توزیع نیروی برق: «۱- در بند (۴) ماده (۲)، اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی که مستلزم وام ربوی است، خلاف موازین شرع و احکام اولیه شناخته شد.»

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sh5W6

شرکت است. همه این موضوع را قبول دارند و همه‌ی مردم از این موضوع اطلاع دارند.

آقای مدرسی یزدی - نه، همه‌ی مردم قبول ندارند. خیلی از مردم، اصلاً متوجه این مسائل نیستند.

آقای یزدی - نه، آن مردمی که سهام می‌خرند و می‌فروشند، متوجه هستند. درست است که برخی، عوام هستند؛ ولی آن افرادی که اهل خرید و فروش هستند، مبنیاً بر همین مقررات عمل می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، این مسائل مهم نیست. مهم، مینا است.

آقای رهپیک - حالا این موضوع، یک بحث مبنایی است.

آقای علیزاده - بله، یک بحث مبنایی است. حضرات آقایانی که این مبنایی را که عرض کردیم قبول دارند، نباید این ماده را خلاف شرع بدانند. آن کسانی که این مینا را قبول ندارند، یعنی شرکت دارای شخصیت حقوقی را قبول ندارند، می‌توانند این ایراد را به این مصوبه بگیرند.

آقای شب‌زنده‌دار - مقام معظم رهبری شرکت‌های حقوقی را قبول دارند؛ بنابراین این ماده اشکالی ندارد. چون ما نظر ایشان را ملاک قرار می‌دهیم.

آقای یزدی - نظر خود آقایان فقهای شورا چیست؟

آقای مدرسی یزدی - ما که این موضوع را یک ماه، دوماه، سه ماه خدمت آقا [= مقام معظم رهبری] بحث کردیم و اثبات کردیم و بر اساس نظر خودمان، شرکت حقوقی را قبول داریم. آقای شاهرودی در آن جلسات مخالف بودند. آقا هم بعضی از استدلال‌ها را می‌پذیرفتند. حضرت آیت‌الله جنتی هم که خودشان تشریف داشتند. حالا نمی‌دانم نتیجه‌ی بحث چه شد.

آقای جنتی - قاعدتاً خیال می‌کنم، این ایراد رأی نداشته باشد. حالا اگر می‌خواهید، رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که ماده (۱۰) را با این وصفی که آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی فرمودند، خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند. دو نفر از حضرات آقایان فقها رأی دادند.

آقای مدرسی یزدی - نه، آقای شب‌زنده‌دار که رأی نداد.

آقای علیزاده - رأی ندادید؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، چون این چیزی که در گزارش مجمع مشورتی فقهی نوشته شده شده است، بر اساس همان مبنایی است که آیت‌الله مؤمن هم می‌فرمودند؛ لکن نظری که من می‌خواهم بدهم، نظر رهبری است که انکار شخصیت حقوقی

آقای سوادکوهی - این اساسنامه است؛ اصلاح اساسنامه نیست.

آقای جنتی - اصل بر این است که هر کسی در هر جایی سهام دارد، در هر جایی سرمایه‌گذاری می‌کند و در هر شرکتی سهام دارد، تمام مقررات آنجا را پذیرفته است.

آقای علیزاده - خریدار، باید مقررات آن شرکت را بخواند. حضرت آقایانی که این دو اشکال مجمع مشورتی فقهی را قبول دارند، رأی بدهند. این دو ایراد، رأی نیاورد.

آقای علیزاده - اشکال بعدی مجمع مشورتی فقهی به ماده (۱۰) است. «ماده ۱۰- مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.» آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی، در نظرشان] گفته‌اند: «بر اساس این مینا که شرکت حقوقی را انکار نموده و قائل به شرکت حقیقی باشیم، محدود نمودن مسئولیت صاحبان سهام به مبلغ اسمی سهام، وجهی نداشته و صاحبان سهام ضامن بوده و لازم است جهت رفع ضمان خود از سایر اموال خود استفاده نمایند.»^۱

آقای رهپیک - اگر این اشکال را وارد کنید که دیگر شرکت حقوقی وجود نخواهد داشت.

آقای اسماعیلی - اگر کسی شرکت حقوقی را به طور مستقل قبول نداشته باشد، این اشکال وارد است.

آقای رهپیک - الآن دارند اساسنامه‌ی یک «شرکت حقوقی» را می‌نویسند.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، ممکن است کسی از اساس شرکت حقوقی را قبول نداشته باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - بعضی از فقها این شرکت‌های متداول را هم شرکت حقیقی می‌دانند.

آقای رهپیک - می‌دانم.

آقای مدرسی یزدی - آن دسته از فقها می‌گویند که شرکت، مدنی است.

آقای رهپیک - آن را می‌دانم؛ منتها این شرکتی که الآن داریم احکامش را بررسی می‌کنیم، شرکت حقوقی است؛ این شرکت، شخصیت حقوقی دارد.

آقای علیزاده - تلقی عمومی از شرکت هم همین است. معمولاً مردم هم در اجتماع همین باور را نسبت به شرکت دارند که خود شرکت یک شخصیت جدایی غیر از شخصیت صاحبان آن دارد و این شخصیت، علاوه بر مؤسسان و سهامداران آن

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۴۶/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/SH5W6

سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۷/۳/۲۵].

آقای مدرس‌ی یزدی - بند (۵) ماده (۱۸) را بیاورید تا ببینیم چه گفته است.

آقای ره‌پیک - این بند در زیرنویس [گزارش مجمع مشورتی حقوقی] آمده است.^۲

آقای علیزاده - بند (۵) ماده (۱۸): «ماده ۱۸- جهت تسهیل امر واگذاری بنگاه‌های مشمول واگذاری از زمان تصویب فهرست بنگاه‌ها توسط هیئت واگذاری اقدامات زیر انجام می‌شود: ... -۱

۵- در اجراء این قانون، وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است آن دسته از طرح‌ها و تصدی‌های اقتصادی و زیربنایی دولتی قابل واگذاری را که به صورت شرکت مستقل اداره نمی‌شوند و یا در قالب غیر شرکتی اداره می‌شوند و به نحو موجود قابل واگذاری نمی‌باشند و صرفاً به منظور واگذاری، ابتدا تبدیل به شخص حقوقی مناسب نموده و سپس نسبت به واگذاری آنها ظرف یک سال از زمان تبدیل و با رعایت تبصره‌های (۲) و (۳) بند (الف) ماده (۳) این قانون اقدام نماید. این حکم تا پایان سال ۱۳۹۲ معتبر است.»

آقای ره‌پیک - آن تاریخی که هیئت وزیران این اساسنامه را تصویب کرده است ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ بوده است. تاریخ تصویبش، ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ است.

آقای یزدی - ظاهراً در گزارش [مجمع مشورتی حقوقی] می‌گویند هیئت وزیران اصلاً صلاحیت تأسیس این شرکت را نداشته‌اند. نظر شما [= آقای ره‌پیک] این است که هیئت وزیران اصلاً صلاحیت این کار را نداشته‌اند یا مهلت زمانی تصویب آن تمام شده است؟

آقای اسماعیلی - نه، آن [نظر مجمع مشورتی حقوقی]، مربوط به این اساسنامه نیست.

آقای ره‌پیک - نه، آن نظر مربوط به این شرکت نیست؛ مربوط به یک شرکت دیگر است. ایجاد این شرکت طبق همین استناد [= استناد به بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] درست است.

آقای ابراهیمیان - ایجاد این شرکت، به عنوان یکی از مصادیق

وجهی ندارد. ظاهراً رهبری شرکت‌های حقوقی را قبول دارند. از این جهت، من به این ایراد رأی ندادم.

آقای علیزاده - «ماده (۴۷)، بند (۱۱)»

آقای ره‌پیک - آقای علیزاده، اگر می‌خواهید، به ترتیب مواد بخوانید [اجازه بدهید که ایراد ماده (۱۹) را بگوییم].

آقای علیزاده - بله، اول شما بفرمایید. اول دکتر ره‌پیک، ایراد ماده (۱۹) را می‌فرمایند.

آقای ره‌پیک - ماده (۱۹) و تبصره (۲) آن در مورد انحلال شرکت دولتی است.^۱ اصل این ماده گفته است: «... هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا میزان سرمایه شرکت یا انتشار اوراق مشارکت و یا انحلال شرکت منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است؛» در حالی که تأسیس و انحلال شرکت‌های دولتی با قانون‌گذار است. در تبصره (۲) هم گفته است که اگر خواستند تغییر اساسنامه بدهند یا انحلال بکنند، بدون اخذ نظر وزیر نیرو درست نیست. این اشکالی که ممکن است به این ماده وارد باشد، ایراد مغایرت با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ چون تأسیس و انحلال شرکت دولتی باید از طریق قانون باشد.

آقای علیزاده - آیا قانون مصوب مجلس اجازه داده است که [هیئت وزیران با تصویب اساسنامه] این شرکت را تشکیل دهد؟ ابتدای مصوبه را بیاورید تا ببینیم بر چه اساسی این اساسنامه را نوشته‌اند. باید ببینیم قانون اجازه داده است که دولت، اساسنامه‌ی چنین شرکتی را بنویسد یا خیر؟

آقای سوادکوهی - بله، خود قانون گفته است.

آقای ره‌پیک - بله، به استناد بند (۵) ماده (۱۸) [قانون اجرای

۱. ماده (۱۹) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق] مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۱۹- مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در این اساسنامه پیش‌بینی شده است برای استماع گزارش مدیران، بازرس و یا بازرسان و بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون تشکیل شود. هرگونه تغییر در مواد اساسنامه با میزان سرمایه شرکت یا انتشار اوراق مشارکت و یا انحلال شرکت منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است. ...

تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید.

تبصره ۳- ...»

۲. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص

۱-۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/Rx8Rq

نمی‌شود که چنین اجازه‌ای [= تشخیص انحلال شرکت] را به مجمع عمومی داد.

آقای ره‌پیک - در درجه‌ی اول، تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی بر عهده‌ی خود مجلس است.

آقای علیزاده - در اینجا [= صدر بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده‌اند؛ گفته‌اند در اجرای این قانون، وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز به تشکیل این شرکت‌ها است.

آقای ره‌پیک - بند (۵) ماده (۱۸) گفته است که وزارت اقتصاد، آن تصدی‌ها را به شرکت حقوقی مناسب تبدیل بکند تا بعداً این شرکت‌ها در آینده واگذار بشود. الآن در این اساسنامه آمده‌اند آنها را تبدیل به شرکت مناسب کرده‌اند تا در آینده واگذار بشود؛ یعنی این شرکت، همچنان شرکت دولتی است.

خب حالا شرکت دولتی هم ایجادش و هم انحلالش در اصل، در اختیار خود مجلس است. اگر قانون این موضوع را به هیئت وزیران تفویض کرد، ایجاد و انحلال آن شرکت با دولت خواهد بود. در هر حال، انحلال شرکت دولتی با تشخیص مجمع عمومی که نمی‌شود؛ چون این بدین معنی است که دولت یا مجلس آمده و آن شرکت را ایجاد کرده است، اما بعد مجمع عمومی آن شرکت را منحل می‌کند!

آقای علیزاده - این موضوع خلاف اصل (۸۵) است.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر دولت خودش چنین چیزی را تصویب کند، چه اشکالی دارد؟ دولت که اساسنامه‌ای را می‌نویسد به اذن مجلس است. خب خود دولت که اساسنامه‌ی آن شرکت را می‌نویسد، در اساسنامه می‌گوید که مجمع عمومی می‌تواند شرکت را منحل بکند.

آقای علیزاده - اساسنامه می‌گوید چه کسی شرکت را منحل کند؟

آقای ره‌پیک - می‌گوید مجمع عمومی شرکت، آن را منحل کند! خب این‌طور که نمی‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - اشکال این کار چیست؟ این صلاحیت واگذار شده به مجمع عمومی، مصوبه‌ی هیئت وزیران است.

آقای سوادکوهی - نه، در اینجا برای انحلال شرکت، صرف نظر مجمع عمومی را کافی ندانسته است؛ گفته است برای انحلال شرکت، اخذ نظر وزیر هم لازم است.

آقای شب‌زنده‌دار - دولت به مجمع عمومی چنین حقی را داده است.

آن «شخص حقوقی مناسب» توسط قوه‌ی مقننه تجویز شده است. حالا دوستان [= کارشناسان مجمع مشورتی حقوقی] می‌فرمایند که خودشان [= مجمع عمومی شرکت] نمی‌تواند آن شرکت را منحل کند.

آقای ره‌پیک - تا وقتی که واگذاری این شرکت صورت نگرفته است، [= مجمع عمومی شرکت، حق انحلال شرکت را ندارد].

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، نمی‌توانند که مجلس را [از انحلال شرکت] منع کنند؛ می‌توانند مانع مجلس بشوند؟

آقای علیزاده - این، به معنای منع مجلس نیست.

آقای ره‌پیک - ماده (۱۹) می‌گوید انحلال شرکت، منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.

آقای مدرسی یزدی - تبصره (۲) می‌گوید که نظر وزیر نیرو را اخذ کنید.

آقای ره‌پیک - دو تا اشکال در اینجا هست. خود ماده در بالا گفته است انحلال شرکت منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی است. بعد، تبصره (۲) می‌گوید که قبلاً نظر وزیر نیرو را هم بگیرند و به مجمع عمومی ببرند و شرکت را منحل کنند.

آقای سوادکوهی - این، اشکال ماده (۱۹) بود.

آقای علیزاده - دارند در اساسنامه می‌نویسند با اخذ نظر وزیر نیرو شرکت را منحل کنند. این کار که اشکالی ندارد. ما فقط باید این موضوع را روشن کنیم که اگر قانون به هیئت وزیران اجازه‌ی تشکیل شرکتی را بدهد، آیا انحلال این شرکت نیز باید توسط قانون تجویز شود یا خیر؟ در اینجا قانون نگفته است که فلان شرکت خاص را تأسیس کنید، بلکه به هیئت وزیران گفته است شما به تشخیص خودتان بیاپید شرکت‌هایی با این خصوصیات را تشکیل دهید و با تشخیص خودتان هم آنها را منحل کنید. این، چه اشکالی دارد؟

آقای ره‌پیک - با تشخیص چه کسی؟

آقای علیزاده - دولت دیگر.

آقای ره‌پیک - خب در اساسنامه، انحلال شرکت به تشخیص دولت نیست؛ به تشخیص مجمع عمومی شرکت است.

آقای یزدی - یعنی در واقع هیئت وزیران در اساسنامه‌ی این شرکت تصویب کرده است که تأسیس آن، این‌گونه است و انحلال آن هم، آن‌گونه است. اگر خود هیئت وزیران در اساسنامه‌ی شرکت چنین چیزی را تصویب بکند، ایرادی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - [اصل (۸۵)] قانون اساسی می‌گوید که می‌توان [اجازه‌ی تصویب اساسنامه را] به هیئت دولت داد؛ لذا

است که مجلس هم شرکت را ایجاد کند و هم منحل کند.

آقای ابراهیمیان - این که قانون عادی است.

آقای رهپیک - مجلس هم که طبق قانون اساسی، اجازه‌ی تصویب اساسنامه و ایجاد شرکت دولتی را به هیئت دولت می‌دهد، در حدود قانون اجازه می‌دهد و در حقیقت، مجلس در این موارد، اختیاراتش را تفویض می‌کند.

آقای ابراهیمیان - اگر مجلس اختیاراتش را به هیئت دولت تفویض کند، می‌تواند تصمیمی غیر از آنچه که در قانون محاسبات عمومی گرفته شده است، اتخاذ کند. می‌تواند یا نه؟
آقای رهپیک - نه، مجلس اختیار انحلال را که به هیئت دولت نمی‌دهد.

آقای ابراهیمیان - فرض کنید مجلس در قانون محاسبات عمومی گفته باشد که مکانیزم انحلال شرکت باید با تصمیم ما باشد؛ اما در یک قانون دیگر بگوید نخیر، در این مورد، انحلال جور دیگری می‌باشد. [آیا مجلس می‌تواند بدین نحو قانون‌گذاری کند یا خیر؟]

آقای رهپیک - الان هیئت وزیران این اساسنامه را تصویب کرده است. اگر مجلس این اساسنامه را تصویب کرده بود، این حرف شما درست بود. الان در اینجا هیئت وزیران چه کار کرده است؟ آیا طبق اختیار تفویضی، اساسنامه را نوشته است؟ اگر تصویب این اساسنامه، از سوی مجلس بود، بله، ایرادی نداشت [و مجلس می‌توانست در این مورد خاص، چیزی خلاف عموماً قوانین مربوط به انحلال را برای این شرکت معین کند]؛ ولی حالا هیئت وزیران آمده است و گفته است من حق انحلال را به مجمع عمومی می‌دهم. آیا هیئت وزیران می‌تواند این کار را بکند؟

آقای ابراهیمیان - بله، چون مثل قانون عادی است.

آقای علیزاده - انحلال، یکی از تصمیمات مربوط به شرکت است یا نیست؟

آقای رهپیک - مجمع عمومی فقط می‌تواند پیشنهاد انحلال شرکت را به هیئت وزیران بدهد.

آقای علیزاده - نه، انحلال شرکت هم، یک تصمیم است مثل

→

می‌شود.

تبصره - ...

ماده ۱۳۴ - انحلال شرکت‌های دولتی منحصراً با اجازه‌ی قانون مجاز می‌باشد، مگر آنکه در اساسنامه‌های مربوط ترتیبات دیگری مقرر شده باشد.»

آقای ابراهیمیان - خود تصویب اساسنامه در اختیار مجلس است و می‌تواند آن را واگذار کند، ولی خود انحلال شرکت که یک حکم نیست؛ خود مجلس به هیئت وزیران اجازه داده است که این هیئت در اساسنامه پیش‌بینی کند و بگوید مجمع عمومی این شرکت را منحل بکند.

آقای علیزاده - انحلال شرکت، جزء عمده‌ای از اساسنامه است.
آقای ابراهیمیان - یک‌وقت حکم، مربوط به انحلال است و یک‌وقتی مسئله، خود فعل انحلال است. این دو تا با هم فرق می‌کنند. حکم مربوط به انحلال را یا خود مجلس تصویب می‌کند و تکلیف آن را تعیین می‌کند یا اینکه به هیئت وزیران واگذار می‌کند که در اساسنامه، حکم مربوط به چگونگی انحلال را پیش‌بینی بکند. اما خود فعل انحلال، یعنی استفاده از فعل و اختیاری را که آن حکم به او داده است، خُب خود اساسنامه گفته است که مجمع عمومی می‌تواند این کار را بکند.
آقای رهپیک - نه، این تفکیک را نمی‌کنند. فعل انحلال با تصویب [قانون‌گذار است]؛ انحلال، یعنی منحل کردن؛ یعنی اینکه قانون‌گذار تصمیم بگیرد که شرکت را منحل کند.

آقای ابراهیمیان - اینکه ما می‌گوییم اساسنامه باید به تصویب هیئت وزیران برسد، یعنی در این مورد [= تصویب و تغییر مفاد اساسنامه] مجمع عمومی حق مداخله و تغییر و اصلاح ندارد. اما ماده‌ای که مربوط به انحلال است، آن ماده‌ای است که هیئت وزیران آن را تصویب کرده است. اگر ما هم آن را تأیید بکنیم، مسئله تمام می‌شود؛ یعنی هیئت وزیران می‌گوید انحلال این شرکت با تصمیم خود شما [اعضای مجمع عمومی شرکت] صورت بگیرد. به نظرم هیچ اشکالی پیش نمی‌آید.

آقای رهپیک - هیئت وزیران که نمی‌تواند خلاف قانون چیزی بگوید؛ نمی‌تواند چنین چیزی را بگوید؛ چون خلاف قانون است.

آقای ابراهیمیان - کدام قانون؟

آقای رهپیک - در قانون عادی، قانون محاسبات عمومی^۱ گفته

۱. مواد (۴) و (۱۳۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴ - شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح، ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی ←

منحل بکند، اشکالی ندارد. پس آقایانی که با این ایراد موافقتند رأی بدهند.

آقای سلیمی - تبصره (۳) را هم بخوانید.

آقای علیزاده - ما الآن به تبصره (۳) کاری نداریم.

آقای سلیمی - موضوع تغییر می‌کند. این تبصره، ماده را تغییر می‌دهد. «تبصره ۳- مادام که شرکت با رعایت قوانین، دولتی است، اصلاح اساسنامه (از جمله تغییر سرمایه) منوط به تصویب هیئت وزیران است.» این تبصره (۳) است. «تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید.» تبصره‌ها را با ماده یک‌جا ببینید. در صدر ماده آن مطالب را گفته است، اما در تبصره (۲) آمده و آن مطالب را مقید کرده است؛ یعنی می‌آید و همان مطالب بالایی را در این تبصره‌ها محدود می‌کند؛ می‌گوید اول مجمع عمومی باید نظر وزیر نیرو را بگیرد و بعد اقدام بکند.

آقای علیزاده - نه، نسبت به تغییر اساسنامه، باید بگوید ابتدا نظر وزیر نیرو را بگیرد، بعد تازه برای تصویب به هیئت وزیران بفرستد.

آقای مؤمن - به نظر می‌آید که این مطلب را در تبصره و ماده جمع کرده است و آن اشکال در ذهن را جواب می‌دهد.

آقای ره‌پیک - ولی اشکال انحلال را حل نمی‌کند. ما به تغییر اساسنامه، اشکالی وارد نکردیم.

آقای سلیمی - موضوع «انحلال» را در تبصره (۲) گفته است.

آقای سوادکوهی - تبصره (۲) اشکال دارد.

آقای سلیمی - تبصره (۲) گفته است که انحلال شرکت توسط مجمع عمومی با اخذ نظر وزیر نیرو صورت می‌گیرد؛ یعنی مجمع عمومی نمی‌تواند بدون اخذ نظر وزیر انحلال بشود.

آقای ره‌پیک - وزیر چه‌کاره است؟ وزیر چه‌کاره است که درباره‌ی انحلال نظر بدهد؟

آقای سلیمی - هیئت دولت این اختیار را به وزیر محول کرده است.

آقای علیزاده - نمی‌تواند محول کند.

آقای ره‌پیک - دولت، هیئت وزیران است.

آقای یزدی - نمی‌توانند این کار را بکنند.

آقای علیزاده - این صلاحیت، قابل واگذاری نیست.

آقای ابراهیمیان - این مسئله، به همان سؤال اول برمی‌گردد [که آیا دولت می‌تواند این اختیار تفویض شده از مجلس را به دیگری تفویض کند یا خیر؟]

بقیه‌ی تصمیمات راجع به شرکت.

آقای ره‌پیک - تصمیم با تصمیم فرق می‌کند.

آقای علیزاده - اگر تصمیم انحلال با مجمع عمومی باشد، حرف آقای دکتر ره‌پیک صحیح است. اگر در تدوین مقررات، اساسنامه به مجمع عمومی اختیار بدهد که شرکت منحل بشود یا نشود، اشکال دارد؛ اما اگر فقط عمل انحلال را به عهده‌ی آنها بگذارد، ظاهراً اشکالی ندارد. حالا رأی‌گیری می‌کنیم. موضوع روشن است.

آقای ره‌پیک - نه، این ماده، این‌طور نیست.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که ماده (۱۹) را با توجه به تبصره (۲) آن، خلاف اصل (۸۵) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای یزدی - الآن دارید در مورد بند (۱۱) ماده (۴۷) صحبت می‌کنید؟

آقای علیزاده - نه، الآن اشکال آقای دکتر ره‌پیک را می‌خوانیم. پس آقایان اعضا به این ایراد رأی ندادند.

آقای مؤمن - محل نزاع درست روشن نشد.

آقای علیزاده - حاج آقای یزدی، الآن در ماده (۱۹) اساسنامه گفته است که انحلال شرکت با تصمیم مجمع عمومی همراه با اخذ موافقت وزیر نیرو است. آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] در مرکز تحقیقات معتقدند که [این ماده و تبصره (۲) آن با اصل (۸۵) مغایر است].^۱

آقای سلیمی - «ماده ۱۹- ... هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا میزان سرمایه شرکت یا انتشار اوراق مشارکت و یا انحلال شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است. ...» **آقای علیزاده -** این عبارت که اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - ما هم داریم همین را می‌گوییم.

آقای ابراهیمیان - الآن دیگر با این اشکال موافقت؟

آقای علیزاده - نه، اینکه خود مجمع عمومی مستقلاً شرکت را منحل کند، ایراد دارد؛ اینکه ماده (۱۹) می‌گوید هرگونه تغییر در مواد اساسنامه با مجمع عمومی است اشکال دارد و باید با تصویب هیئت وزیران باشد. این که خلاف اصل (۸۵) است؛ این حتماً اشکال دارد. اگر بگوید مجمع عمومی شرکت را

۱. «در تبصره (۲) این ماده، صلاحیت وزیر نیرو نسبت به اعلام نظر در خصوص اصلاح اساسنامه به مجامع عمومی با توجه به اینکه مرجع تصویب اساسنامه هیئت وزیران می‌باشد، مغایر ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۱-۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/Rx8Rq

است، به چه دلیل است؟ وزیر مگر چه کاره است؟ آقای دکتر [اسماعیلی]، اگر شرکت از حالت دولتی خارج شد، وزیر چه کاره است [که صلاحیت تصمیم‌گیری را راجع به امور این شرکت را داشته باشد]؟

آقای اسماعیلی - شرکت که از حالت دولتی خارج نمی‌شود.

آقای علیزاده - اجازه بدهید من یک توضیحی بدهم. اگر فقط ماده (۱۹) و تبصره (۳) بود، اشکالی وجود نداشت. ولی الآن سه تبصره داریم که هر کدام از این تبصره‌ها مستقل هستند. یک تبصره، تبصره‌ی دیگر را مقید نمی‌کند. تبصره، معنای ماده را روشن می‌کند. «تبصره ۱- چنانچه هیئت مدیره، مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند، بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند.» این تبصره که اشکالی ندارد. اما تبصره (۲) می‌گوید: «تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید.» اینجا گفته است که اقدام به این موارد، به دست مجمع عمومی است. این تبصره اصلاً می‌خواهد این موارد را جزء اساسنامه نداند و حال اینکه این مسائل جزء اساسنامه است. بعد، پایین در تبصره (۳) گفته است: «تبصره ۳- مادام که شرکت با رعایت قوانین، دولتی است، اصلاح اساسنامه (از جمله تغییر سرمایه) منوط به تصویب هیئت وزیران است.» از مجموع اینها این‌طور برداشت می‌شود که همان‌طور که اعمال تبصره (۱) نیاز به تصویب هیئت وزیران ندارد، تبصره (۲) هم نیاز به تصویب هیئت وزیران ندارد یا حداقل در خصوص این موارد، چنین ابهامی وجود دارد. ما به هیئت وزیران بگوییم آنچه که شما در تبصره (۲) آورده‌اید، مواردی مثل تغییر تابعیت، افزایش سهام و مانند آن، اینها مواردی است که مربوط به تغییر اساسنامه است. خوب باید از مجلس پرسیم شما نظرتان در خصوص تغییر این موارد چیست؟ این موارد با اینکه جزء تغییر اساسنامه است، اما ظاهراً خود دولت در تبصره (۲)، اینها را جزء تغییر اساسنامه ندانسته است؛ چون بحث تغییر اساسنامه را جداگانه در تبصره (۳) آورده است. بنابراین ما باید بگوییم که موارد مذکور در تبصره (۲) هم جزء مصادیق اصلاح و تغییر اساسنامه است و شما نمی‌توانید آنها را همین‌گونه با تصویب مجمع عمومی تغییر دهید. این، واقعاً اشکال دارد؛ یعنی خود این اساسنامه در تبصره (۲) تابعیت شرکت و افزایش سهام را جزء موارد تغییر در اساسنامه

آقای علیزاده - اگر تبصره بگوید که مجمع عمومی می‌تواند فعل انحلال را انجام دهد، ایرادی ندارد. من نسبت به خود انحلال حرفی ندارم؛ مجمع عمومی می‌تواند شرکت را منحل کند، اما تغییر تابعیت و مانند اینها که جزء اساسنامه است، حتماً باید هیئت وزیران آنها را تصویب کند.

آقای سلیمی - مجمع عمومی می‌تواند شرکت را منحل بکند.

آقای ابراهیمیان - آن موضوع هم در اساسنامه هست دیگر؛ پایین در تبصره (۳) این قید را آورده است.

آقای اسماعیلی - بله، تبصره (۳) راجع به هیئت وزیران است دیگر.

آقای سوادکوهی - تغییر تابعیت را هم گفته است.

آقای سلیمی - همه‌ی موارد را گفته است.

آقای سوادکوهی - ظاهراً فقط یک اشکال در همین تبصره (۲) هست. ظاهراً اشکال این تبصره، در [مورد عدم نیاز به تأیید] هیئت وزیران درست است.

آقای اسماعیلی - بسم الله الرحمن الرحيم. فلسفه‌ی این اساسنامه‌ها، کما اینکه مستند تصویب این اساسنامه‌ها [= بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] هم نشان می‌دهد این است که می‌خواهند شرکت‌هایی را که قابل واگذاری نبودند، در قالب این شرکت‌ها بیاورند و بعد آنها را واگذار کنند. هدفشان از ایجاد این شرکت همین است. برای همین است که در همه جای اساسنامه، در جاهای مختلف از جمله این تبصره (۳) این قید وجود دارد؛ مادام می‌گوید، مادامی که این شرکت دولتی است، اصلاح اساسنامه‌ی آن به هیئت وزیران برود. هیئت دولت برای آن موقع که دیگر این شرکت‌ها دولتی نیستند، این مسائل را برایشان تصویب می‌کند. بنابراین هیچ کدام از این مواردی که من علامت زده بودم و قبلاً نگاه کرده بودم، ایرادی ندارد. می‌گوید همه‌ی این موارد تا مادامی که این شرکت دولتی است برای تصویب به هیئت وزیران می‌رود. پس از اینکه این شرکت دیگر دولتی نبود، این مواد [برای آن زمان است].

آقای ره‌پیک - نه، هیچ فایده‌ای ندارد.

آقای اسماعیلی - چرا؟

آقای ره‌پیک - الآن این شرکت، شرکت دولتی است. اگر بعداً از نظارت دولت خارج شد، همه‌ی این احکام بر این شرکت مترتب است.

آقای علیزاده - اینکه در اینجا اخذ نظر وزیر را لازم دانسته

می‌کنند. بنابراین این اساسنامه مربوط به مرحله‌ی بعد از واگذاری شرکت نیست. این ضوابط مربوط به همین الان است که شرکت، دولتی است. این اساسنامه نمی‌خواهد تکلیف این شرکت‌ها را در بعد از واگذاری هم مشخص کند.

آقای علیزاده - چرا.

آقای مدرسی یزدی - چرا.

آقای ابراهیمیان - نه، آیا همین تبصره‌ای که می‌گوید نظر وزیر را بگیرید، خود همین تبصره جزئی از اساسنامه است یا نه؟

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای ابراهیمیان - خُب، اگر این‌گونه است، بعد از واگذاری تغییر این تبصره منوط به تصویب هیئت وزیران نیست. چه کسی این کار را می‌کند؟ خود مجمع عمومی این کار را می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - این، یک اشکال و ایراد به این اساسنامه است؛ و آلاً معنای این تبصره همین است که می‌خواهند بگویند بعد از اینکه این شرکت خصوصی شد و دیگر شرکت دولتی نیست، [اجازه از وزیر نیرو لازم است].

آقای علیزاده - اگر این اساسنامه مربوط به بعد از واگذاری نباشد که حتماً تبصره (۲) اشکال دارد.

آقای ابراهیمیان - نه دیگر، این اساسنامه برای زمان دولتی بودن شرکت است.

آقای مدرسی یزدی - روشن بودنش مقصود این تبصره که واضح است؛ فهم آن دقت می‌خواهد؛ منتها اگر می‌خواهید ابهامی بگیرید که دولت آن را واضح کند، آن یک حرف دیگری است.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این اساسنامه نمی‌تواند بعد از خصوصی شدن مورد استفاده قرار بگیرد.

آقای اسماعیلی - به نظر می‌آید همین نکته صحیح است؛ یعنی واقعاً این اساسنامه مادامی که دولتی است، آموزش به هیئت وزیران مربوط می‌شود، اما وقتی غیر دولتی شد، باز حداقل باید نیاز به نظر وزیر نیرو را داشته باشد. به قول ایشان خُب وقتی که خصوصی شد، همه‌ی اساسنامه را عوض می‌کنند و تمام می‌شود.

آقای علیزاده - موضوع فعالیت این شرکت، یک امر حاکمیتی است. ممکن است فردا یک چیز دیگر از این بفهمند.

آقای ره‌پیک - فعلاً که این شرکت دولتی است.

آقای علیزاده - نظر ما بر این است که بیاییم و بگوییم تکلیف این اساسنامه را روشن بکنید که کدام یک از این تکالیف

ندانسته است. اگر در اینجا می‌گفت «... یا مجمع عمومی نسبت به تغییر سایر موارد اساسنامه اقدام کند»، ما آن را قبول می‌کردیم؛ اما تنها گفته است «یا مجمع عمومی نسبت به تغییر اساسنامه اقدام کند». من نسبت به موضوع انحلال شرکت اشکالی ندارم، اما به آن دو قسمت [= تغییر تابعیت و تغییر اساسنامه] به لحاظ اینکه آنها هم جزء [اساسی] اساسنامه است، اشکال وارد می‌کنم.

آقای مدرسی یزدی - بند (۵) ماده (۱۸) [قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] را یک‌بار بخوانید.

آقای سلیمی - به نظر می‌رسد انحلال شرکت با تصویب مجمع عمومی هم اشکال دارد. همه‌ی اینها اشکال دارند. ما داریم می‌گوییم که برقرمان و نیروگاهمان در اختیار شرکت خصوصی قرار بگیرد و واگذار بشود و این شرکت، یک مجمع عمومی داشته باشد. بعد ممکن است که مجمع عمومی بخواهد تابعیت آن شرکت را عوض کند یا بخواهد شرکت را منحل کند. وقتی شرکت را منحل می‌کنند، این نیروگاه‌ها می‌خواهد و چراغ‌های خانه‌ی مردم خاموش می‌شود. برق، چیزی است که نیاز ضروری کشور است. ما می‌گوییم حتی اگر نیروگاه شخصی هم شد، بدون اخذ نظر وزیر حق ندارند که این‌گونه تغییرات را در این شرکت‌ها بدهند. به نظر می‌رسد که دارد این محدودیت را در تبصره (۲) قائل می‌شود.

آقای علیزاده - بله.

آقای سلیمی - تبصره (۲) می‌گوید که اگر حتی پس از واگذاری هم می‌خواهند تغییراتی در این سیستم‌ها بدهند، باید با موافقت وزیر نیرو باشد؛ چون او مسئول تأمین برق کشور است؛ لذا نمی‌تواند بگوید تابعیت و مالکیت و اختیار تام این بیست تا نیروگاه دست شما باشد؛ می‌خواهد این مسائل را محدود کند. این تبصره، غیر از تبصره (۳) است که موضوعش را به نحو دیگری بیان کرده است.

آقای ابراهیمیان - من به نظرم این اساسنامه مربوط به زمان بعد از واگذاری نیست؛ چون اگر واگذاری صورت بگیرد، دیگر اصلاح اساسنامه به تصویب هیئت وزیران ارتباطی ندارد، بلکه خود مجمع عمومی می‌تواند اساسنامه را تغییر بدهد؛ خود ارکان آن شرکت می‌توانند آن اساسنامه را تغییر بدهند. آنها می‌نشینند و اساسنامه‌ی شرکت را اصلاح می‌کنند، از جمله همین ماده‌ای که می‌گوید [در مورد تغییر اساسنامه و انحلال شرکت] باید از وزیر اجازه بگیرید؛ آن ماده را هم اصلاح

آقای ابراهیمیان - چون قانون عادی است [که می‌تواند شرکت را محدود کند]؛ یعنی مجلس می‌تواند بگوید: آقای خصوصی، تو حق مداخله در آن مالت را نداری یا محدودی؛ اما اساسنامه فقط مربوط به طرز کار و ارکان و سازمان شرکت است.

آقای مدرسی یزدی - نحوه‌ی اصلاح اساسنامه از اول در خود اساسنامه پیش‌بینی می‌شود.

آقای یزدی - شما اگر صاحب بیمارستانی باشید، با اینکه آن بیمارستان یک بیمارستان خصوصی است، ولی شما حق ندارید [به دلخواه خود] در آن را ببندید. بیمارستان صد درصد شخصی است [ولی چنین حقی برای صاحب بیمارستان وجود ندارد]. بنابراین در اساسنامه‌ی بیمارستان می‌تواند گفته شود که با اینکه این بیمارستان، شخصی است، اما نمی‌توان در آن را بست، با اینکه صاحب بیمارستان هم می‌گوید من نمی‌خواهم کار کنم.

آقای ابراهیمیان - اساسنامه نمی‌تواند این را بگوید؛ ولی قانون‌گذار می‌تواند چنین چیزی را در قانون بگنجاند.

آقای علیزاده - اگر اساسنامه‌ی شرکتی دولتی باشد، چنین چیزی اشکال دارد. «تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید.» پس اینها این مسائل را در مورد شرکت دولتی جزء اساسنامه نمی‌دانند، اما ما می‌دانیم.

آقای ابراهیمیان - ممکن است این تبصره، از باب ذکر موارد خاص باشد و تمهیدات این چنینی، بعداً جدا پیش‌بینی شود.

آقای علیزاده - خب، این عبارت «بدون اخذ نظر وزیر نیرو» واقعاً ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - چه ابهامی دارد؟

آقای ابراهیمیان - کجایش ابهام دارد؟

آقای علیزاده - اگر این شرکت‌ها دولتی است، چرا باید بگوید نظر وزیر نیرو اخذ شود؟

آقای مدرسی یزدی - نه، مقصود این تبصره، فرض بعد از دولتی بودن است.

آقای ابراهیمیان - باید [حکم تبصره (۲) را] در زمان دولتی بودن تعیین تکلیف کنیم.

آقای علیزاده - همین ابهام دارد.

آقای ره‌پیک - این شرکت که قطعاً دولتی است؛ الان دولتی است.

مربوط به زمان دولتی بودن شرکت و کدام یک مربوط به زمان غیردولتی بودن آن است.

آقای مدرسی یزدی - ولی واقعیت این است که نمی‌تواند تصمیمات را عوض کند و دور از نظر وزیر نیرو [تغییرات اساسنامه‌ای بدهند].

آقای یزدی - برای آقایان اعضا سؤال است که آیا در قوانین واگذاری، مقرراتی وجود ندارد که چگونه شرکت‌ها را واگذار بکنند؟ به هر حال، مقرراتی وجود دارد. این طور نیست که وقتی یک شرکت دولتی [واگذار می‌شود، هر تصمیمی بتواند بگیرند].

آقای علیزاده - وقتی آن شرکت‌های قابل واگذاری را واگذار می‌کنند، آن شرکت کاملاً خصوصی می‌شود. اما این اساسنامه، نمی‌خواهد که این شرکت، آن گونه بشود.

آقای یزدی - اگر بعداً بخواهند شرکت را تعطیل کنند، می‌توانند این کار را بکنند؟

آقای مدرسی یزدی - نه، نمی‌توانند.

آقای یزدی - پس این چگونه واگذاری‌ای است؟!

آقای اسماعیلی - تبصره (۲) ماده (۱۹) اساسنامه گفته است که با اخذ نظر وزیر نیرو این تغییرات صورت گیرد.

آقای یزدی - نه، منظورم این است که اصولاً در موقع واگذاری این قید [= محدودیت برخی تصمیمات] وجود دارد. این شرکت مثل سایر شرکت‌هایی است که خدمات عمومی دارند و قبلاً واگذار شده‌اند؛ یعنی وقتی این شرکت‌ها به اشخاص واگذار می‌شود، اگر به بخش خصوصی واگذار شود، در متن واگذاری قیودی وجود دارد که صاحبان شرکت‌ها نتوانند مردم را در مضیقه قرار دهند؛ ولاً فرض کنید که شرکتی خصوصی می‌شد، بعد هم سرمایه‌دار می‌گفت که من اصلاً نمی‌خواهم کار بکنم؛ می‌تواند چنین چیزی را بگوید یا نمی‌تواند بگوید؟ با اینکه شرکت را خصوصی کرده‌اند، [صاحبان شرکت نمی‌توانند چنین چیزی را بگویند].

آقای علیزاده - کما اینکه خیلی‌ها شرکت‌ها را از دولت گرفتند و بعد، دیگر کار نکردند؛ کارخانه‌ها را گرفتند و بعد، آنها را تعطیل کردند.

آقای ابراهیمیان - یک مطلب دیگر این است که به طور کلی اساسنامه‌ها این قابلیت را ندارند که حقوق و آزادی‌های یک شرکت را در حالی که خصوصی است، محدود بکنند.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - الآن می‌خواهند شرکت را واگذار کنند.

آقای ره‌پیک - واگذاری قاعده‌ی خودش را دارد.

آقای مدرسی یزدی - خُب اینجا دارد آن قاعده را بیان می‌کند.

آقای علیزاده - در هنگام واگذاری بر اساس قاعده‌ی خودش عمل می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این تبصره دارد حکم بعد از واگذاری این شرکت را بیان می‌کند.

آقای ره‌پیک - بعد از واگذاری کجا برود؟

آقای مدرسی یزدی - معنای این تبصره همین است. می‌گوید اگر شرکت را واگذار کردیم، بدون اخذ نظر وزیر، مجامع عمومی نمی‌توانند اساسنامه را تغییر بدهند. مقصود این تبصره، خیلی روشن است.

آقای ره‌پیک - کجای این اساسنامه گفته است که این شرکت واگذار شده است؟ چنین چیزی را که نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - تبصره (۲).

آقای علیزاده - اصلاً مگر الآن این اساسنامه، می‌تواند چنین چیزی را بگوید؟!

آقای ره‌پیک - الآن این احکام، احکام شرکت دولتی است.

آقای علیزاده - بله، الآن شرکت، دولتی است.

آقای مدرسی یزدی - در اینجا یک تبصره (۳) داریم و یک تبصره (۲). تبصره (۳) می‌گوید مادامی که شرکت دولتی است، هیئت وزیران دخالت کند.

آقای علیزاده - قانون باید آن [= شرایط واگذاری] را بگوید.

آقای مدرسی یزدی - خود اساسنامه دارد این را می‌گوید؛ قبلاً هم گفته است. تبصره (۳) می‌گوید مادامی که شرکت دولتی است [هیئت وزیران دخالت کند].

آقای علیزاده - کجای قانون گفته است؟

آقای مدرسی یزدی - تبصره (۳).

آقای علیزاده - آن تبصره که در اساسنامه آمده است.

آقای مدرسی یزدی - «تبصره ۳- مادامی که شرکت با رعایت قوانین، دولتی است، اصلاح اساسنامه (از جمله تغییر سرمایه) منوط به تصویب هیئت وزیران است.» این تبصره، طبق قاعده و قانون اساسی است. تبصره (۲) در حقیقت این را می‌خواهد بگوید که وقتی که شرکت، دیگر دولتی نبود، لامحاله از اختیار مجلس و قانون اساسی خارج است؛ چون شرکت، خصوصی می‌شود. آن تبصره می‌گوید حتی در آن فرض هم باید نظر وزیر نیرو را اخذ کنند.

آقای علیزاده - در کجا چنینی مطلبی را گفته است؟!

آقای مدرسی یزدی - در تبصره (۲) نوشته است هیچ یک از مجامع عمومی حق اعمال تغییرات بدون اخذ نظر نیرو را ندارند.

آقای علیزاده - منظور آن تبصره که این نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا.

آقای علیزاده - این‌طور نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ مطلب همین است.

آقای علیزاده - الآن هیئت وزیران دارد برای یک شرکت دولتی، اساسنامه می‌نویسد.

آقای مدرسی یزدی - نه، پس آن عبارت «مادام که شرکت با رعایت قوانین، دولتی است» در تبصره (۳) برای چیست؟ فقط اگر ترتیب شماره‌ی تبصره‌ها را جابه‌جا کرده بودند، خیلی بهتر بود.

آقای علیزاده - معنای آن عبارت در تبصره (۳) این است که مادامی که اجازه‌ی واگذاری نگرفته‌اند؛ مادامی که هنوز شرکت واگذار نشده است [اصلاح اساسنامه منوط به تصویب هیئت وزیران است].

آقای یزدی - لطف کنید اصل ماده را مجدداً بخوانید.

آقای مدرسی یزدی - این تبصره، چنین مفهومی ندارد.

آقای علیزاده - در کجا این اساسنامه گفته است مادامی که شرکت باقی است؟ گفته است تا مادامی که شرکت می‌خواهد واگذار شود، منوط به تصویب هیئت وزیران است. این حکم، برای این زمان است.

آقای ره‌پیک - مفهوم این عبارت در تبصره (۳) این است که اگر شرکت، دولتی نبود و واگذار شد، دیگر مصوبه‌ی هیئت وزیران نمی‌خواهد.

آقای مدرسی یزدی - بله، مصوبه‌ی هیئت وزیران نمی‌خواهد.

آقای علیزاده - الآن بینی و بین‌الله این تبصره، ابهام دارد.

آقای ره‌پیک - این شرکت، دولتی بوده است؛ چون طبق آن بند (۵) ماده (۱۸) [قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] ایجاد شده است. در آنجا گفته‌اند اجازه داده می‌شود که اینها به یک شرکت با «شخصیت حقوقی مناسب» تبدیل شود که بعداً واگذار شود.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای ره‌پیک - هنوز این شرکت واگذار نشده است؛ الآن دولتی است.

آقای علیزاده - هیئت وزیران دارد برای این زمان [زمان قبل از

آقای علیزاده - چرا؟

آقای ابراهیمیان - یعنی تغییر اساسنامه یا انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر جایز نیست. آن جملات قبلی، تمام شده است؛ آن جملات و حکم آن گزاره‌ها تمام شده است. شما نمی‌توانید این قید را به «تعهدات صاحبان سهام» مقید کنید. قید تا همان‌جا تمام شد.

آقای علیزاده - قسمت اخیر این تبصره، به همه‌ی جملات قبلی می‌خورد؛ از آنجا که می‌گوید «هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد...». شما چرا می‌فرمایید فقط به آن جمله‌ی آخری قید بخورد؟

آقای ابراهیمیان - یعنی می‌فرمایید این تبصره می‌گوید هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را بدون اخذ نظر وزیر تغییر دهند؟! این عطف، درست نیست. یعنی ظاهر این عبارت آن است که آن جمله تمام شده است. این عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» فقط به جمله‌ی آخری می‌خورد.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای یزدی - این عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» به هر سه چهار تا عبارت قبلی بر می‌گردد.

آقای علیزاده - بله، به هر سه چهار تا عبارت قبلی بر می‌گردد. **آقای ابراهیمیان -** نه، به آن عبارات بر نمی‌گردد.

آقای علیزاده - ما نسبت به همین مطلب ابهام داریم. شما می‌گویید به همین عبارت آخری بر می‌گردد، فردا عده‌ای هم با همین برداشت راه می‌افتند و طبق آن عمل می‌کنند.

آقای ابراهیمیان - در تبصره (۲) دو تا فعل داریم: یکی «تغییر بدهد» است و یکی «اقدام نماید». اینجا از نظر [ادبی، این قید به عبارت قبلی می‌خورد].

آقای علیزاده - از نظر شکلی این‌طور است. فعل هر دوی آن جملات تغییر است.

آقای ابراهیمیان - نه حاج‌آقا.

آقای علیزاده - این تبصره گفته است: «تغییر دهد»، «به تغییر اساسنامه». هر دو عبارت، مربوط به «تغییر» است. آن وقت شما چطور می‌توانید این را بگویید؟

آقای ابراهیمیان - نه، عرض من این است که این جمله‌ی «هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد» تمام شده است. شما چطور می‌خواهید این قید را به عبارات قبلی بچسبانید؟

آقای علیزاده - این تبصره، ابهام دارد و باید ابهام بگیریم تا آن

واگذاری این شرکت دولتی]، اساسنامه می‌نویسد.

آقای مدرسی یزدی - این قسمت از اساسنامه، برای بعد از واگذاری هم پیش‌بینی‌های لازم را کرده است.

آقای علیزاده - هیئت وزیران دارد برای شرکت دولتی اساسنامه می‌نویسد. الآن نوشتن این اساسنامه برای تبدیل این قسم از تصدی‌های دولت، به «شخص حقوقی مناسب» است [که در بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی آمده است].

آقای ره‌پیک - بله، این اساسنامه فقط مربوط به دوره‌ی دولتی بودن است.

آقای ابراهیمیان - این قسمت از تبصره (۲) که می‌گوید: «هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد»، قیدی که ندارد؛ یا عبارت «و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید» قیدی ندارد. پس این دو تا مطلب تمام شد. این دو تا که مشکلی ندارد؟

آقای مدرسی یزدی - نه، مشکلی ندارد.

آقای ابراهیمیان - پس فقط عبارت «یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید» می‌ماند. عبارت «اقدام نماید»، اقدامی است که در صلاحیت مجامع عمومی است؛ یعنی تعییر «اقدام نماید» به معنای این نیست که اساسنامه را به صورت قطعی تغییر بدهد؛ چون تبصره (۳) همین موضوع را تبیین می‌کند. این تبصره، این اجمال را رفع می‌کند که تغییر اساسنامه منوط به این است که هیئت وزیران تصویب کند.

آقای علیزاده - ما به این تبصره (۳) اشکالی نداریم؛ ما به جمله‌ی بالا [در تبصره (۲)] اشکال داریم.

آقای ابراهیمیان - به کجا اشکال دارید؟

آقای علیزاده - ما تابعیت شرکت را جزء [اساسی] اساسنامه می‌دانیم. اما این تبصره این موضوع را جدا کرده است و جزء اساسنامه نمی‌داند.

آقای ابراهیمیان - نه، شما چه تابعیت را جزء اساسنامه بدانید چه ندانید، این تبصره می‌گوید مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. این چه ایرادی دارد؟

آقای علیزاده - گفته است: مگر با اخذ نظر وزیر.

آقای ابراهیمیان - نه، آن قید که مربوط به این موضوع [= تغییر تابعیت] نیست. آن قید، مربوط به عبارت «و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت» است. این قید «بدون اخذ نظر وزیر»، به همین جمله‌ی آخری می‌خورد.

را روشن بکنند. اصلاً برای همین داریم ایراد می‌گیریم.
آقای ابراهیمیان - یک فعل و حکم جدایی در آن جمله‌ی آخری آمده است. در صدر تبصره عبارت «تغییر بدهد» هست، اما آخر تبصره، عبارت «نسبت به تغییر اساسنامه ... اقدام نماید» است. جداگانه حکم را تکرار کرده است. حالا که حکم را به مناسبت آن تکرار کرده است، «بدون اخذ نظر وزیر» را هم به جمله‌ی آخری چسبانده است.

آقای علیزاده - نه.

آقای ابراهیمیان - شما چطور می‌توانید این قید را از نظر ادبی به عبارت «هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد» بچسبانید؟!

آقای یزدی - پس این «او» چیست؟ این، او عاطفه است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - «او» عطف به اصل جمله است.

آقای یزدی - به قول ما طلبه‌ها این «او»، او عاطفه است. به اصطلاح، «مجمع عمومی» یا «هیچ اکثریتی»، نمی‌تواند هیچ کدام از این مسائل را [بدون اخذ نظر وزیر انجام دهند].

آقای جنتی - با هیچ یک از.

آقای یزدی - بله دیگر، یعنی نه با «مجمع عمومی» نه با «اکثریت».

آقای علیزاده - بله، این قید به همه می‌خورد. حضرات آقایانی که می‌فرمایند تبصره (۲) ابهام دارد، رأی بدهند.

آقای ابراهیمیان - این تبصره، ابهام دارد.

آقای اسماعیلی - ابهام دارد.

منشی جلسه - (۴) رأی شد.

آقای اسماعیلی - نسبت به چه چیزی ابهام دارد؟

آقای علیزاده - ابهام از این جهت که می‌گوییم در این اساسنامه برای ما روشن بکنند که این تبصره مربوط به چه زمانی است؛ آیا منظور این است که نسبت به همه‌ی این کارها نمی‌شود بدون نظر وزیر اقدام شود یا خیر.

آقای یزدی - خیلی خب، ابهام بگیرید.

آقای علیزاده - بله، این ابهام، رأی آورد. این تبصره، سه تا ابهام دارد: یکی اینکه بگوییم که آیا قید «بدون اخذ نظر وزیر» به همه‌ی عبارات قبلی بر می‌گردد یا نه؛ یکی هم اینکه آیا تابعیت شرکت و مانند اینها را غیر اساسنامه‌ای می‌دانند یا نه؟ آیا موارد مذکور نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد یا نه؟ آیا این اساسنامه، مربوط به زمان دولتی بودن شرکت است یا زمان غیر

دولتی بودن را هم مد نظر دارد؟ همه‌ی این مسائل را بنویسید. یکی اینکه حکم این تبصره، مربوط به زمان دولتی بودن یا غیردولتی بودن است؛ دوم اینکه آیا عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» به همه‌ی موارد قبلی بر می‌گردد یا فقط به قسمت اخیر بر می‌گردد؟ آیا تابعیت و تعهدات صاحب سهام را را جزء [اساسی] اساسنامه می‌دانید یا نمی‌دانید؟ اگر در زمان دولتی بودن شرکت هم نبود، آیا این موارد نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد یا نه؟ چهار تا ابهام می‌شود.

آقای رهپیک - خب مسئله‌ی انحلال چه شد؟ آن مسئله، رأی ندارد؟

آقای شب‌زنده‌دار - انحلال شرکت که حتماً نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد.

آقای رهپیک - انحلال هم همین‌طور ابهام دارد.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند که موضوع انحلال هم از جهت نیاز به تصویب هیئت وزیران، ابهام دارد، به این هم رأی بدهند.

آقای ابراهیمیان - ایراد مربوط به موضوع انحلال که رأی نیاورد!

آقای علیزاده - این ابهام، رأی نیاورد. ولی من که به این ابهام هم رأی دادم.

آقای رهپیک - آقای شب‌زنده‌دار می‌گویند انحلال شرکت که حتماً مصوبه‌ی هیئت وزیران می‌خواهد.

آقای علیزاده - خب آقای شب‌زنده‌دار به این ابهام رأی بدهد.

آقای رهپیک - آقای سلیمی هم همین را گفتند.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، من می‌خواهم در مورد انحلال شرکت بگویم که این‌طور نیست که شک داشته باشیم که فقط وزیر باید انحلال را اجازه بدهد؛ شکی در آن نیست [که مصوبه‌ی هیئت وزیران مبنی بر تصویب انحلال شرکت را هم می‌خواهد].

آقای سلیمی - همین ابهام‌ها را به مجلس ببرید تا روشن کنند.

آقای یزدی - آقایان اعضا، به تبصره (۳) ایراد دارند.

آقای مدرسی یزدی - تبصره (۳) ایرادی نداشت.

آقای علیزاده - از این تبصره چه می‌فهمید؟ تبصره (۳) ماده (۱۹) را بیاورید تا ببینیم حاج‌آقای مؤمن چه می‌فرمایند.

آقای مؤمن - تبصره (۳) اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - می‌فرمایند این تبصره، اشکالی ندارد.^۱ خب،

۱. بند (۲) نظر مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت‌های توزیع نیروی برق: «۲- در تبصره (۲) ماده (۱۹) از آنجا که

اشکال بعدیتان به کدام ماده است؟ بفرمایید.

آقای ره‌پیک - ماده (۴۷).^۱

آقای علیزاده - آقای ره‌پیک، به کدام بند ماده (۴۷) ایراد دارید؟
آقای ره‌پیک - بند (۴).

آقای یزدی - بند (۱۶) ماده (۴۷) که مجمع مشورتی فقهی به آن ایراد گرفته است، چه مشکلی دارد؟! «۱۱- تحصیل تسهیلات از بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات رسمی و درخواست و اخذ هر نوع استقراض به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه و استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده است.» اشکال این بند چیست؟ چه اشکالی دارد؟ یعنی اگر هر کدام از این کارها بخواهد انجام بگیرد، باید مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل بشود و مجمع عمومی هم این کارها را اجازه بدهد.

آقای سلیمی - مجمع مشورتی فقهی، به موضوع «سرقفلی» که در بند (۱۱) ماده (۴۷) آمده است، ایراد دارد.^۲

→

روشن نیست عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» همه موارد مذکور در این تبصره را در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد. همچنین این تبصره از این حیث که مشخص نیست آیا موارد مذکور در آن نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد یا خیر، واجد ابهام است. به علاوه در این تبصره، تغییر تابعیت شرکت و افزایش تعهدات صاحبان سهام که جزء موارد مربوط به اساسنامه می‌شود، روشن نیست که آیا باید به تصویب هیئت وزیران برسد یا خیر که از این جهت هم ابهام دارد. مضافاً بر این، تبصره مذکور از این جهت که مشخص نیست آیا موارد مذکور مربوط به زمان دولتی بودن این شرکت است یا به بعد از واگذاری نیز سرایت می‌کند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهامات مذکور، اظهار نظر خواهد شد.

۱. ماده (۴۷) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق] مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «۴۷- هیئت مدیره دارای اختیارات لازم برای هرگونه اقدام به نام شرکت و انجام هر نوع عملیات و معاملات مربوط به موضوع شرکت و اتخاذ تصمیم درباره مواردی که صریحاً در صلاحیت مجمع عمومی قرار نگرفته است، می‌باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. اختیارات و وظایف هیئت مدیره از جمله موارد زیر می‌باشد: ...»

۲. «اطلاق بند مذکور خلاف نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌باشد؛ زیرا ایشان حق مطالبه سرقفلی را تنها در فرضی که سرقفلی بر وجه شرعی به مستأجر منتقل شده باشد و یا به مقتضای قانون برای او ثابت باشد، جایز می‌دانند و اطلاق این بند از جهت شمول نسبت به سایر موارد، خلاف نظر ایشان است. (رساله اجوبه‌الاستفتائات، ج ۲، ص ۲۱۷، سؤال ۵۸۲ و ۵۸۳)» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی

زیر: yon.ir/sH5W6

آقای علیزاده - بله، آنها به سرقفلی ایراد دارند. بند (۱۱) ماده (۴۷): «۱۱- واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)». این بند، واگذاری یا تحصیل اینها را در صلاحیت هیئت مدیره شرکت دانسته است.

آقای مدرسی یزدی - این بند، در مقام بیان نیست که اطلاق داشته باشد. این بند می‌گوید آنجایی که سرقفلی مشروع است، [هیئت مدیره اختیار واگذاری یا تحصیل آن را دارد].

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - سرقفلی فی‌الجمله که مشروع است.

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند.

آقای شب‌زنده‌دار - البته حق کسب و پیشه ظاهراً در اصطلاح به معنی سرقفلی نیست؛ ولی در اینجا مترادف گرفته است.

آقای علیزاده - نه، سرقفلی به این معنا است که وقتی بنده ملکم را به شما واگذار می‌کنم [= اجاره می‌دهم]، مثل پذیره یک مقدار پول هم از شما می‌گیرم.

آقای شب‌زنده‌دار - حق کسب و پیشه این است که یک کسی یک‌جایی کار کرده و آنجا اعتباری به دست آورده است [و حقی برای او ایجاد شده است].

آقای علیزاده - بله، چون اینجا اعتبار پیدا کردی، چنین حقی ایجاد شده است؛ مثلاً شما اینجا داروخانه زده‌ای و شهرت پیدا کرده‌ای.

آقای شب‌زنده‌دار - این «حق کسب و پیشه» است که امام صریحاً در «تحریرالوسیله» فرموده‌اند اشکال دارد.^۳ سرقفلی هجده صورت دارد [که غیر از چند مورد]، بقیه‌اش اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - اخذ حق کسب و پیشه، شروع اشکال دارد.

۳. «مسئله ۱- اجاره نمودن اعیان استیجاری- دکان باشند یا خانه یا غیر آنها- موجب حدوث حقی برای مستأجر در آنها نمی‌شود، به طوری که موقتاً بعد از تمام شدن اجاره، حق بیرون کردن او را نداشته باشد. و همچنین طولانی بودن مدت بقای او و تجارتش در محل کسب یا آبرو و قدرت تجارتی او که موجب توجه مردم به محل کسب او شوند، چیزی از این امور موجب پیدا شدن حقی برای مستأجر بر آن اعیان نمی‌شود. پس اگر مدت اجاره تمام شود بر او واجب است که محل را تخلیه و به صاحبش تحویل دهد. پس اگر در مکان مذکور با عدم رضایت مالک باقی بماند، غاصب و معصیت‌کار است و ضمان مکان بر او می‌باشد، اگر تلف شود ولو به آفت آسمانی باشد. همان‌طوری که اجرت‌المثل این مکان مادامی که زیر دست او است و تحویل مالک آن نداده، بر او می‌باشد.» موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲۱، ۱۴۲۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۵۱.

کسی متصدی واگذاری و تحصیل حق کسب و پیشه و تجارت است. اما اینکه کجا این حق کسب و پیشه و تجارت، حق است و کجا نیست، این بند در مقام بیان نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - این اساسنامه را که به دست عامل بدهید، می‌گوید این اساسنامه هرگونه سرقفلی را به ما اجازه داده است دیگر.

آقای ره‌پیک - بالاخره این موضوع در مورد سرقفلی وجود دارد که حالا یا طبق قانون از قبل معتبر بوده است یا الآن طبق قانون آن حق را کسب می‌کنند دیگر.

آقای یزدی - واضح است که می‌خواهد سرقفلی مشروع را بگوید، نه اینکه هر سرقفلی را بگوید.

آقای مدرسی یزدی - بله، این بند، اطلاقی ندارد. ما می‌گوییم این بند اطلاقی ندارد. در مقام بیان این است که [اختیار واگذاری یا تحصیل سرقفلی مشروع به دست هیئت مدیره است].

آقای سلیمی - جواب اشکال شما [= آقای شب‌زنده‌دار] همین است.

آقای ابراهیمیان - در این بند، «سرقفلی» را هم در داخل پراترز گذاشته است. در ادبیات حقوقی بحث می‌کنند که آیا سرقفلی با حق کسب و پیشه یکی است یا نه؟ بعضی‌ها می‌گفتند که معنی آن دو، یکی است. حالا وقتی «سرقفلی» را در پراترز گذاشته است، یعنی گفته است که منظورم از حق کسب و پیشه و تجارت، همان سرقفلی است؛ شاید این‌طوری باشد.

آقای علیزاده - اینکه آمده است و در داخل پراترز کلمه‌ی «سرقفلی» را گذاشته است، به همین معنی است دیگر. اشکالی ندارد؛ چه اشکالی دارد؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، از جهت شرعی، بعضی سرقفلی‌ها غیر مشروع هستند.

آقای یزدی - آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] می‌گویند باید سرقفلی جایز، ملاک باشد؛ یعنی سرقفلی دو جور است.

آقای جنتی - بله، هم سرقفلی مشروع داریم و هم سرقفلی غیر مشروع. این بند دارد هر دوی آنها را می‌گوید.

آقای علیزاده - سرقفلی که یک عمل غیرمشروع نیست.

آقای مؤمن - این بند، چرا اشکال دارد؟ [اعضای مجمع مشورتی فقهی] فرموده‌اند که چون این عبارت مطلق است.

آقای یزدی - بله، عبارت آقایان همین است دیگر.

آقای جنتی - بله، ظاهراً اطلاقی اشکال دارد.

آقای علیزاده - منتها به موجب مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، این حق به آنها می‌دهد که ملک خود را قبل از قانون [روابط موجر و مستاجر] مصوب سال ۱۳۶۵ اجاره داده‌اند، تعلق می‌گیرد.^۲

آقای مدرسی یزدی - بله، به آنها تعلق می‌گیرد.

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - مجمع تشخیص مصلحت گفته است که آنها می‌توانند قبل از این قانون جدید [= قانون الحاق یک ماده به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵] ملک خود را اجاره داده‌اند و حق سرقفلی داشته‌اند، دیگر حق کسب و پیشه به آنها تعلق نمی‌گیرد.

آقای مؤمن - حق کسب و پیشه ربطی به حق سرقفلی ندارد.

آقای علیزاده - حالا ممکن است آقایان فقها بگویند که این عبارت اطلاقی دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - حداقل به این بند ابهام بگیرید که این موضوع را روشن کنند.

آقای مدرسی یزدی - این بند در مقام این است که بگوید چه

۱. ماده واحده قانون الحاق یک ماده به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون، کلیه اماکن استیجاری که با سند رسمی بدون دریافت هیچ‌گونه سرقفلی و پیش‌پرداخت به اجاره واگذار می‌شود، در رأس انقضای مدت اجاره، مستاجر موظف به تخلیه آن می‌باشد، مگر آنکه مدت اجاره با توافق طرفین تمدید شود. در صورت تخلف، دوائر اجرای ثبت مکلف به اجرای مفاد قانون هستند.»

۲. ماده واحده مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «حق کسب یا پیشه یا تجارت» مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۵: «ماده واحده- در مورد «حق کسب یا پیشه یا تجارت» مطابق قانون روابط موجر و مستاجر، مصوب دوم مردادماه یکهزار و سیصد و پنجاه و شش عمل شود. ماده واحده الحاقیه به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب پانزدهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج به قوت خود باقی است.» در این خصوص، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۸ رأی وحدت رویه‌ای به شماره ۶۱۸ به شرح زیر صادر کرده است: «مستنبط از ماده واحده الحاقی به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۵ این است که قانون مزبور ناظر به عقود اجاره‌ای است که بعد از تصویب آن قانون و ابتدائاً منعقد می‌شوند و شامل اماکن تجاری که سابقه اجاره به تاریخ قبل از تصویب قانون فوق‌الذکر داشته‌اند، نمی‌شود و لذا در مورد دعوی مطروحه که به دلالت اسناد و اوراق پرونده، مسبوق به رابطه استیجاری به تاریخ قبل از تصویب ماده واحده قانون مذکور می‌باشند و تنظیم اجاره‌نامه‌های جدید فی‌الواقع و نقس‌الامر به منظور تمدید و تجدید اجاره قبلی بوده است، صدور اجراییه از جانب دفتر اسناد رسمی مبنی بر تخلیه این قبیل محل کسب و پیشه مخالف قانون است ...»

آقای مؤمن - واگذاری یا تحصیل هرگونه سرقفلی ایراد دارد. اگر قانون گفته باشد مطالبه‌ی حق سرقفلی عیبی ندارد، مشکلی نیست؛ و آلا عیب دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر واگذاری آن حق، اطلاق داشته باشد، اشکال دارد؛ ولی عبارت در اینجا اطلاق ندارد.

آقای رهپیک - اینکه در نظر مجمع مشورتی فقهی آمده است که مطالبه‌ی حق سرقفلی در صورتی که به مقتضای قانون برای مستأجر ثابت باشد، اشکالی ندارد، خوب الآن اگر در یک مرجع قانونی سرقفلی یا حق کسب و پیشه مطرح بشود، نوع قانونی آن مطرح می‌شود؛ نوع غیرقانونی آن که مطرح نمی‌شود.

آقای علیزاده - آقایان فقها می‌گویند که این بند، مطالبه‌ی حق سرقفلی را مقید به قانون نکرده است.

آقای مؤمن - نه، مجمع مشورتی فقهی می‌گوید که حضرت آقا [=مقام معظم رهبری] هرگونه حق سرقفلی یا هرگونه حق کسب و پیشه را مشروع نمی‌دانند؛ لذا اینها به این قید «هرگونه» ایراد دارند. مشروعیت مطالبه‌ی این حق به این است که یا از طریق مالک اخذ شده باشد یا باید به مقتضای قانون باشد.

آقای رهپیک - خوب حاج آقا، آن نوع از سرقفلی که به موجب قانون ثابت نشده باشد که اصلاً به آن «سرقفلی» نمی‌گویند.

آقای مؤمن - چرا، آن سرقفلی خلاف قانون است.

آقای رهپیک - الآن قانون، سرقفلی را تعریف کرده است؛ حق پیشه را تعریف کرده است؛ چیز دیگری که غیر از اینها نداریم.

آقای شبزنده‌دار - نه، الآن در این بند، قانون‌گذار مورد آن را گفته است، نه اینکه آن را تعریف کند. حالا اساساً این یک اشکال شرعی است.

آقای علیزاده - به هر حال حضرات آقایانی که این بند را خلاف شرع می‌دانند و عبارت «هرگونه واگذاری یا تحصیل حق کسب و پیشه» را خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - عبارت «هرگونه»، خلاف نظر مقام معظم رهبری است.

آقای یزدی - یعنی می‌گویند اطلاق این عبارت، شامل سرقفلی حرام هم می‌شود.

آقای علیزاده - بله، این ایراد، (۳) رأی دارد.

آقای رهپیک - مجمع مشورتی فقهی، به بند (۱۶) ماده (۴۷) هم یک اشکالی وارد کرده است.

آقای مؤمن - ...

آقای علیزاده - خوب وقتی رأی نمی‌دهند، من چه کار کنم؟

آقای یزدی - نظر اعضای مجمع مشورتی این است: «اتلاق بند مذکور، خلاف نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌باشد؛ زیرا ایشان حق مطالبه سرقفلی را تنها در فرضی که سرقفلی بر وجه شرعی به مستأجر منتقل شده باشد و یا به مقتضای قانون برای او ثابت باشد، جایز می‌دانند و اطلاق این بند از جهت شمول نسبت به سایر موارد، خلاف نظر ایشان می‌باشد»^۱

آقای مؤمن - حالا عبارت خود استفتاء را بخوانید.

آقای شبزنده‌دار - بله، این استفتای انجام شده از حضرت آقا [=مقام معظم رهبری] است. عبارتش این است: «سؤال ۵۸۲: آیا مستأجری که مغازه‌ای را برای تجارت در آن و یا کار دیگری به مدت معینی اجاره کرده، جایز است بعد از پایان مهلت اجاره در صورتی که مالک، آن را تجدید نکند، از تخلیه‌ی مغازه خودداری نموده و حق سرقفلی را مطالبه نماید؟ و آیا با توجه به اینکه حق واگذاری عین مستأجره را به کس دیگری ندارد، جایز است نسبت به آن، ادعای حق شغل و حرفه کند؟

ج: مستأجر حق ندارد بعد از انقضاء مدت اجاره، عین مستأجره را در تصرف خود نگه دارد و از تسلیم آن به مالک خودداری کند. ولی اگر نسبت به آن حق سرقفلی داشته باشد که از مالک به او منتقل شده و یا مغازه از مکان‌هایی باشد که از نظر قانونی برای مستأجر در آن حقی ایجاد می‌شود، در این صورت می‌تواند عووض حق خود را از مالک مطالبه کند»^۲

آقای ابراهیمیان - این عبارت، «از نظر قانونی» [که در پاسخ به استفتاء آمده است، ایراد را حل می‌کند].

آقای مؤمن - اگر قانون گفته باشد و یا مستأجر حق سرقفلی را از مالک اخذ کرده باشد، [می‌تواند این حق را مطالبه کند].

آقای رهپیک - الآن قید «به مقتضای قانون» [که در نظر مجمع مشورتی فقهی آمده است]، این ایراد را حل می‌کند دیگر.

آقای شبزنده‌دار - نه، اینکه الآن می‌آید و قانون را درست می‌کند، ایراد دارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند این بند، خلاف شرع است، می‌گویند هرگونه حق تحصیل سرقفلی شرعی نیست.

آقای رهپیک - آن وجه جواز دومی [که در نظر اعضای مجمع مشورتی فقهی آمده]، این است که یا به مقتضای قانون حق سرقفلی برای مستأجر ایجاد شده باشد.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۴۶/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/SH5W6

۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی بن الجواد، أجوبه الاستفتائات، تهران، چ ۱، ۱۴۲۴ هـ.ق، س ۱۶۶۷.

آقای ره‌پیک - بندهای (۴) و (۵).

آقای علیزاده - حالا اجازه بدهید ابتدا ایراد بندهای (۴) و (۵) را بررسی کنیم. بند (۴) را بیاورید. «۴- نصب و عزل مأموران و کارکنان شرکت، تعیین شغل و حقوق و دستمزد و پاداش و ترفیع و تنبیه، تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنها». خوب بفرمایید اشکال این بند چیست؟

آقای ره‌پیک - اشکال مغایرت با اصل (۸۵) است. در بند (۴) تعیین شرایط استخدامی به عنوان یکی از اختیارات هیئت مدیره ذکر شده است.

آقای علیزاده - خوب چه اشکالی دارد که خود شرکت، شرایط استخدامی خودش را بنویسد؟

آقای سوادکوهی - این شرکت، دولتی است.

آقای ره‌پیک - اگر آن شرایط، با شرایط عمومی [مقرر در قوانین عمومی کشور] منافات داشته باشد، اشکال دارد.

آقای علیزاده - شرکت دولتی که تمام شرایط دستگاه‌های دولتی را ندارد. تعیین شرایط استخدام و امور مدیریتی شرکت با خود شرکت است و جزء مقررات داخلی هر شرکتی است.

آقای ره‌پیک - نه، این شرکت که نمی‌تواند مقررات آمره را نقض بکند.

آقای علیزاده - در کجا گفته است که من شرکت مقررات آمره را رعایت نمی‌کنم؟

آقای ره‌پیک - همین بند (۴) که علی‌الاطلاق می‌گوید هیئت مدیره شرایط استخدامی را تعیین کند.

آقای علیزاده - نه، این اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - چرا دیگر، این اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - البته این هم یک مقرراتی است که باید در چارچوب قوانین و مقررات عام باشد.

آقای ره‌پیک - بله، اگر [قید] «در چارچوب قوانین و مقررات» را در اینجا] بنویسند، درست می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این، اشکال خوبی است؛ اشکال، وارد است.

آقای ره‌پیک - بنویسند: «با رعایت قوانین و مقررات»؛ چون بسیاری از قوانین استخدامی، قوانین آمره هستند. این بند علی‌الاطلاق می‌گوید که شرایط استخدامی با خودشان است.

آقای علیزاده - خود آیین‌نامه‌ی استخدامی را که برای تصویب به هیئت وزیران می‌دهند.

آقایان فقها به ابهام این بند، رأی می‌دهید؟

آقای شب‌زنده‌دار - به ابهام رأی می‌دهیم؛ برای اینکه اگر هیئت وزیران این عبارت را تصحیح کند، بهتر می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - بله، از باب احتیاط رأی می‌دهیم؛ ابهام احتیاطی.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند این عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه» ابهام دارد، از این جهت که ممکن است شامل نوع حرام و غیرمشروع آن هم بشود و از این جهت، خلاف فتوای حضرت آقا می‌شود، رأی بدهند.

آقای جتی - من می‌گویم ابهامی ندارد، ولی رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - خیلی خوب، پس می‌گوییم این بند، از این جهت که مشخص نیست آیا عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)» شامل آن مراتبی می‌شود که به موجب فتوای مقام معظم رهبری خلاف شرع است یا نه، ابهام دارد.

آقای یزدی - مجدداً متن استفتائات را ببینید؛ این عبارتی که در پاسخ استفتاء آمده است، اطلاق بیشتری دارد؛ یعنی یک مواردی هم هست که عرفاً حق سرقفلی، به غیر از آنچه که مالک واگذار کرده است، محقق می‌شود؛ یعنی یک مواردی هم هست که حق سرقفلی به وجود می‌آید.

آقای شب‌زنده‌دار - آقا [= مقام معظم رهبری] در سه مورد مشروع بودن این حق را تصویر کرده است.

آقای یزدی - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - ما می‌گوییم عبارت بند (۱۱)، شامل مواردی می‌شود که حق سرقفلی نه از آن طرف [= از سوی مالک] منتقل شده باشد و نه قانونی باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - لاقلاً ابهام بگیرید تا آن ایراد را حل کنند.^۱

آقای علیزاده - آقای دکتر [ره‌پیک]، شما ظاهراً راجع به بندهای بالاتر، بندهای (۴) و (۵) ماده (۴۷) فرمایشی داشتید، بله؟

آقای ره‌پیک - آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی به بند (۱۶) هم ایراد شرعی گرفته‌اند.

آقای علیزاده - شما به کدام بند ایراد دارید؟

۱. بند (۳) نظر مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت‌های توزیع نیروی برق: «۳- بند (۱۱) ماده (۴۷) از این جهت که مشخص نیست عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)»، آیا شامل مواردی می‌شود که مطابق فتوای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) وجه شرعی ندارد را نیز در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای مدرسسی یزدی - پس از خصوصی شدن شرکت، چه اتفاقی می افتد؟

آقای ابراهیمیان - آن وقت، قانون کار حاکم می شود.

آقای شب‌زنده‌دار - این اساسنامه که اصلاً مربوط به پس از خصوصی شدن شرکت نیست.

آقای علیزاده - بله، این اساسنامه اصلاً مربوط به شرکت خصوصی نیست.

آقای ره‌پیک - نه، حالا که این شرکت، دولتی است.

آقای علیزاده - ما اصلاً قبول نداریم که این اساسنامه برای زمان خصوصی شدن این شرکت است. این اساسنامه، مربوط به شرکت دولتی است. اگر شرکت خصوصی شد، [اساسنامه‌اش نیز فرق می کند].

آقای مدرسسی یزدی - بحث در مورد اطلاق این بند است.

آقای ره‌پیک - حالا فرض کنید که این شرکت خصوصی نیست. بر فرض دولتی بودن، اگر در این اساسنامه بنویسند «با رعایت قوانین»، همچنان که در بسیاری از اساسنامه‌ها این را می نویسند، عبارت بند (۴) درست می شود.

آقای مدرسسی یزدی - باید این قید را بنویسند.

آقای ره‌پیک - لذا الآن این اطلاق بند (۴) که شرایط استخدام در اختیار خود هیئت مدیره است، ایراد دارد. الآن با این مصوبه، این هیئت مدیره است که تعیین می کند شرایط استخدامی شرکت چیست! خوب اگر هیئت مدیره یک سری شرایطی تعیین کرد که خلاف مقررات آمره بود، چه می شود؟

آقای علیزاده - مواردی که مربوط به صلاحیت عمومی باشد که به گزینش مربوط می شود و گزینش آنها را انجام می دهد.

اما آن مسائلی که مربوط به صلاحیت داخلی شرکت است، هیئت مدیره‌ی شرکت می گوید که من برای خودم شرایط خاصی را دارم و این مسئله هم مربوط به شرکت است.

آیین‌نامه‌ی آن را به هیئت وزیران می دهند که به تصویب هیئت وزیران برسد. اگر آن آیین‌نامه، خلاف قوانین آمره بود، این آیین‌نامه وقتی پیش رئیس مجلس می رود، رئیس مجلس [طبق اصل (۱۳۸) قانون اساسی] آن را باطل می کند. از این جهت، این بند اشکالی ندارد. این چه اشکالی دارد؟

آقای مدرسسی یزدی - الآن در این اساسنامه، تعیین شرایط استخدامی از اختیارات چه کسی است؟

آقای ره‌پیک - گفته است از اختیارات هیئت مدیره است.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، از اختیارات هیئت مدیره است.

آقای مدرسسی یزدی - از اختیارات هیئت مدیره است.

آقای ره‌پیک - آیا هیئت مدیره می تواند شرایط استخدامی بگذارد؟

آقای علیزاده - هیئت مدیره پیشنهاد آن را به هیئت وزیران می دهد و هیئت وزیران آن را به تصویب می رساند.

آقای ره‌پیک - در این بند که صحبت از پیشنهاد نیست.

آقای مدرسسی یزدی - بله، پیشنهاد نیست.

آقای علیزاده - بند (۵) ماده (۴۷) که در مورد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی است را ببینید؛ [گفته است: «۵- پیشنهاد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت به مجمع عمومی برای تصویب»].

آقای ره‌پیک - نه، بحث در مورد بند (۴) است.

آقای علیزاده - هفت تا بند را که جدا جدا نمی خوانیم. طبق بند (۵)، هیئت مدیره، آیین‌نامه‌ی استخدامی را پیشنهاد می دهد.

آقای ره‌پیک - آن آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی مالی، معاملاتی است.

آقای علیزاده - هیئت مدیره می گوید من که کارشناس فلان می خواهم، باید این شرایط را داشته باشد.

آقای مؤمن - بله دیگر.

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟

آقای ابراهیمیان - ما دو تا قانون در این زمینه داریم که هر دو آنها هم امری است. یکی قانون مدیریت خدمات کشوری [مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی] و یکی هم قانون کار [مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹] است. حالا سؤال من این است، دوستان هم کمک کنند، آیا این کسانی که در شرکت‌های دولتی کار می کنند، لزوماً باید در یکی از این دو قالب باشند؟

آقای علیزاده - بله، درست است؛ باید باشند.

آقای ابراهیمیان - باید باشند؟

آقای علیزاده - بله.

آقای ابراهیمیان - یعنی می فرمایید یا تابع قانون کار هستند یا قانون مدیریت خدمات کشوری؟

آقای علیزاده - بله، درست است.

آقای ره‌پیک - بله، تابع آن قوانین می شوند.

آقای علیزاده - غالباً تابع آن قوانین هستند، ولی حتماً این طور نیستند.

آقای ابراهیمیان - عرض من این است که اگر شما بگویید همه‌ی کارکنان دولت تابع یکی از این دو قانون هستند، آن وقت این بند اشکال دارد؛ چون نگفته است که آن قیود

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت است.

آقای علیزاده - شما کل اساسنامه‌های شرکت‌های دولتی را [که شورای نگهبان آنها را تأیید کرده است] بیاورید؛ ببینید اصلاً تا به حال کجا گفته‌ایم که هیئت وزیران، آیین‌نامه‌های معاملاتی و مالی این شرکت‌ها را تصویب کند؟ بروید یک شرکت را پیدا کنید که این‌گونه باشد و ما چنین اشکالی به آن گرفته باشیم. اگر چنین چیزی وجود دارد، این اساسنامه، دومی آن باشد. شرکت، مقررات مالی خودش را تصویب می‌کند؛ این، هیچ اشکالی ندارد. آقایانی که بند (۵) را خلاف اصل (۱۳۸) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای جنتی - هیچ کسی رأی نداد.

آقای رهپیک - بند (۱۶) ماده (۴۷).

آقای جنتی - بند (۱۶) را مجمع مشورتی فقهی ایراد گرفته است.

آقای علیزاده - بند (۱۶) را بیاورید. ایراد این بند را مجمع مشورتی فقهی گفته است. بند (۱۶) این است: «۱۶- تحصیل تسهیلات از بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات رسمی و درخواست و اخذ هر نوع استقراض به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد، با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه و استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود.» آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] می‌فرمایند: «۱- منظور از سود کارمزد چیست؟ اگر منظور از آن، ربا باشد، بند مذکور خلاف شرع می‌باشد.

۲- نوعی تناقض و تهافت از ذیل عبارت بند (۱۶) استفاده می‌شود؛ زیرا استقراض غیر از مشارکت است؛ فلذا عبارت استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت خالی از تهافت نیست.»^۲

آقای شب‌زنده‌دار - سود کارمزد، اضافه‌ی بیانیه^۳ است یا یعنی سودی که خارج از کارمزد است؟

آقای جنتی - ظاهراً اضافه در این عبارت «سود کارمزد»، اضافه‌ی بیانیه است؛ یعنی سودی که مراد از آن کارمزد است.

مندرج در آن دو قانون توسط هیئت مدیره رعایت بشود؛ باید این قید را ذکر کند. اگر بگویید نه، کارمندان شرکت‌های دولتی، تافته‌ی جدابافته‌ای هستند که می‌توانند از شمول قانون کار و قانون مدیریت خدمات کشوری خارج باشند، آن وقت اشکالی ندارد که شرایط مربوط به اعمال کار و حرفه‌ی آنها را خود هیئت مدیره و ارکان شرکت تعیین کنند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال مرخصی و بازنشستگی کارکنان این شرکت‌ها هم باید طبق قانون باشد. قطعاً باید این موارد با رعایت قوانین انجام بشود.

آقای سلیمی - ممکن است در این موارد، یک شرکتی بخواهد قوانین خاص خودش را وضع کند.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌تواند.

آقای سلیمی - چرا نمی‌تواند؟

آقای علیزاده - این بند، به معنای فرار از مقررات عمومی نیست.

آقای ابراهیمیان - پس باید آن قید را ذکر کنند.

آقای جنتی - این از اختیارات معمولی هیئت مدیره است. اصلاً اگر این کار را نکنند، [مشکل پیش می‌آید].

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - شرایط استخدامی، شرایط عمومی کشوری است.

آقای علیزاده - حضرت آقایانی که بند (۴) را خلاف اصل (۸۵) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - ما اطلاق این بند را مغایر می‌دانیم.

آقای علیزاده - به مغایرت اطلاق آن بند رأی بدهید.

آقای جنتی - چهار رأی شد.

آقای علیزاده - به بند (۵) ماده (۴۷) چه اشکالی دارید؟

آقای رهپیک - ما [= مجمع مشورتی حقوقی] بند (۵) را مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی می‌دانیم.^۱ این بند می‌گوید که هیئت مدیره آیین‌نامه را به مجمع عمومی پیشنهاد کند.

آقای علیزاده - چه آیین‌نامه‌ای؟

آقای رهپیک - آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی به پیشنهاد هیئت مدیره و به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

آقای شب‌زنده‌دار - ما به این ایراد هم رأی نمی‌دهیم دیگر.

۱. «۲. بند (۵) مبنی بر تصویب آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی توسط مجمع عمومی مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی مبنی بر صلاحیت

وضع آیین‌نامه توسط وزرا و هیئت وزیران است.» نظر کارشناسی مجمع

مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۴۰۱۶ مورخ

۱۳۹۳/۴/۱۷، ص ۴، قابل مشاهده در آدرس زیر: yon.ir/Rx8Rq

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶

مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sH5W6

۳. اضافه‌ای که در آن مضاف‌الیه جنس مضاف را بیان می‌کند.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - خب چرا این اضافه را آورده است؟ کلمه‌ی «سود» را حذف کنند دیگر؛ فقط بگویند «کارمزد».

آقای مدرسی یزدی - تذکر این نکته که خیلی خوب است.

آقای جنتی - نه.

آقای شب‌زنده‌دار - خب «سود کارمزد» چیست؟

آقای ره‌پیک - «سود کارمزد» یک اصطلاح است. الآن در بانک‌ها «سود کارمزد» می‌گویند.

آقای علیزاده - چه چیزی مورد تهافت بوده است؟

آقای مدرسی یزدی - عبارت «... استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت» تهافت دارد. با اوراق مشارکت که نمی‌تواند قرض بدهد؛ این دو با متهافت است.

آقای یزدی - گفته است که به وسیله انتشار اوراق مشارکت استقراض کند.

آقای شب‌زنده‌دار - اوراق مشارکت یک چیز دیگری غیر از استقراض است.

آقای جنتی - این هم اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - این چه فرمایشی است؟ اوراق مشارکت که استقراض نیست.

آقای یزدی - اوراق مشارکت، در حقیقت یک سری اوراق را می‌فروشند و مردم به صورت آزاد می‌خرند.

آقای شب‌زنده‌دار - خب این اسمش استقراض است؟

آقای علیزاده - بینی و بین الله که اوراق مشارکت، قرض است. همه می‌دانید که این قرض است.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، این طوری نیست؛ چون قانونش این نیست.

آقای یزدی - این بند می‌گوید اگر می‌خواهند به وسیله انتشار اوراق مشارکت استقراض کنند، باید مجمع عمومی شرکت آن را تصویب بکند؛ در این صورت، بلااشکال است.

آقای شب‌زنده‌دار - خب حقیقت اوراق مشارکت این نیست؛ در حقیقت قانونی که دارد، این طور نیست.

آقای جنتی - این باعث نمی‌شود تهافت ایجاد شود.

آقای علیزاده - اجازه بدهید حالا که چند ایراد به این اساسنامه‌ها گرفتیم، این موضوع را هم تذکر بدهیم. بگذارید این موضوع را هم ختم کنیم.

آقای ره‌پیک - تذکر بدهیم.

آقای علیزاده - بگوییم «ظاهراً منظور از استقراض، تأمین منابع مالی شرکت با اوراق قرضه است ...»

آقای مدرسی یزدی - با اوراق مشارکت

آقای علیزاده - «... با اوراق مشارکت است، ولی به صورت «استقراض» آمده است. مناسب است که این کلمه ...»

آقای مدرسی یزدی - مناسب نه، بلکه لازم است.

آقای علیزاده - «... لازم است که اصلاح بشود.»

آقای مدرسی یزدی - بله، این عبارت، اشکال و ایراد دارد. بنده به آن ایراد دارم.

آقای علیزاده - اول آقایانی که می‌گویند عبارت استقراض، در اینجا ایراد دارد، رأی بدهند.

آقای یزدی - اشکالش چیست؟!

آقای علیزاده - من نمی‌دانم. آقایان فقها می‌گویند.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً فلسفه‌ی اینکه اوراق مشارکت را درست کردند، چیست؟ فلسفه‌ی اینکه قبلاً عنوانش اوراق قرضه بود و از مردم قرضه می‌گرفتند، گاهی به عنوان قرضه‌ی ملی و گاهی به عنوان قرضه‌ی نوع دیگر، [و بعد عنوان آن را به «اوراق مشارکت» تبدیل کردند چیست؟] فلسفه‌اش این بود که در اوراق قرضه، از مردم قرض می‌گرفتند و بعد به آن قرض، سود می‌دادند که این کار، عین ربا بود. بعد [برای اصلاح این وضعیت] گفتند که اصلاً این مبالغ را قرض نمی‌گیریم، بلکه اشخاص بیایند این اوراق را بخرند. ما با این پول در آن سرمایه‌گذاری شریکتان می‌کنیم. بنابراین دیگر این اوراق، استقراض نیست.

آقای یزدی - استقراض است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، پس برای چه آمدند و عنوان آن اوراق را عوض کردند؟! یعنی قرض نیست دیگر. وقتی که قرض نبود، یعنی مشارکت است و قرض نیست. حالا بیایند و دوباره بگویند استقراض و مشارکت است؟ این دو تا با هم تفاوت دارد.

آقای جنتی - شما می‌خواهید به این یک اشکال لفظی وارد بکنید. می‌گویند استقراض با انتشار اوراق مشارکت است.

آقای مدرسی یزدی - نه، خریدار اوراق مشارکت، قصد مشارکت در سرمایه‌گذاری می‌کند. به چنین چیزی که استقراض نمی‌گویند؛ چون در اصل، پولی قرض داده نمی‌شود.

آقای جنتی - می‌گویم شما دارید اشکال لفظی می‌گیرید.

آقای مدرسی یزدی - نه، اشکال معنوی است.

آقای یزدی - یعنی می‌فرمایید این عبارت، تبدیل شود به عبارت «مشارکت به وسیله اوراق مشارکت».

درصد سودی که همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود، تجاوز کند. اعضای هیئت مدیره می‌توانند در سمت دیگر به طور موظف و به عنوان صاحب‌منصب شرکت برای شرکت انجام وظیفه نمایند و در ازای آن با تصویب هیئت مدیره حق‌الزحمه دریافت کنند. مجمع مشورتی فقهی در گزارش خود نسبت به این ماده، گفته است: «نظر بعضی از اعضاء این بود که در فرضی که شرکت دولتی می‌باشد، قرار دادن حدود پنج درصد از سود سهام در اختیار هیئت مدیره تعریض بیت‌المال للإتلاف بوده و خلاف شرع می‌باشد. در مقابل نظر بعضی از اعضاء این بود که اعطاء پاداش دارای مصالحی از جمله ترغیب نمودن هیئت مدیره به عمل نمودن به نحو احسن می‌باشد.»^۲

آقای مؤمن - بنا بر قول دوم، دادن این پاداش تعریض بیت‌المال برای اتلاف و خلاف شرع نیست.

آقای یزدی - یعنی آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] اصولاً «تشویق» را اتلاف می‌دانند؟

آقای علیزاده - این ماده که نگفته است پنج درصد پاداش بدهند؛ گفته است اگر می‌خواهند پاداش بدهند، نباید از پنج درصد بیشتر باشد؛ یعنی باید به اندازه بدهید که اتلاف نباشد.

آقای ابراهیمیان - پس با توجه به وضعیتی که شرکت‌های دولتی تا به حال داشته‌اند و اتلاف کرده‌اند، حق داشته‌اند.

آقای علیزاده - خب می‌دانم. این ماده جلوی آن اتلاف را گرفته است دیگر؛ یک قید به تشویق‌ها زده است. حضرات آقایان، در این ماده قید زده است که از پنج درصد بیشتر نباشد، ولی دادن پاداش کمتر از آن که ایرادی ندارد.

آقای شب‌زنده‌دار - حالا آیا به کمتر از پنج درصد قانع می‌شوند؟

آقای ره‌پیک - شما که [در بند (۴) ماده (۴۷)] پذیرفتید که هیئت مدیره حقوق و مزایا را تعیین کند. خب در این صورت، اگر هیئت مدیره از اول میزان پاداش را همین قدر [= پنج درصد] تعیین کرده باشد، اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - نه، اشکالی ندارد.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر شرکت، دولتی نباشد که اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایان فقهایی که نسبت به قید «پنج درصد» در این ماده، با این بیان مخالف و موافقی که در نظر مجمع مشورتی فقهی آمده است، اشکال شرعی دارند بفرمایند. این ایراد، رأی نیارود.

آقای مدرسی یزدی - بله، احسنت.

آقای یزدی - «مشارکت به وسیله‌ی ...» که صحیح نیست.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، «تأمین مالی به وسیله‌ی انتشار اوراق مشارکت» باشد.

آقای علیزاده - بگویم آیا منظور از «استقراض» در اینجا تأمین منابع مالی است.

آقای مدرسی یزدی - اگر ابهام بگیرید، باز بهتر از تذکر است، ولی به نظر من اصلاً این عبارت اشکال دارد. چطور می‌فرمایید اشکالی ندارد؟!

آقای علیزاده - من که نمی‌توانم با (۳) تا رأی به این بند، اشکال بگیرم.

آقای مدرسی یزدی - (۴) تا رأی دارد. ایشان [= آقای یزدی] هم قبول دارد.

آقای علیزاده - همین عبارت مجمع مشورتی فقهی را بنویسید: «نوعی تناقض و تهافت از ذیل عبارت بند (۱۶) استفاده می‌شود؛ زیرا استقراض غیر از مشارکت است؛ فلذا عبارت استقراض به وسیله‌ی انتشار اوراق مشارکت خالی از تهافت نیست و باید به عبارت تأمین منابع مالی اصلاح شود.»

آقای ابراهیمیان - آن عبارت جایگزین را نمی‌خواهد بگویند. اجازه بدهید خودشان مشکل را رفع بفرمایند. البته می‌توانیم پیشنهاد هم بدهیم.

آقای علیزاده - می‌گویم: «... و اگر به تأمین منابع مالی اصلاح شود، اشکال رفع می‌گردد.»

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که به این اشکال رأی می‌دهند، بفرمایند. (۵) رأی شد.^۱

آقای شب‌زنده‌دار - آن تذکر [مربوط به عبارت «سود کارمزد»] را هم خوب است که بنویسید.

آقای مدرسی یزدی - آقا، تذکر اصلاح «سود کارمزد» هم پیشنهاد خوبی است. تذکر بدهید که کلمه‌ی «سود» را بردارند و فقط «کارمزد» بگذارند. «سود» یعنی چه؟

آقای علیزاده - «ماده ۴۸ - هر سال طبق تصمیم مجمع عمومی ممکن است نسبت معینی از سود ویژه به عنوان پاداش در اختیار هیئت مدیره گذارده شود. این نسبت به هیچ وجه نباید از پنج

۱. بند (۴) نظر مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت‌های توزیع نیروی برق: «۴- از ذیل بند (۱۶) ماده (۴۷)، نوعی تناقض و تهافت استفاده می‌شود؛ زیرا استقراض غیر از مشارکت است؛ فلذا عبارت استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت خالی از تهافت نیست و اگر به تأمین منابع مالی اصلاح گردد، مشکل رفع می‌شود.»

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sh5W6

منشی جلسه - «ماده ۵۷- بازرسی می‌تواند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را در هر یک از امور شرکت چه به مباشرت و چه با استفاده از خبره و کارشناس با رعایت قوانین جاری انجام داده و اطلاعات مربوط به شرکت را از مدیران یا کارکنان شرکت مطالبه نماید. انجام وظیفه بازرسی به هیچ وجه نباید مانع انجام عادی امور شرکت شود.»

آقای علیزاده - خب، آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] فرموده‌اند: «لازم است قوانین جاری مرتبط ملاحظه شود تا دارای موارد خلاف شرع نباشد.»^۳

آقای ره‌پیک - منظور، قوانین جاری است دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - ما واقعاً نمی‌دانیم؛ چون الآن واقف به قوانین جاری نیستیم؛ چون بعضی از آنها مصوب زمان طاغوت است.

آقای ره‌پیک - منظور، قوانین جاری معتبر است.

آقای شب‌زنده‌دار - قوانین معتبر زیادی الآن داریم [که مصوب طاغوت است و اجرا می‌شود].

آقای علیزاده - این ایراد مثل همان ایراد بالایی [= ایراد ماده (۴۹)] است. آقایان، همان بالا هم به این ایراد رأی ندادید. حضرات آقایانی که عبارت «قوانین جاری مرتبط» را خلاف شرع می‌دانند و می‌فرمایند این قوانین باید ملاحظه شود [تا بتوان راجع به آن اظهار نظر کرد]، رأی بدهند. رأی نیاورد.

آقای علیزاده - «ماده ۵۸- مسئولیت بازرسی در مقابل شرکت و صاحبان سهام و اشخاص ثالث طبق قوانین جاری است.»

آقای ره‌پیک - اشکال ماده (۵۸) هم به همین شکل است.^۴

آقای علیزاده - بله، این ماده هم همان‌طور است. «ماده ۷۳- هرگاه شرکت مطابق ماده (۷۲) این اساسنامه منحل شود، تصفیه امور آن با رعایت قوانین و مقررات انجام می‌شود.»

آقای ره‌پیک - اشکال این ماده هم همان اشکال ماده (۵۷) است.^۵

آقای علیزاده - خیلی خب، تمام شد. پس همه‌ی این اساسنامه‌ها، این چند تا اشکال را دارند.

«ماده ۴۹- مسئولیت هر یک از اعضای هیئت مدیره شرکت در مقابل شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث طبق مقررات و قوانین جاری است.» آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] در خصوص این ماده می‌فرمایند: «اطلاق مقررات و قوانین جاری شامل قانون تجارت نیز می‌گردد که دارای موارد خلاف شرع است و لذا ماده مذکور خلاف شرع می‌باشد.»^۱ ما که تا کنون این‌طوری به قانون تجارت ایراد نمی‌گرفتیم. مقصود از عبارت این ماده، قوانین جاری غیر خلاف شرع است.

آقای شب‌زنده‌دار - چون «یکی از مقررات و قوانین جاری» که در ماده (۴۹) تفهیم شده است، قانون تجارت است و این قانون، برخی موارد خلاف شرع دارد، از این جهت گفته‌اند ایراد دارد.

آقای ره‌پیک - بله، یک‌جایی از قانون تجارت ایراد دارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که به ماده (۴۹) اشکال وارد می‌کنند، از این جهت که می‌گویند اطلاق عبارت «قوانین جاری» شامل قانون تجارت هم می‌شود و قانون تجارت هم در بعضی موارد، دارای احکام خلاف شرع است، بفرمایند. خیلی خب، این ایراد هم رأی نیاورد.

منشی جلسه - «ماده ۵۲- مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر و زیان شرکت شود، مسئول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت.»

آقای علیزاده - حضرات آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] فرموده‌اند: «نظر بعضی از اعضاء این بود که وجهی برای ضمان مدیران و مدیرعامل و اینکه ایشان مسئول جبران نمودن ضرر در فرض مورد اشاره باشند، نیست. در مقابل نظر اکثر اعضاء این بود که ممانعی ندارد که طبق قانون کسی بتواند مدیرعامل باشد که متعهد به امور مختلف از جمله مسئولیت جبران ضرر در فرض مورد اشاره باشد.»^۲ پس اکثریت، این ماده را خلاف شرع نمی‌دانند. حالا آقایانی که نظر اقلیت را قبول دارند، رأی بدهند. خیلی خب، این ایراد هم رأی نیاورد. ماده (۵۷) را بخوانید.

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sH5W6

۴. «مطلب مذکور در ماده (۵۷) در این ماده نیز جاری است» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sH5W6

۵. «مطلب مذکور در ماده (۵۷) در این ماده نیز جاری است» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sH5W6

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sH5W6

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/sH5W6

منشی جلسه - (۱۵) مورد اساسنامه، همگی به همین صورت است. **آقای علیزاده -** اشکالات این اساسنامه را برای هر (۱۵) مورد بنویسید.^۱

اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)
منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت

۱. نظر مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت‌های توزیع نیروی برق* : «عطف به نامه شماره مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ اساسنامه شرکت تولید نیروی برق مصوب جلسه مورخ بیست و هشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام گردید:

۱- در بند (۴) ماده (۲)، اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی که مستلزم وام ربوی است، خلاف موازین شرع و احکام اولیه شناخته شد.

۲- در تبصره (۲) ماده (۱۹) از آنجا که روشن نیست عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» همه موارد مذکور در این تبصره را در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد. همچنین این تبصره از این حیث که مشخص نیست آیا موارد مذکور در آن نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد یا خیر، واجد ابهام است. به علاوه در این تبصره، تغییر تابعیت شرکت و افزایش تعهدات صاحبان سهام که جزء موارد مربوط به اساسنامه می‌شود، روشن نیست که آیا باید به تصویب هیئت وزیران برسد یا خیر، که از این جهت هم ابهام دارد. مضافاً بر این، تبصره مذکور از این جهت که مشخص نیست آیا موارد مذکور مربوط به زمان دولتی بودن این شرکت است یا به بعد از واگذاری نیز سرایت می‌کند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهامات مذکور، اظهار نظر خواهد شد.

۳- بند (۱۱) ماده (۴۷) از این جهت که مشخص نیست عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)»، آیا شامل مواردی می‌شود که مطابق فتوای مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» وجهه شرعی ندارد را نیز در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۴- از ذیل بند (۱۶) ماده (۴۷) نوعی تناقض و تهافت استفاده می‌شود؛ زیرا استقراض غیر از مشارکت است؛ فلذا عبارت استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت خالی از تهافت نیست و اگر به تأمین منابع مالی اصلاح گردد، مشکل رفع می‌شود.»

* با توجه به یکسان بودن نظر شورای نگهبان نسبت به مفاد اساسنامه‌های پانزده‌گانه مربوط به توزیع نیروی برق مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران، در اینجا صرفاً متن نظر شورا در خصوص این اساسنامه‌ها، بدون ذکر عنوان اساسنامه، شماره مصوبه‌ی هیئت وزیران و شماره‌ی نظر شورای نگهبان ذکر شده است. اطلاعات مربوط به شماره نامه‌های مزبور، در شناسنامه‌ی ابتدایی که در ابتدای مشروح مذاکرات مربوط به این مصوبه آمده، ذکر شده است.

تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)^۲
آقای شب‌زنده‌دار - [مجمع مشورتی حقوقی] یک اشکال اساسی به این اساسنامه وارد کرده است.^۳

آقای ره‌پیک - من یک توضیحی راجع به اساسنامه‌ی شرکت توانیر بدهم. آقایان ببینید؛ بحث مبنایی است. الآن ملاحظه می‌کنید که هیئت وزیران برای اصلاح اساسنامه‌ها به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت^۴ استناد می‌کند. الآن، این استناد رایج است. اما در خصوص اساسنامه‌ی شرکت توانیر، ایجاد این شرکت با «قانون» بوده است،^۵ نه با تصویب هیئت وزیران. اصل تأسیس آن با قانون

۲. اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تا کنون در سه مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ و در مرحله‌ی دوم در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ و ۱۳۹۴/۱/۱۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۵/۷ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، ۱۳۹۳/۴/۲۴، ۹۴/۱۰۲/۳۵۳، ۱۳۹۴/۲/۷ مورخ ۹۴/۱۰۲/۲۱۳۹ و ۱۳۹۴/۵/۱۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۳. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۵-۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/Bvd5X

۴. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه: آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟ نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است.»

۵. ماده (۳) لایحه قانونی راجع به تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ مجلس شورای ملی: «ماده ۳- به وزارت آب و برق اجازه داده می‌شود که در اجرای وظایف موضوع بندهای (الف)، (ب)، (ه) و

بوده است.

آقای اسماعیلی - یعنی قانون دارد.

آقای رهپیک - بله، اصل ایجاد آن قانون دارد. بعد هم چند بار این قانون [= اساسنامه] اصلاح شده است. یک بار هم دولت در سال ۱۳۸۱ آمده است و این اساسنامه را اصلاح کرده است، اما رئیس مجلس به این اصلاحیه ایراد گرفت و گفت که استناد به آن استفساریه در جایی صحیح است که مجلس به هیئت وزیران اجازه‌ی تأسیس اصل آن شرکت یا سازمان را [از طریق تصویب اساسنامه‌ی آن] داده باشد که در آن صورت، هیئت وزیران می‌تواند اصلاح آن اساسنامه را هم انجام بدهد؛ اما این استفساریه مربوط به جایی نیست که تأسیس یک شرکت یا سازمان و تصویب اساسنامه‌ی آن با خود مجلس بوده است، که ما در این موارد، چنین اختیاری به هیئت وزیران نداده‌ایم. لذا آنجایی که اصل تأسیس یک شرکت یا سازمان با قانون بوده است، اصلاحش هم با قانون و از طریق مصوبه‌ی مجلس است. با این استدلال وقتی که دولت، این اساسنامه را اصلاح کرد، رئیس مجلس به آن ایراد گرفت و لذا این موضوع یک مدتی مسکوت ماند.^۱ بعد خود دولت نامه نوشت که با توجه به این ایراد، ما اجرای این اساسنامه را متوقف کردیم.^۲ این موضوع مسکوت بود تا الآن که دوباره دولت آمده است و با استناد به آن استفساریه، اساسنامه شرکت توانیر را اصلاح کرده است.

آقای علیزاده - الآن هیئت وزیران بر چه اساسی می‌گوید که ما این اساسنامه را اصلاح کرده‌ایم؟ متن را بیاورید.

آقای رهپیک - به همان استفساریه استناد کرده‌اند. همان

→

(و) ماده یک این قانون مؤسساتی را که طبق اصول بازرگانی اداره خواهند شد بوجود آورد. اساسنامه مؤسسات مزبور از طرف وزارت آب و برق تهیه و به تصویب کمیسیون‌های مربوط مجلسین خواهد رسید.»
 ۱. جهت آگاهی از سیر کامل مراحل تصویب و اصلاح اساسنامه شرکت مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) در مجلس و هیئت وزیران و نظرات رئیس مجلس در خصوص آن، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۵-۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/Bvd5X
 ۲. تصویب‌نامه‌ی شماره ۱۰۴۳۰۰/ت/۳۶۱۳۵-هـ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۸ هیئت وزیران: «با توجه به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، (موضوع نامه شماره ۹۴۴۴/۷۲۹۲۷ هـ/ب مورخ ۱۳۸۵/۵/۳) تصویب‌نامه شماره ۳۲۷۴۱/ت/۲۸۰۴ هـ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۱ (موضوع اصلاح ماده (۶) اساسنامه شرکت توانیر) از تاریخ اعلام ایراد رسمی، موقوف‌الاجراء می‌شود.»

استفساریه که گفته است اگر جایی برای تأسیس اساسنامه به دولت مجوز دادیم، اصلاحش هم با خود دولت است.

آقای علیزاده - الآن اصل این اساسنامه را چه کسی نوشته است؟

آقای رهپیک - اصل اساسنامه‌ی این شرکت، با «قانون» بوده است. ایجاد این شرکت، تشکیل این شرکت با قانون مجلس بوده است. بعد هم این اساسنامه مثل قوانین دیگر [در مجلس] اصلاح شده است.

آقای سوادکوهی - پس از اساس، تصویب اساسنامه‌ی این شرکت را به دولت نداده‌اند.

آقای رهپیک - بله دیگر، اساسنامه‌ی این شرکت، بر اساس قانون تدوین شده است.

آقای ابراهیمیان - پس این‌طوری نبوده که بر اساس قانون، اجازه‌ی تشکیل شرکت و تصویب اساسنامه‌ی آن را به دولت داده باشند.

آقای رهپیک - نه دیگر، تصویب این اساسنامه بر اساس قانون [= لایحه قانونی راجع به تأسیس وزارت آب و برق] مصوب سال ۱۳۴۲ بوده است

آقای سوادکوهی - این اساسنامه، قبل از انقلاب تصویب شده است.

آقای رهپیک - اصل اساسنامه مصوب سال ۱۳۴۷/۱۲/۱۷ [کمیسیون‌های دارایی و آب و برق و استخدام مجلسین] است. بعد هم یک اصلاحاتی در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ بر روی آن انجام شده است.

آقای یزدی - بالاخره شما می‌خواهید بگویید که دولت حق اصلاح این اساسنامه را ندارد.

آقای رهپیک - بله، دولت به استناد این استفساریه نمی‌تواند این اساسنامه را اصلاح کند. محل جریان این استفساریه، جایی است که اصل تصویب اساسنامه با مجوز مجلس به دولت داده شده باشد. اما این اساسنامه این‌طوری نیست.

آقای سوادکوهی - پس اول ما به این موضوع اشکال بگیریم تا بعد ببینیم چه می‌شود.

آقای مؤمن - سؤال آن استفساریه همین است که آنجاهایی که مجلس به دولت اجازه داده است که اساسنامه را تصویب کند، اگر دولت خواست آن اساسنامه را تغییر بدهد، آیا می‌تواند چنین کاری بکند یا نه؟ استفساریه همین را می‌گوید. از مجلس سؤال می‌شود که هر جایی که به دولت اجازه داده باشید

واقع، تأیید و نظر مجلس معتبر است.

آقای سوادکوهی - درست است؛ چون در این صورت [اقدام دولت در اصلاح اساسنامه]، اصلاح نظر مجلس است.

آقای علیزاده - پس همین ایراد را رأی می‌گیریم. بنویسید: «نظر به اینکه این اساسنامه‌ی شرکت مادر تخصصی ...»

آقای مؤمن - «به استناد ماده واحده قانون استفساریه ...»

آقای علیزاده - ما می‌گوییم «نظر به اینکه این اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)، مصوب مجلس شورای اسلامی است ...»

آقای مدرسی یزدی - «اصلاح آن هم در اختیار خودش است.»

آقای رهپیک - بله، در اختیار مجلس است.

آقای اسماعیلی - نه، عنوان آن شرکتی که مجلس تشکیل داده است، «مادر تخصصی» نبود.

آقای رهپیک - بعداً مجلس شورای اسلامی آن را اصلاح کرده است و قانون شده است. الان آن «قانون» است.

آقای علیزاده - بله، به هر حال اساسنامه‌ی این شرکت مصوب مجلس است.

آقای سلیمی - تصویب این اساسنامه، به دولت واگذار نشده بود.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - بله، «... تصویب اساسنامه‌ی آن، مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی به دولت واگذار نگردیده است و ماده واحده‌ی مربوط به تفسیر هم مربوط به موردی است که مجلس، اجازه‌ی تصویب اساسنامه را به دولت بدهد. بنابراین چون این از شمول آن ماده واحده خارج است، ...»

آقای مدرسی یزدی - نمی‌شود اصلاح اساسنامه را به آن ماده واحده مستند کرد.

آقای علیزاده - «... بنابراین اصلاح اساسنامه‌ی مذکور توسط دولت خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است.» کسانی که به این ایراد رأی می‌دهند، اعلام رأی بفرمایند.

آقای مؤمن - شما رأی نمی‌دهید؟

آقای علیزاده - چرا، رأی می‌دهیم.

آقای سلیمی - همه رأی می‌دهند.

آقای علیزاده - حالا عبارتش را درست می‌کنیم؛ مضمونش همین است، منتها باید عبارت را درست بکنیم. آقای دکتر

[رهپیک]، این تصویب‌نامه چیست؟

آقای رهپیک - کدام؟

اساسنامه‌ای را تصویب کند، اگر دولت خواست اساسنامه را تغییر بدهد، این حق را دارد یا نه؟ می‌گوید بله، او حق دارد.

آقای رهپیک - بله، در این موارد دولت حق دارد که آن اساسنامه را اصلاح کند یا تغییر بدهد.

آقای مؤمن - خب این حق، برای جایی است که هیئت وزیران حق داشته است که اساسنامه را تصویب کند، اما این جایی که مجلس اساسنامه را تصویب کرده است، دولت حق ندارد آن را اصلاح کند.

آقای ابراهیمیان - امروز هم ممکن است چنین اتفاقی بیفتد. اگر در موردی خود مجلس یک اساسنامه‌ای را تصویب کند، [هیئت وزیران نمی‌تواند آن را اصلاح کند یا در آن تغییری ایجاد کند].

آقای علیزاده - استفساریه را بیاورید.

آقای رهپیک - استفساریه در این گزارش آمده است. این استفساریه مشهور است دیگر؛ بارها این ماده واحده را نوشته‌اند.

آقای علیزاده - «قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: موضوع استفساریه:

آیا در موردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است. «خب، این مفهوم دارد. مفهومش این است که تغییر آن اساسنامه‌های مصوب مجلس، زیر نظر مجلس است.

آقای اسماعیلی - نه، این استفساریه برای آن اساسنامه‌هایی است که دولت اصل آن اساسنامه‌ها را تصویب کرده است.

آقای علیزاده - بله، من هم می‌گویم که اصلاً این استفساریه مفهوم دارد؛ یعنی اصلاً این استفساریه، شامل آن اساسنامه‌هایی که مجلس تصویب کرده است نمی‌شود؛ چون در آن موارد در

آقای علیزاده - [همین که در صدر این اساسنامه] نوشته است: «... اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) موضوع تصویب نامه شماره ۵۲۸۴۱/ت/۲۷۲۴۰ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ به شرح زیر اصلاح می شود: ...» این چیست؟

آقای ابراهیمیان - تصویب نامه، مورخ چه تاریخی است؟

آقای رهپیک - مورخ همان سال ۱۳۸۱ است که رئیس مجلس به آن ایراد گرفته بود.

آقای علیزاده - بله، همان تصویب نامه ای است که به آن ایراد گرفته بودند.^۱

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی)

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران»^۲

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸، اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) مصوب جلسه مورخ بیست و هشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می گردد:

- استناد به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، در خصوص مورد موجه نمی باشد؛ زیرا اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)، مصوبه مجلس است و تصویب اساسنامه آن مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی به دولت واگذار نگردیده است؛ بنابراین مصوبه از شمول ماده واحده مرقوم خارج است، اصلاح آن توسط دولت مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می باشد.»

۲. اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. هیئت وزیران در این اصلاحیه، علاوه بر تغییر در برخی مواد اساسنامه، نام شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران را نیز به «شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی» تغییر داد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله اول رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع را طی نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ

آقای رهپیک - این اصلاحیه، یک اشکال اساسی دارد؛ منتها در دور پیش در شورای نگهبان به آن توجه نشده است.^۳ تأسیس این شرکت توسعه ی برق ایران در سال ۱۳۸۱ و به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم [توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران]^۴ بوده است.^۱ آن ماده اساساً اجازه ی

→

۱۳۹۳/۷/۲۷ هیئت وزیران، این مصوبه در مرحله ی دوم رسیدگی در جلسه ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام شد.

۳. اساسنامه ی فوق الذکر در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ از سوی هیئت وزیران اصلاح شد که شورای نگهبان پس از بررسی این اصلاحیه در جلسه ی ۱۳۸۳/۳/۱۳ خود، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص نداد و در نامه ی شماره ۸۳/۳۰/۷۵۵۹ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۶ تأیید آن را به هیئت وزیران اعلام کرد.

۴. ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «۴- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت های دولتی و افزایش بازدهی و بهره وری و اداره مطلوب شرکت هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت هایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیر ضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت ها، تصویب آیین نامه های مالی و معاملاتی، تصویب آیین نامه های استخدامی و بیمه با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابه جایی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارایی های شرکت های دولتی و شرکت های وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند:

الف- کلیه امور مربوط به سیاست گذاری و اعمال وظایف حاکمیت دولت از شرکت های دولتی منفک و به وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی ربط محول می گردد.

ب- شرکت های دولتی حداکثر تا پایان سال چهارم برنامه در قالب شرکت های مادر تخصصی سازماندهی شده و زیر نظر مجمع عمومی در چارچوب اساسنامه شرکت اداره خواهند شد. این گونه شرکت ها از نظر سیاست ها و برنامه های بخشی تابع ضوابط و مقررات وزارتخانه های تخصصی مربوطه خواهند بود.

حق مالکیت دولت در این گونه شرکت ها (به استثناء شرکت هایی که ریاست مجمع آنها با رئیس جمهور است) از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان مالکیت شرکت های دولتی که به استناد این قانون زیر نظر رئیس جمهور تشکیل خواهد شد (به تشخیص دولت) اعمال خواهد شد. دولت مکلف است نسبت به اصلاح اساسنامه این گروه شرکت ها به نحو مقتضی اقدام قانونی نماید. بار مالی احتمالی تشکیل سازمان مذکور از ردیف های متمرکز در اختیار رئیس جمهور تأمین می گردد. کلیه شرکت هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام بوده و یا دارای قانون خاص هستند، مشمول این ماده می باشند.»

←

می‌گویند ما قبلاً این شرکت را تأسیس کرده‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - ماده [ی مورد استناد تشکیل این اساسنامه] را بخوانید. حتماً در زمان بررسی اساسنامه‌ی تأسیس این شرکت، به یک چیزی توجه داشته‌ایم.

آقای علیزاده - بله، ما متوجه این موضوع بودیم. همان زمان هم همین را گفتیم.

آقای رهپیک - قانون برنامه‌ی سوم توسعه مصوب سال ۱۳۷۹ بوده است.

آقای علیزاده - اسم این شرکت چیست؟

آقای رهپیک - شرکت سهامی سازمان توسعه‌ی برق ایران.

آقای علیزاده - بیایید ببینیم این شرکت بر اساس چه قانونی تشکیل شده است.

آقای رهپیک - اساسنامه‌ی این شرکت به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران تشکیل شده است. «ماده ۴- به منظور ساماندهی و

استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و

بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش

دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی

که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیر ضروری است به بخش

غیر دولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری،

انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و

تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و

معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت

مقررات و قوانین مربوط و جابه‌جایی و انتقال وظایف، نیروی

انسانی، سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های

وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند: ...»

آقای مدرسی یزدی - عبارت «اصلاح و تصویب» آورده است.

→

شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰

مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه

سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله

مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده

است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس

شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم

دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب

مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر

نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است.»

تأسیس شرکت به هیئت وزیران نداده بود و موضوعش تأسیس

نیوده است. موضوع آن ماده، «... واگذاری، انحلال، ادغام و

تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه

شرکت‌ها ...» بوده است. آن موقع هیئت وزیران اساسنامه‌ی این

سازمان را تصویب کرد و ایرادی هم به آن گرفته نشد.^۲ الان

دارد همان اساسنامه را اصلاح می‌کند.

آقای علیزاده - اصلاح اساسنامه که اشکال ندارد.

آقای رهپیک - نه، اگر آن ایراد اولی به این اساسنامه گرفته شده

بود، مثل مورد قبلی [= اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی

مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)]

می‌شد و ایراد داشت.^۳ آن زمان، هیئت دولت، اصلاً اجازه‌ی

تأسیس این اساسنامه را نداشته است، ولی هیئت دولت آن را

تأسیس کرد. حالا آمده‌اند و به استفساریه^۴ استناد کرده‌اند؛ چون

→

۱. در صدر تصویب‌نامه‌ی شماره ۲۸۲۸۸/ت-ه هیئت وزیران مندرج در

نامه‌ی شماره ۲۸۲۸۸/۶۶۸۳۷ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۷ معاون اول رئیس

جمهور به شورای نگهبان آمده است: «هیئت وزیران در جلسه مورخ

۱۳۸۱/۱۲/۱۸ بنا به پیشنهاد شماره ۷۵۸۹۷/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۸

وزارت نیرو و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور

اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹-

اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران را به شرح زیر

تصویب نمود ...»

۲. شورای نگهبان به موجب نامه‌ی شماره ۸۲/۳۰/۲۷۷۳ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۴،

اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۸

هیئت وزیران را تأیید کرده است.

۳. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ شورای نگهبان در

خصوص اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید، انتقال و توزیع

نیروی برق ایران (توانیر) مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «عطف به

نامه شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ اصلاح اساسنامه شرکت

مادر تخصصی تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) مصوب

جلسه مورخ بیست و هشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت

وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و

بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- استناد به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح

اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت

مصوب ۱۳۷۷، در خصوص مورد موجه نمی‌باشد؛ زیرا اساسنامه شرکت

مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)،

مصوبه مجلس است و تصویب اساسنامه آن مطابق اصل (۸۵) قانون

اساسی به دولت واگذار نگردیده است؛ بنابراین مصوبه از شمول ماده

واحد مرقوم خارج است، اصلاح آن توسط دولت مغایر اصل (۸۵)

قانون اساسی می‌باشد.»

۴. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه‌ی سازمان‌ها،

←

نمی‌دهند. ما به ماده (۴) این اساسنامه هم ایراد گرفته‌ایم^۱ که گفته است «... این شرکت و شرکت‌های تابع از هر لحاظ استقلال مالی داشته و تابع مقررات اساسنامه خود می‌باشند»^۲ ولی شما که این ایراد را هم نمی‌گیرید.

آقای علیزاده - نه دیگر، بیا بیاید مواد این اساسنامه را از اول بخوانیم.

آقای شب‌زنده‌دار - سوابق را که دیدیم.

آقای ره‌پیک - چرا از اول بخوانیم؟ اشکالاتش را بخوانیم.

آقای علیزاده - آنجایی را که [مجمع مشورتی فقهی و حقوقی] اشکال دارند، بخوانیم.

آقای ره‌پیک - اشکالات را بخوانیم.

آقای علیزاده - آقایان، به کجا ایراد دارید؟

آقای ره‌پیک - ایراد ماده (۴) را قبول نداشتید؟

آقای علیزاده - مجمع مشورتی فقهی چه نوشته است؟

آقای شب‌زنده‌دار - مجمع مشورتی فقهی به این اساسنامه ایرادی نگرفته است؛ گفته است: «خلاف شرع یا قانون اساسی دانسته نشد»^۳.

آقای مدرسی یزدی - بله، مجمع فقهی قم هیچ اشکالی به این مصوبه نگرفته است.

آقای علیزاده - بله، عبارت «تصویب اساسنامه شرکت‌ها» آمده است.

آقای شب‌زنده‌دار - این عبارت یعنی اینکه اساسنامه‌ی همان شرکت‌هایی را که باید ادغام و تجدید کنند، همان‌ها را اصلاح کنند، [نه اینکه اساسنامه‌ی جدید تصویب کنند]. این ماده دارد می‌گوید چطور این شرکت‌ها را واگذار کنند.

آقای علیزاده - نه، نکته است اصلاح اساسنامه‌ی شرکت‌ها را تصویب کنند.

آقای ره‌پیک - می‌گوید اساسنامه‌ی آن شرکت‌هایی را که می‌خواهند درست کنند، تصویب کنند.

آقای مدرسی یزدی - بحث «تجدید سازمان» است.

آقای علیزاده - [هیئت وزیران، بر اساس ماده (۴) آن] قانون آمده و گفته است که من این شرکت سهامی سازمان توسعه‌ی برق ایران را تشکیل می‌دهم. این مسائل، آن زمان بحث شد. هیئت وزیران گفته است که من ضروری می‌دانم این شرکت تشکیل بشود؛ گفته است این شرکت باید تشکیل بشود تا بتوانیم آنها را واگذار کنیم.

آقای ره‌پیک - نه دیگر، تا آخر این ماده را بخوانید. «... با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابه‌جایی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند...» همه‌ی این کارها برای ادغام، انحلال و واگذاری این شرکت‌ها بوده است. علی‌ای‌حال، مبنای تشکیل و اصلاح اساسنامه‌ی این شرکت در سابق، این ماده بوده است و حالا تمام شده است.

آقای علیزاده - خب، قبلاً که به این اساسنامه و اصلاحیه‌اش ایراد نگرفته‌ایم. ما آن زمان از ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه، این‌طور فهمیدیم که هیئت وزیران می‌تواند چنین شرکتی تأسیس کند.

آقای ره‌پیک - به هر حال، تأسیس این شرکت این‌گونه بوده است. در سال ۱۳۸۲ هم یک بار اساسنامه‌ی این شرکت را اصلاح کرده‌اند و ما به آن اصلاحیه هم ایراد نگرفتیم. الآن دیگر نمی‌شود ایراد گرفت.

آقای علیزاده - بله، به اصلاحیه هم ایراد نگرفته‌ایم.

آقای ره‌پیک - ما [در مجمع مشورتی حقوقی] به این مصوبه ایراد گرفتیم، ولی احتمالاً اعضای شورا به این ایراد رأی

۱. عبارت ذیل این ماده بیان می‌دارد: «این شرکت و شرکت‌های تابع از هر لحاظ استقلال مالی داشته و تابع مقررات اساسنامه خود می‌باشند.» این عبارت واجد این ابهام است که آیا هیئت وزیران با تصویب این ماده قصد خارج کردن این شرکت از شمول کلیه قوانین و مقررات عام کشور را داشته است و یا اینکه بر شمول قوانین اداری و استخدامی کشور نسبت به این شرکت اثری ندارد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، ص ۱۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/ipvem

۲. ماده (۴) اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی) مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «۴- شرکت دارای شخصیت حقوقی و مستقل بوده و به صورت شرکت سهامی (خاص) اداره می‌شود. این شرکت و شرکت‌های تابع از هر لحاظ استقلال مالی داشته و تابع مقررات اساسنامه خود می‌باشند.»

۳. ظاهراً ایشان به اشتباه، نظر کارشناسی شماره ۹۳/ف/۱۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰ مجمع مشورتی فقهی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) را به جای نظر مجمع مشورتی فقهی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی) ذکر کرده است. در خصوص این نظرات، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/rXj2z

گرفتید، با اینکه آنجا مقدمه‌اش عبارت «با رعایت مقررات» را گفته بود ولی با این حال، شما باز هم به آن اساسنامه ایراد گرفتید.^۴ حالا به این بند ایراد نمی‌گیرید؟! **آقای شب‌زنده‌دار** - خب [در مجمع مشورتی فقهی به بند (۱۰) ماده (۷) این اساسنامه هم] ایراد گرفته‌ایم. **آقای مؤمن** - بله، عبارت «اخذ هرگونه وام از منابع داخلی و خارجی» ایراد دارد.

آقای علیزاده - پس همان عبارتی که در مورد آن اساسنامه نوشتیم، در مورد این اساسنامه هم بگوییم. در آنجا گفتیم چون اطلاق تجویز اخذ وام از منابع خارجی مستلزم وام ربوی است، اشکال دارد. آقایان فقهایی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند. **آقای مؤمن** - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - عبارت بعدی مجمع مشورتی فقهی که در گزارش نوشته شده است را هم لطف بفرمایید بخوانید. **منشی جلسه** - ایراد مجمع مشورتی فقهی قم این است: «اطلاق اجازه اخذ وام از منابع خارجی مستلزم تجویز اخذ وام ربوی بوده و خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عموم «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چه بسا شامل روش اخذ وام ربوی نیز می‌گردد»^۵.

آقای مؤمن - در بند (۱۰)، عبارت «سایر منابع مالی» وجود ندارد. همان ایراد اول مجمع را باید به بند (۱۰) بگیریم. **آقای مدرسی یزدی** - چرا؛ در بند (۱۰) عبارت «سایر منابع مالی» را هم گفته است: «... یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی ربط».

منشی جلسه - حاج آقا، خط دوم بند (۱۰) را ملاحظه بفرمایید؛ گفته است: «... یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی ربط».

آقای علیزاده - این عبارت چه اشکالی دارد؟ ایراد تجویز وام ربوی را که گفتیم. شما می‌گویید عبارت «... یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی ربط»، باز

آقای علیزاده - حضرات آقایان، اگر به اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران ایرادی دارید، بفرمایید.

آقای جنتی - نظر مجمع مشورتی فقهی قم را هم ببینید.

آقای یزدی - این مجمع، یک اشکالی به این اساسنامه وارد کرده است؛ گفته است اطلاق اجازه‌ی اخذ وام شامل وام ربوی هم می‌شود.^۱

آقای جنتی - این اشکال، به بند (۱۰) ماده (۷) است.

آقای علیزاده - هنوز به ماده (۷)^۲ نرسیده‌ایم. بند (۱۰) ماده (۷): «ماده ۷- موارد زیر از وظایف شرکت می‌باشد: ... ۱۰- اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی ربط».

آقای جنتی - ظاهراً اشکالشان وارد است.

آقای مؤمن - منظورشان، کدام اساسنامه است؟

آقای علیزاده - دستور سوم.

آقای ره‌پیک - «شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران».

آقای مدرسی یزدی - آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی به بند (۱۰) ماده (۷) اشکال وارد کرده‌اند.

آقای علیزاده - بند (۱۰) ماده (۷): «۱۰- اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش‌هایی تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی ربط». به آن اساسنامه‌ی قبلی [= اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح] که متنش بهتر بود،^۳ ایراد

۱. «ماده (۷)، بند (۱۰): اطلاق اجازه اخذ وام از منابع خارجی مستلزم تجویز اخذ وام ربوی بوده و خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عموم «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چه بسا شامل روش اخذ وام ربوی نیز می‌گردد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/rXj2z

۲. ماده (۷) اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی) مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «۷- موارد زیر از وظایف شرکت می‌باشد: ... -۱»

۳. ماده (۲) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۲- شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط مجاز به اقدامات زیر می‌باشد: ... -۱»

۴- پیش‌فروش انرژی برق و نیز سایر روش‌های تأمین منابع مالی از منابع داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری، عرضه اوراق مشارکت با اخذ مجوز از مراجع قانونی ... -۵»

۴. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «۱- در بند (۴) ماده (۲)، اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی که مستلزم وام ربوی است، خلاف موازین شرع و احکام اولیه شناخته شد.»
۵. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰ قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/rXj2z

شامل وام ربوی است؟

آقای مدرسی یزدی - خیلی خوب، یعنی شما به اینکه مجمع مشورتی فقهی دو بار این اشکال را تکرار کرده است، اشکال وارد می‌کنید.

آقای علیزاده - یک بار گفته‌اند تجویز اخذ وام ربوی اشکال دارد، بعد دوباره می‌گویند ذیل این بند، شامل وام ربوی می‌شود؟! عبارت دوم که شامل وام ربوی نمی‌شود.

آقای جنتی - این ایراد، رأی آورد یا نه؟

آقای علیزاده - بله، ایراد قسمت اول این بند رأی آورد.

آقای شب‌زنده‌دار - منظور صدر بند، وام است، اما ممکن است آن عبارت دومی مثلاً شامل بیع ربوی باشد.

آقای مؤمن - کدام مورد؟

آقای علیزاده - آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی قم] می‌گویند عبارت «یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی» هم اشکال دارد؛ آقایان می‌گویند علاوه بر صدر بند، ذیل بند هم ایراد دارد.

آقای مؤمن - عبارت «اخذ وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی» ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - اطلاق این عبارت، شامل وام ربوی می‌شود.

آقای یزدی - «۱۰- اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی ربط.» این ذیل بند (۱۰) که استقراض را نگفته است.

آقای علیزاده - صدر بند، موضوع اخذ وام را گفته است دیگر؛ پس عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» مربوط به غیر از وام می‌شود. ما به قسمت اول این بند ایراد گرفتیم.

آقای مؤمن - بله، همین قسمت ایراد دارد.

آقای علیزاده - آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] می‌گویند که ممکن است عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» در ذیل این بند هم باز مشتمل بر ربا باشد.

آقای مؤمن - نه دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - البته برخی از اعضا هم می‌گویند یک چیزی در عبارت این بند آمده است که اشکال را برطرف می‌کند.

آقای ره‌پیک - انتهای این بند، می‌گوید «با اخذ مجوز ...»

آقای مؤمن - نه، این ایراد، با این عبارت «اخذ مجوز» درست

نمی‌شود.

آقای یزدی - گفته است: «... سایر روش‌های تأمین منابع مالی، با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی‌ربط»؛ خوب مراجع قانونی که ربا را اجازه نمی‌دهند.

آقای جنتی - به این عبارت ابهام بگیرید تا ببینیم منظورشان از این عبارت «سایر روش‌ها» چیست؟ مراد چیست؟

آقای علیزاده - در این بند، تأمین منابع مالی را مقید به اخذ مجوز کرده‌اند.

آقای جنتی - باشد، می‌دانم.

آقای مؤمن - بنویسید اخذ وام از منابع خارجی و همین‌طور شمول عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» که شامل اخذ وام ربوی از منابع خارجی هم می‌شود، اشکال دارد.

آقای سلیمی - بگوییم که عبارت «سایر» ابهام دارد [تا ابهام آن را رفع کنند].

آقای علیزاده - الآن عبارت «سایر روش‌ها» که شامل وام نمی‌شود؛ چون در عبارت قبلی موضوع اخذ وام را گفته است.

آقای ره‌پیک - «وام» را در ابتدای بند (۲۰) گفته است، پس منظور از «سایر روش‌ها» مواردی غیر از وام می‌شود که شامل انواع مشارکت‌ها است.

آقای مدرسی یزدی - این بند می‌گوید: «اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی ...»، اطلاق این عبارت که اشکال دارد. اما در ادامه‌اش که گفته است: «... از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی ...» ممکن است مقصود از عبارت «سایر روش‌ها»، وام نباشد.

آقای ره‌پیک - نه، ذیل این بند، روش‌های تأمین منابع مالی را می‌گوید؛ مثلاً یک روش، اوراق مشارکت است، یک روش، اوراق صکوک است و...

آقای مدرسی یزدی - یکی از روش‌های تأمین منابع مالی، اوراق مشارکت است و یکی دیگر از آن روش‌ها هم مثلاً معامله‌ی تهاتری ربوی است.

آقای علیزاده - پس بگویید عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» هم ایراد دارد.

آقای مؤمن - که شامل وام گرفتن هم می‌شود.

آقای علیزاده - نه، عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» شامل وام نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این‌طوری بنویسید که اصلاً بند (۱۰)

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب)

(اساسنامه شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق)

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب)»^۲

آقای رهپیک - اساسنامه‌ی شرکت ساتکاب هم یک اشکالی مشابه اشکال شرکت توانیر دارد، با این تفاوت که اصل این شرکت را شورای انقلاب [در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۹] تأسیس کرده است. نظر مجلس این بوده است که اگر شورای انقلاب اساسنامه‌ای را تصویب کند، در حکم تقنین است و بنابراین دولت نمی‌تواند اصلاحات بعدی آن اساسنامه را انجام بدهد.^۳



- نظر به اینکه اطلاق بند (۱۰) ماده (۷)، مبنی بر اجازه اخذ وام از منابع خارجی مستلزم تجویز اخذ وام نیز ربوی بوده، خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چون شامل معاملات ربوی هم می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

۲. اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. بر اساس این اصلاحیه، هیئت وزیران علاوه بر تغییر در محتوای اساسنامه‌ی این شرکت، نام آن را نیز به «شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق» تغییر داد و بدین ترتیب، در واقع، اساسنامه‌ی شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق را به تصویب رساند. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تا کنون در سه مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، در مرحله‌ی دوم در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ و ۱۳۹۴/۱/۱۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۵/۷ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی در برخی از مفاد این مصوبه را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، ۹۴/۱۰۲/۳۵۲ مورخ ۱۳۹۴/۲/۷ و ۹۴/۱۰۲/۲۱۳۸ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۳. نظریه‌ی شماره ۷۴۵۰/۸۷۸۴۵ ه/ب مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۵ رئیس مجلس شورای اسلامی: «نظر به اینکه مقنن به شرح قسمت اخیر بند (ب) ماده (۴) اصلاحی قانون برنامه سوم با بیان این عبارت «دولت مکلف است نسبت به اصلاح اساسنامه این گروه شرکت‌ها به نحو مقتضی اقدام قانونی نماید» در واقع شرکت‌های مادر تخصصی را به دو گروه یکی شرکت‌هایی که اساسنامه آنها را طرف مقنن به تصویب رسیده و دیگر شرکت‌هایی که اساسنامه آنها با تجویز مقنن به تصویب هیئت وزیران رسیده است، تقسیم و سپس با تصریح به این عبارت «به نحو مقتضی



باید مقید به مقررات غیر ربوی بودن باشد تا حل بشود.

آقای مؤمن - این ایراد در مورد اخذ وام از خارج هست.

آقای علیزاده - حالا بگذارید من یک چیزی بگویم، شاید درست بشود. بگویم: «عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چون اطلاق آن شامل معاملات ربوی هم می‌شود، اشکال دارد.»

منشی جلسه - خود مجمع مشورتی فقهی هم همین را گفته است: «همچنین عموم «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چه بسا شامل روش اخذ وام ربوی نیز می‌گردد.»

آقای علیزاده - نه، شامل «وام ربوی» نمی‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، تعبیر «وام» درست نیست؛ تعبیر «معاملات» باید باشد.

آقای علیزاده - عبارت «سایر معاملات ربوی» درست است؛ چون صدر این بند، «وام» را گفته است. می‌گوییم: «چون اطلاق عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» شامل معاملات ربوی هم می‌شود، اشکال دارد.» خیلی خب برویم.

آقای رهپیک - حالا آقایان هیئت دولت، یک عبارتی در این اساسنامه نوشته‌اند. این عبارت درست است؟

آقای علیزاده - کدام؟

آقای رهپیک - در ماده (۳۲) همین اساسنامه و بعضی جاها این عبارت را نوشته‌اند که مشکل شرعی آن حل بشود. ماده (۳۲) می‌گوید: «ماده ۳۲- نسبت به مواردی که در این اساسنامه پیش‌بینی نشده است، مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مواردی که مغایر شرع نباشد، معتبر خواهد بود.» این کافی است؟

آقای علیزاده - بله، چه کار بکنند؟ چه بگویند دیگر؟

آقای رهپیک - چه کسی تشخیص می‌دهد که کدام قسمت از قانون تجارت، مغایر شرع است؟

آقای علیزاده - حالا هر جا کاری مغایر شرع انجام دادند، مغایر اعلام می‌شود و آن کار، ابطال می‌شود.

آقای رهپیک - خوب است؟

آقای علیزاده - بله دیگر.^۱

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران مصوب جلسه مورخ بیست و هشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:



علی‌رغم این نظریه، این اساسنامه دو بار [در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶] توسط هیئت وزیران اصلاح شده است.^۱

آقای مدرسی بزدی - به شورای نگهبان هم آمده است؟

آقای ره‌پیک - خود اساسنامه در سال ۱۳۸۱ به شورای نگهبان آمده است و دو بار هم اصلاح این اساسنامه، به شورای نگهبان آمده است.^۲

→

اقدام قانونی نماید» اصلاح اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران را به همین مرجع که قانوناً صلاحیت آنها را نیز دارد محول نموده و لکن در مورد اساسنامه‌های مصوب مجلس از آن جهت که اصلاح این قبیل مصوبات در شأن و صلاحیت مرجع مذکور است همچنان در صلاحیت خود دانسته و نهایتاً دولت را مکلف ساخته نسبت به اصلاح مقدماتی این‌گونه اساسنامه‌ها اقدام و از طریق تقدیم آنها به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی اقدام کند. لذا با عنایت به اینکه شرکت مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاپ) به موجب اساسنامه شرکت سهامی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاپ) مصوب شورای انقلاب تشکیل یافته از جمله مصوبات مقنن است که هرگونه تغییر یا اصلاح آن نیز در صلاحیت مرجع مذکور می‌باشد، از آن جهت که علی‌رغم نظر مقنن به شرح قسمت پایانی بند (ب) ماده (۴) اصلاحی قانون برنامه سوم، اصلاح اساسنامه مزبور به شرح تصویب‌نامه شماره ۳۵۸۷۵/ت ۲۷۱۹۸ هـ مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۳ مورد تصویب هیئت وزیران قرار گرفته، مغایر قانون است.» مندرج در نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷ ص ۱۷، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/YMHt9

۱. اصلاح اساسنامه‌ی فوق‌الذکر، در مرتبه‌ی نخست در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ و در مرتبه‌ی دوم در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۸ به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

۲. اساسنامه‌ی شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاپ)، نخستین بار پس از تصویب در جلسه‌ی ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیئت وزیران، طی نامه‌ی شماره ۲۷۱۹۸/۳۱۹۴۹ مورخ ۱۳۸۱/۷/۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱۷ در شورای نگهبان بررسی شد و صرفاً بند (۲) ماده (۷) آن که اجازه‌ی اصلاح و تصویب اساسنامه این شرکت را به خود شرکت واگذار کرده بود، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد (نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۶۷۶ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۳ شورای نگهبان)، که هیئت وزیران برای رفع این ایراد شورا، ضمن حذف این موضوع از بند (۲) ماده (۷)، متن اساسنامه را در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۳ برای اجرا ابلاغ کرد. پس از آن، اصلاحیه‌ی اساسنامه‌ی این شرکت که در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ به تصویب هیئت وزیران رسیده و طی نامه‌ی شماره ۳۰۰۱۲/۳۷۶۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۵ به شورای نگهبان ارسال شده بود، در جلسه ۱۳۸۳/۳/۱۳ شورای نگهبان بررسی شد که مفاد آن، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد (نظر شماره ۸۳/۳۰/۷۵۵۰ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۶ شورای نگهبان). همچنین اصلاحیه‌ی مجدد اساسنامه‌ی این شرکت که در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۸ هیئت وزیران

←

آقای علیزاده - باید ببینیم جریان این اساسنامه چیست؟ آن زمانی که این اساسنامه را اصلاح کردند، چه نوشته‌اند؟

آقای ره‌پیک - هیئت وزیران تا به حال دو مرتبه، این اساسنامه را اصلاح کرده است، اما حالا اینکه [محتوای آن اصلاحات و مستند قانونی‌شان] چه بوده است را نمی‌دانم. دو اصلاحیه در تاریخ‌های ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ و ۱۳۸۶/۶/۱۸ روی این اساسنامه صورت گرفته است. نظر رئیس مجلس این بوده است که هیئت وزیران نمی‌تواند این اساسنامه را اصلاح کند، ولی هیئت وزیران این اساسنامه را اصلاح کرده است و اصلاح آن هم اعمال شده است!

آقای علیزاده - احتمالاً تفسیر مجلس،^۳ بعد از اصلاحات هیئت وزیران در این اساسنامه، انجام شده است.

آقای ره‌پیک - منظورتان استفساریه است؟

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - نه دیگر، استفساریه‌ی مجلس مربوط به سال ۱۳۷۹ یا ۱۳۷۶ است. من اینجا نوشته‌ام؛ استفساریه مصوب سال ۱۳۷۷ است.

آقای علیزاده - صدر این اساسنامه، دارد اصلاح این اساسنامه را به ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مستند می‌کند.^۴

→

به تصویب رسیده بود و طی نامه‌ی شماره ۳۸۲۱۵/۱۰۰۹۷۵ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۵ به شورای نگهبان ارسال شده بود، در جلسه ۱۳۸۶/۷/۴ شورای نگهبان بررسی شد که مفاد آن نیز مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد (نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۲۸۰۲ مورخ ۱۳۸۶/۷/۸ شورای نگهبان).

۳. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحد- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است.»

۴. ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۱: «ماده ۱۳- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب

←

آقای رهپیک - نه، ماده (۴) برنامه سوم به هیئت وزیران فقط اجازه‌ی اصلاح اساسنامه‌ی شرکت‌هایی را داده است که می‌خواهند آنها را واگذار کنند یا منحل کنند.

آقای علیزاده - نه، ما قبلاً در این مورد بحث کرده‌ایم؛ گفتیم ما این ماده را مطلق می‌دانیم.

آقای رهپیک - این ماده، علی‌الاطلاق برای همه‌ی شرکت‌ها نیست.

آقای علیزاده - ببینید [ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷: «ماده ۴- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیر ضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابه‌جایی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند: ...» این ماده مربوط به آن شرکت‌هایی نیست که دولت، اساسنامه‌ی آنها را تصویب کرده است.

آقای رهپیک - در این ماده، به دولت اجازه‌ی چه چیزی داده شده است؟

آقای علیزاده - هر کدام از این شرکت‌ها می‌تواند طبق ماده (۴) اصلاح شود. اما آن شرکت‌هایی که تصویب اساسنامه‌ی آن با دولت بوده است، وضعیت جداگانه‌ای دارد. دولت بر طبق این ماده (۴)، اساسنامه‌ی این شرکت را اصلاح کرده است.

آقای مدرسی یزدی - در واقع، دولت این شرکت را تجدید سازمان کرده است.

آقای علیزاده - بله، ماده (۴) این‌گونه است. مجلس گفته است که من به دولت اجازه می‌دهم که اساسنامه‌ی این شرکت را بنویسد. مجلس می‌تواند چنین اجازه‌ای به دولت ندهد؛ اما وقتی اجازه داد و دولت اجازه داشت که یک اساسنامه‌ای را از اول بنویسد، بعداً دولت می‌تواند برود و آن را تغییر بدهد؛ چون در این صورت، دولت می‌گوید به من دولت طبق استفساریه، مجوز اصلاح و تغییر اساسنامه‌های مصوب خودم داده شده است.

آقای رهپیک - آن استفساریه‌ی مجلس، مصوب سال ۱۳۷۷ است.

آقای علیزاده - چه زمانی اساسنامه را اصلاح کرده‌اند؟

آقای رهپیک - سال ۱۳۸۲.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) چه می‌گوید؟ هیئت وزیران بر اساس همین ماده اساسنامه را اصلاح کرده است.

آقای رهپیک - نه، بر اساس آن آمده‌اند و اختیار اصلاح اساسنامه را [برای خود اثبات کرده‌اند].

آقای علیزاده - ماده (۴) قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه شامل آن شرکت‌هایی که به موجب قانون هم به وجود آمده‌اند، می‌شود. این ماده در واقع به دولت اجازه داده است [که اساسنامه‌ی شرکت‌هایی که مجلس آنها را تأسیس کرده است را هم اصلاح کند]. ماده (۴) قانون برنامه سوم می‌گوید دولت بیاورد برای همه‌ی شرکت‌های دولتی این کارها را بکند. آن موردی که مجلس به طور خاص به دولت می‌گوید اساسنامه‌ی فلان شرکت را بنویس با موضوع ماده (۴) قانون برنامه سوم فرق می‌کند. این موضوع، قبلاً در شورا بحث شده است.

→

از شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند، دولت مکلف است:

الف- کلیه امور مربوط به سیاست‌گذاری و اعمال وظایف حاکمیتی را که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب دولت تعیین می‌شود، طی دو سال از تاریخ تصویب این قانون از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی‌ربط محول کند. تبصره- ...

ب- شرکت‌هایی که دولتی باقی می‌مانند و یا بر اساس این قانون دولتی تشکیل می‌شوند، به استثنای بانک‌ها و بیمه‌ها صرفاً در دو قالب فعالیت خواهند کرد:

۱) شرکت مادر تخصصی یا اصلی که سهامدار آن مستقیماً دولت و یا رئیس مجمع عمومی آن رئیس جمهور است.

۲) شرکت‌های عملیاتی یا فرعی که سهامداران آنها شرکت‌های مادر تخصصی یا اصلی هستند. تأسیس شرکت جدید یا تملک شرکت‌های دیگر توسط این شرکت‌ها به شرطی مجاز است که اولاً در محدوده‌ای که قانون برای آنها تعیین کرده باشد و ثانیاً صد درصد (۱۰۰٪) سهام شرکت‌های تأسیس یا تملک‌شده دولتی بوده یا به تملک دولت درآید.

تبصره ۱- ...

تبصره ۴- دولت مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که تغییر و تصویب اساسنامه بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت که بر اساس مفاد این قانون در جریان واگذاری قرار می‌گیرند، به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد.»

آقای مدرسی یزدی - بله، تجدید سازمان، شامل اصلاح اساسنامه‌ی شرکت هم می‌شود.

آقای ره‌پیک - الان به ماده (۱۳) قانون [اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] استناد کرده‌اند؛ به علاوه، به ماده واحده قانون استفساریه [در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷] استناد کرده‌اند.

آقای علیزاده - آن زمان که [مفاد ماده (۴) قانون برنامه‌ی سوم توسعه] حاکم بود، گفته بود که بدون [اجازه‌ی خاص مجلس، دولت می‌تواند اساسنامه‌ی چنین شرکت‌هایی را اصلاح و تصویب کند]؛ آن زمان آمدند و بر همین اساس، اساسنامه‌ی این شرکت را تغییر دادند.

آقای ره‌پیک - الان اصلاح این اساسنامه به استناد ماده (۴) قانون برنامه‌ی سوم توسعه نیست؛ به استناد استفساریه است.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، یادتان باشد در ایرادهایی که می‌خواهیم به این مصوبه بگیریم، به هیئت وزیران بگوییم استنادی که شما کرده‌اید، غلط است. ممکن است اینها یک استناد درستی داشته باشند.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - الان ماده واحده قانون استفساریه، قابل استناد نیست.

آقای علیزاده - بگوییم استناد به ماده واحده‌ی قانون استفساریه صحیح نیست.

آقای ره‌پیک - بله، این ایراد درست است.

آقای علیزاده - آقای دکتر، این ایراد را نمی‌گوییم.

آقای مؤمن - دولت به ماده واحده‌ی قانون استفساریه هم استناد کرده است؛ در صورتی که شما می‌گویید که اینها حق نداشته‌اند [که این اساسنامه را به استناد آن استفساریه تصویب کنند].

→

مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) مقرر می‌داشت: «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ بنا به پیشنهاد شماره ۵۶۹۷۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۳ معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور و به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹ - تصویب نمود: اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۸۷۵/ت/۲۷۱۹۸ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۳ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ...»

آقای ره‌پیک - باید شرکت‌هایی را که در این ماده ذکر کرده است، تفکیک کنید و بگویید [آیا بقای در بخش دولتی برای این شرکت‌ها]، ضروری است یا غیر ضروری است. این ماده (۴) که علی‌الاطلاق مربوط به همه‌ی شرکت‌ها نیست.

آقای مدرسی یزدی - [ضروری بودن بقای شرکت در بخش دولتی] به نظر ما که نبوده است؛ وابسته به نظر خود دولت بوده است.

آقای علیزاده - ماده (۴) شامل همه‌ی نوع شرکت می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - البته آن اشکالی که [در سال ۱۳۸۱ به تأسیس این اساسنامه] وارد کرده‌ایم،^۱ مربوط به تجدید سازمان نبود.

آقای علیزاده - بر اساس ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه، اساسنامه این شرکت را تأسیس کردند،^۲ بعد در زمانی که این اساسنامه را اصلاح کردند هم بر اساس ماده (۴) این قانون بود.^۳

۱. نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۶۷۶ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۳ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیئت وزیران: «مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی می‌تواند اجازه تصویب دائمی اساسنامه شرکت‌های دولتی را به دولت واگذار کند، لکن در این اساسنامه اجازه اصلاح و تصویب اساسنامه در بند دوم ماده (۷) به شرکت واگذار شده است؛ لذا این بند مغایر اصل مذکور شناخته شد.» متن بند (۲) ماده (۷) اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) مصوب ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیئت وزیران بدین شرح بود: «ماده ۷- موارد زیر از وظایف شرکت می‌باشد:

۱- ...

۲- انحلال، واگذاری، تجدید سازمان، اصلاح و تصویب اساسنامه، جابه‌جایی، انتقال وظایف و نیروی انسانی شرکت‌های زیر مجموعه در چارچوب قوانین و مقررات

۳- ...»

۲. صدر تصویب‌نامه شماره ۳۵۸۷۵/ت/۲۷۱۹۸ هـ مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۳ هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) مقرر می‌داشت: «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۷ بنا به پیشنهاد شماره ۳۶۳۴۷/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۷ وزارت نیرو و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹ - اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) را به شرح زیر تصویب نمود: ...»

۳. صدر تصویب‌نامه شماره ۱۲۷۲۳/ت/۳۰۱۲ هـ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۰ هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی

←

دولتی باقی می‌مانند، دولت مکلف است: ... این ماده هم که دارد اجازه‌ی کلی به دولت می‌دهد دیگر. این قانون مصوب سال ۱۳۸۶ است.

آقای ره‌پیک - به چه چیزی اجازه داده است؟

آقای علیزاده - «الف- کلیه امور مربوط به سیاست‌گذاری و اعمال وظایف حاکمیتی را که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب دولت تعیین می‌شود طی دو سال از تاریخ تصویب این قانون از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی‌ربط محول کند.

تبصره- ...»

آقای ره‌پیک - استناد هیئت وزیران، به تبصره (۴) ماده (۱۳) ارتباط دارد.

آقای علیزاده - «تبصره ۴- دولت مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که تغییر و تصویب اساسنامه بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت که بر اساس مفاد این قانون در جریان واگذاری قرار می‌گیرند، به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد.»

آقای ره‌پیک - این تبصره گفته است موقعی که دولت می‌خواهد واگذار کند، تصویب و تغییر اساسنامه را به مراجع ذی‌صلاح بدهد.

آقای علیزاده - ماده (۱۳) را بیاورید تا از ابتدای ماده بخوانیم و ببینیم دقیقاً چه گفته است و از اول حکمش چه بوده است. «ماده ۱۳- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند، دولت مکلف است:

الف- کلیه امور مربوط به سیاست‌گذاری و اعمال وظایف حاکمیتی را که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب دولت تعیین می‌شود، طی دو سال از تاریخ تصویب این قانون از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی‌ربط محول کند.

تبصره- تبدیل وضعیت کارکنان شرکت‌های موضوع این بند با رعایت حقوق مکاتبه در قالب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ب- شرکت‌هایی که دولتی باقی می‌مانند و یا بر اساس این قانون

→

ج- سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌ها و بنگاه‌های مشمول گروه سه ماده (۲) این قانون منحصرأ در اختیار دولت است.

تبصره ۱- ...»

آقای ره‌پیک - الان دولت برای اصلاح این اساسنامه به چه استناد کرده است؟ به ماده واحده استناد داده است.

آقای علیزاده - اینکه ما آن زمان [در سال ۱۳۸۳ در بررسی اصلاحیه‌ی اساسنامه‌ی این شرکت] به استناد دولت ایراد نگرفتیم، درست بود.

آقای ابراهیمیان - [آن زمان، استناد هیئت وزیران در اصلاح اساسنامه] طبق ماده (۴) قانون برنامه‌ی سوم بود.

آقای علیزاده - بله، آن زمان مستند اصلاح اساسنامه، ماده (۴) قانون برنامه‌ی سوم بود. الان اصلاح اساسنامه را به ماده واحده‌ی قانون استفساریه [در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷] استناد می‌دهند. اگر الان به این استناد اشکال داریم، می‌توانیم اشکال بگیریم.

آقای ره‌پیک - قانون استفساریه را بخواند.

آقای مدرسی یزدی - بله، همه‌ی اینها را بخوانید.

آقای مؤمن - این استناد به ماده (۱۳) [قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] چطور است؟

آقای علیزاده - من می‌گویم ببینیم ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی چه می‌گوید. این ماده را ببینیم.

آقای مؤمن - بله، ماده (۱۳) را ببینیم.

آقای سلیمی - این ماده در ضمیمه هست.

آقای علیزاده - «ماده ۱۳- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون^۱ در بخش

۱. ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۳- قلمرو فعالیت‌های اقتصادی دولت به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف- مالکیت، سرمایه‌گذاری و مدیریت برای دولت در آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی که موضوع فعالیت آنها مشمول گروه یک ماده (۲) این قانون است، اعم از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، تأسیس مؤسسه و یا شرکت دولتی، مشارکت با بخش‌های خصوصی و تعاونی و بخش عمومی غیردولتی، به هر نحو و به هر میزان ممنوع است.

تبصره ۱- ...

ب- دولت مکلف است هشتاد درصد (۸۰٪) از ارزش مجموع سهام بنگاه‌های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده (۲) این قانون به استثناء راه و راه‌آهن را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

تبصره ۱- ...

←

نمی‌تواند این اساسنامه‌ها را تصویب کند. پس این تبصره (۴) به این اساسنامه مربوط است.

آقای ره‌پیک - در تبصره، عبارت «ذی‌صلاح» آورده شده است. **آقای مؤمن -** گفته است به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد. **آقای علیزاده -** اگر منظور از «مرجع ذی‌صلاح» در تبصره (۴)، فقط مجلس بود که [به جای عبارت «مرجع ذی‌صلاح»] می‌گفت «مجلس».

آقای ره‌پیک - نه، عبارت «مرجع ذی‌صلاح»، یعنی اگر مجلس است، به مجلس برود [و اگر دولت است، به دولت برود].

آقای علیزاده - ماده (۳) این قانون [= قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] را بیاورید.

آقای ره‌پیک - چرا ماده (۳)؟! این اساسنامه که به ماده (۳) استناد نکرده است؛ کجا چنین چیزی نوشته است؟!

آقای علیزاده - چرا، ماده (۱۳) همین قانون گفته است با رعایت ماده (۳) این قانون: «ماده ۱۳- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند، دولت مکلف است: ...»

آقای مؤمن - بالاخره در این اساسنامه به ماده واحده قانون استفساریه و ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) استناد کرده است، نه به ماده (۳).

آقای ره‌پیک - بله، استناد به ماده (۳) ندارد؛ استنادش به ماده (۱۳) است.

آقای سوادکوهی - خب در ماده (۱۳)، گفته است «با رعایت ماده (۳) این قانون».

آقای علیزاده - داخل خود ماده (۱۳)، عبارت «با رعایت ماده (۳) این قانون» را آورده است.

آقای مؤمن - خب، با رعایت ماده (۳) این قانون باشد. ماده (۱۳) که اختیار تصویب اساسنامه را به هیئت دولت نمی‌دهد. آن ماده واحده‌ی قانون استفساریه هم که مستند صحیحی برای این اساسنامه نیست.

آقای علیزاده - ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) هم مستند این اساسنامه هست؛ چون ماده (۱۳) گفته است اجرای ماده (۱۳) «با رعایت ماده (۳) این قانون» انجام می‌شود.

آقای مؤمن - [ماده (۱۳) گفته است:] «... با رعایت ماده (۳)

دولتی تشکیل می‌شوند به استثنای بانک‌ها و بیمه‌ها صرفاً در دو قالب فعالیت خواهند کرد:

(۱) شرکت مادر تخصصی یا اصلی که سهامدار آن مستقیماً دولت و یا رئیس مجمع عمومی آن رئیس جمهور است. (۲) شرکت‌های عملیاتی یا فرعی که سهامداران آنها شرکت‌های مادر تخصصی یا اصلی هستند. تأسیس شرکت جدید یا تملک شرکت‌های دیگر توسط این شرکت‌ها به شرطی مجاز است که اولاً در محدوده‌ای که قانون برای آنها تعیین کرده باشد و ثانیاً صد درصد (۱۰۰٪) سهام شرکت‌های تأسیس یا تملک‌شده دولتی بوده یا به تملک دولت درآید.

تبصره ۱- مشارکت و سرمایه‌گذاری هر شرکت دولتی در سایر شرکت‌های دولتی فقط در صورتی مجاز است که موضوع فعالیت شرکت سرمایه‌پذیر با فعالیت شرکت سرمایه‌گذار مرتبط باشد و دولت جواز آن را صادر کند. این حکم شامل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آنها نمی‌شود.

تبصره ۲- میزان و چگونگی مالکیت سهام سایر بنگاه‌های اقتصادی توسط بانک‌های تجاری و تخصصی دولتی به پیشنهاد شورای پول و اعتبار به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، ولی در هر صورت سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بنگاه‌های دیگر نباید به گونه‌ای باشد که در اختصاص منابع بانکی به متقاضیان تسهیلات، خللی ایجاد نماید.

تبصره ۳- افتتاح و تداوم فعالیت دفاتر و شعب خارج از کشور شرکت‌های دولتی تنها با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران مجاز است. بانک‌ها و بیمه‌های دولتی از شمول این حکم مستثنی هستند.

تبصره ۴- دولت مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که تغییر و تصویب اساسنامه بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت که بر اساس مفاد این قانون در جریان واگذاری قرار می‌گیرند، به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد.

آقای سلیمی - استناد هیئت وزیران بر اساس تبصره (۴) ماده (۱۳) است.

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - تبصره (۴) هم به این اساسنامه مربوط نمی‌شود؛ چون این تبصره ربطی به این اساسنامه ندارد. در تبصره (۴) گفته است: «... به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد.»

آقای سلیمی - این تبصره که نمی‌گوید این اساسنامه‌ها به تصویب چه کسی برسد؛ یعنی نمی‌گوید که دولت خودش

شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند دولت مکلف است:

الف- ...»

آقای ره‌پیک - ببینید؛ استناد به ماده (۱۳) به دلیل این است که هیئت وزیران می‌خواسته‌اند شرکت را به «شرکت مادر تخصصی» تغییر بدهند؛ از این جهت به این ماده استناد کرده‌اند. استناد به ماده (۱۳) برای اصلاح نیست. مستندشان برای اصلاح این اساسنامه، ماده واحده‌ی قانون استفساریه است.

آقای علیزاده - شرکت مادر تخصصی را که می‌توانند تشکیل بدهند.

آقای مدرسی یزدی - در محدوده‌ای که اجازه داده شده است، می‌توانند.

آقای ابراهیمیان - شاید از ماده (۴) [قانون برنامه‌ی سوم توسعه] بشود [اثبات کرد که دولت اجازه‌ی اصلاح این اساسنامه را دارد]. بحث این است که شورای انقلاب آن زمان [= ۱۳۵۹/۳/۱۹] اصل اساسنامه‌ی این شرکت را تصویب کرده است.

آقای علیزاده - این ماده، شامل همه نوع شرکت می‌شود؛ این ماده تنها شامل آن شرکت‌هایی نیست که خود دولت اساسنامه‌اش را تصویب کرده است.

آقای ابراهیمیان - منظورتان ماده (۴) [قانون برنامه‌ی سوم توسعه] است؟

آقای علیزاده - نه، منظورم همین ماده (۱۳) قانون [اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] است. این قانون نیامده است که بگویند [تنها اساسنامه‌ی] شرکت‌های دولتی که [خود دولت آنها را تصویب کرده است، از سوی دولت قابل اصلاح است]. این قانون، بعد از آن قانون استفساریه تصویب شده است. این قانون آمده است و گفته است که دولت همه‌جا می‌تواند اساسنامه‌ی چنین شرکت‌هایی را تغییر دهد. دولت می‌تواند همه‌ی اساسنامه‌های شرکت‌های این‌چنینی را تغییر دهد.

آقای ره‌پیک - بله دیگر.

آقای علیزاده - [جزء (۱) بند (ب) ماده (۱۳) قانون اجرای

سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی

مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «۱) شرکت مادر تخصصی یا اصلی که

سهامدار آن مستقیماً دولت و یا رئیس مجمع عمومی آن رئیس

جمهور است.»

آقای ابراهیمیان - خب تبصره (۴) بند (ب) ماده (۱۳) این

این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند ...» یعنی ماده (۳)، برای تعیین قلمرو فعالیت‌های اقتصادی دولت است.

آقای ره‌پیک - به هر حال، دولت نمی‌تواند به این دو قانون [= قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] برای تصویب این اساسنامه استناد کند.

آقای علیزاده - چرا؛ می‌شود استناد کرد.

آقای مؤمن - در ماده (۳) که صحبتی از اختیار دولت در تصویب اساسنامه‌ی این شرکت‌ها نکرده است. ماده (۱۳) هم که چنین اجازه‌ای به دولت نداده است؛ به ماده (۳) هم که ارجاع می‌دهد، فایده‌ای ندارد؛ چون ماده (۳) هم مطلبی در این خصوص ندارد.

آقای علیزاده - آقای دکتر [ره‌پیک]، شما از هیئت وزیران توضیح خواستید؟ دفاعشان چیست؟ آخر ممکن است حرفی داشته باشند.

آقای ره‌پیک - دفاعی نکردند. به نظرم، اینها به استناد قانون برنامه چهارم توسعه^۱ این اساسنامه را اصلاح کرده‌اند.

آقای مؤمن - این ماده (۱۳) [قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] دلالت می‌کند بر اینکه هیئت وزیران می‌تواند اساسنامه‌ی این شرکت‌ها را تصویب کند. ماده واحده‌ی قانون استفساریه هم که ...

آقای علیزاده - استفساریه که شامل [اجازه‌ی اصلاح این اساسنامه] نمی‌شود. یک‌بار دیگر ماده (۱۳) را بیاورید. «ماده ۱۳- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب

۱. ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی: «۷- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابه‌جایی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند:

اساسنامه هم استنادشان درست نبوده باشد.

آقای علیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - ما به استناد که ایراد نمی‌گیریم؛ ایراد می‌گیریم؟

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، دولت با این استناد نمی‌تواند این اساسنامه را اصلاح کند.

آقای علیزاده - نه، استناد اشتباهی که اشکال [شرعی و قانون اساسی] ندارد.

آقای اسماعیلی - یعنی اگر واقعاً اصلاح اساسنامه، مستند صحیح داشته باشد، درست است.

آقای مدرسی یزدی - ما قبلاً به این موضوع هم ایراد می‌گرفتیم و در نظرم آن به دولت آن را می‌گفتیم.^۳ اگر هیئت وزیران اصلاً مستند اصلاح اساسنامه را نمی‌گفت، باز قابل توجیه بود، ولی

قانون می‌گوید که اساسنامه‌ی این شرکت‌ها را «مراجع ذی‌ربط» می‌تواند تغییر دهند.^۱ حالا بحث در اینجا این است که آیا «مراجع ذی‌ربط» هیئت وزیران است یا مجلس؟

آقای علیزاده - منظور از مرجع ذی‌ربط مجلس نیست؛ مرجع ذی‌ربط یعنی هیئت وزیران.

آقای ابراهیمیان - اگر شورای انقلاب آن شرکت را تأسیس کرده باشد، چه؟

آقای علیزاده - الان در ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌ها که مجلس به دولت اجازه داده است شرکت مادرتخصصی را تأسیس بکند.

آقای ابراهیمیان - نه، عرض من این است اگر شورای انقلاب [اساسنامه‌ای را تصویب کرده باشد، آیا هیئت وزیران اجازه دارد آن اساسنامه را اصلاح کند یا به شرکت مادرتخصصی تغییر دهد یا خیر]؟

آقای ره‌پیک - این شرکت، بر اساس اساسنامه‌ی قبلی هم شرکت مادرتخصصی بوده است دیگر. هیئت وزیران دارد اسم این اساسنامه را اصلاح می‌کند، سرمایه‌اش را اصلاح می‌کند و ...

آقای علیزاده - هیئت وزیران، این اجازه را دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، اذن دارد. به هر حال به دولت، این اجازه داده شده است.

آقای ره‌پیک - چه کسی چنین اجازه‌ای داده است؟!

آقای علیزاده - قانون، این اذن را داده است دیگر. این اصلاحیه از این جهت که اشکالی ندارد. ببینید؛ [بر فرض که چنین اشکالی وجود داشته باشد] ما چه ایرادی می‌توانیم به این مصوبه بگیریم؟ ما فقط می‌توانیم اشتباه بودن استناد به ماده واحده‌ی قانون استفساریه را تذکر دهیم.

آقای مدرسی یزدی - حتی شاید استناد آن اساسنامه هم که به آن ایراد نگرفتیم،^۲ ایراد داشته باشد. ممکن است در آن

۱. تبصره (۴) بند (ب) ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «تبصره ۴- دولت مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که تغییر و تصویب اساسنامه بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت که بر اساس مفاد این قانون در جریان واگذاری قرار می‌گیرند به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد»

۲. منظور، مصوبه‌ی هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران است که بررسی آن در همین جلسه‌ی شورا، پیش از بررسی اساسنامه‌ی شرکت ساتکاب، انجام شد. در صدر مصوبه‌ی هیئت وزیران به شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران آمده است: «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره

→
۱۰۰/۲۰/۲۳۸۵/۵۲/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو و به استناد ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶- و ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷- اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران را با اصلاح نام آن به شرکت مادرتخصصی تولید نیروی برق حرارتی به شرح زیر اصلاح و تصویب کرد: «...»

۳. شورای نگهبان تا کنون در موارد متعدد، استناد نادرست در تأسیس یا اصلاح اساسنامه‌ی شرکت‌ها و سازمان‌ها را مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی دانسته است. به عنوان نمونه، در نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۲۲۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۱ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه سازمان ارتباطات زیرساخت مصوب ۱۳۸۶/۴/۱۳ هیئت وزیران آمده است: «نظر به اینکه اساسنامه مذکور به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳ به تصویب رسیده است و به لحاظ اینکه مصوبه فوق‌الاشعار از شمول اختیارات مفوضه در این ماده خارج است، فلذا مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.» متن صدر اساسنامه سازمان ارتباطات زیرساخت مصوب ۱۳۸۶/۴/۱۳ هیئت وزیران به شرح زیر بود: «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات و امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، موضوع نامه شماره ۱/۱۹۹۷/م مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۲ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت را به شرح زیر تصویب نمود: «...». برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتوحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد سوم (اصول ۷۶ تا ۱۱۲ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، صص ۳۸۸-۴۳۳.

وقتی که نادرست استناد کنند، خب غلط است دیگر.

آقای علیزاده - در این مورد، واقعاً ماده (۱۳) [قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] چنین اجازه‌ای را به دولت می‌دهد.

آقای ره‌پیک - این استناد غلط، اشکال ماهوی هم دارد؛ اشکال ماهوی آن این است که اصلاً اختیار تصویب اساسنامه برای مجلس است. در قانون اساسی گفته است که [دولت می‌تواند فقط اساسنامه‌هایی را تصویب کند که مجلس به او چنین اجازه‌ای داده باشد].

آقای مدرس‌ی یزدی - خود مجلس این اجازه را داده است.

آقای علیزاده - بله، اجازه داده است، ولی آن ماده واحده‌ی قانون استفساریه اصلاً اینجا کاربرد ندارد.

آقای ره‌پیک - نه، ببینید؛ غیر از این بحث، این استناد، ماهیتاً هم اشکال دارد. اصل اختیار [تصویب اساسنامه طبق اصل (۸۵) قانون اساسی] برای مجلس است. حالا مجلس در این مورد چه کار کرده است؟ خود مجلس می‌گوید که اجازه‌ی من برای کجا است؟ برای اینجایی است که [خود هیئت وزیران اصل اساسنامه را با اجازه‌ی مجلس تصویب کرده است].

آقای مدرس‌ی یزدی - ایراد به اصلاحیه‌ی این اساسنامه را هم رئیس مجلس گفته است، نه اینکه مجلس بگوید. رئیس مجلس چنین ایرادی را گرفته است.^۱

آقای ابراهیمیان - نه، در آن قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) که تصویب شده است، [چنین اجازه‌ای به دولت داده شده است].

آقای مدرس‌ی یزدی - دو تا اجازه هست؛ مجلس دو تا اجازه به دولت در زمینه‌ی تصویب اساسنامه‌ها داده است: یکی [بر اساس ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷] اجازه داده است که هر اساسنامه‌ای را که دولت تصویب کرد، خودش بتواند آن را اصلاح کند؛ یک اجازه‌ی مطلق دیگر هم [طبق ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] به دولت داده است که بر اساس آن، هیئت وزیران می‌تواند اساسنامه‌ی همه‌ی آن شرکت‌هایی که احتیاج به تجدید سازمان دارند را اصلاح کند.

آقای ابراهیمیان - بله، در مورد آن شرکت‌هایی که دولت

می‌خواهد آنها را واگذار بکند.

آقای مدرس‌ی یزدی - بله.

آقای ره‌پیک - نه دیگر، آن مجوز، برای اصلاح اساسنامه‌ی آن شرکت‌ها نیست.

آقای علیزاده - نه، [جزء (۱) بند (ب) ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی] گفته است آن شرکت‌هایی که دولتی باقی می‌ماند، تبدیل به شرکت مادر تخصصی بشود. این ماده که نگفته است برای تبدیل شرکت‌ها به شرکت مادر تخصصی، اساسنامه‌ی آنها را برای تصویب به مجلس بیاورید. این اصلاح اساسنامه، واقعاً اشکال ندارد. این [جزء (۱) بند (ب) ماده (۱۳)] گفته است که دولت شرکت مادر تخصصی تشکیل بدهد [که سهامدار آن، مستقیماً دولت باشد] یا رئیس مجمع عمومی آن، رئیس جمهور باشد.

آقای ره‌پیک - این شرکت مادر تخصصی قبلاً تشکیل شده است؛ الآن این اصلاحیه، دارد اساسنامه‌ی آن را اصلاح می‌کند. **آقای علیزاده -** اگر قبلاً هم چنین شرکتی تشکیل شده باشد، الآن دولت می‌تواند اساسنامه‌ی آن را اصلاح کند. این قانون دارد اجازه می‌دهد دیگر؛ ماده (۱۳) دارد این موضوع را اجازه می‌دهد.

آقای ره‌پیک - در تبصره (۴) ماده (۱۳) می‌گوید که دولت برود و نسبت به اصل تشکیل شرکت، اقدام کند. در آن تبصره گفته است که اگر می‌خواهند اساسنامه‌ی این شرکت‌ها را تغییر بدهند، باید برای تصویب به مراجع ذی‌صلاح برود. الآن مرجع ذی‌صلاح اصلاح این اساسنامه کجا است؟

آقای علیزاده - در ماده (۱۳)، به دولت تکلیف شده است که شرکت مادر تخصصی را تشکیل دهد. دولت غیر از هیئت وزیران است. مرجع ذی‌صلاح در تبصره (۴) ماده (۱۳)، هیئت وزیران است. مرجع ذی‌صلاح این تبصره، هیئت وزیران است؛ برای اینکه خود قانون گفته است که ای دولت، این کارها را بکن؛ اما وقتی که این تبصره «دولت» را می‌گوید، خود وزارت اقتصاد نمی‌تواند بگوید که من دولت هستم و اساسنامه را تصویب کند.

آقای ره‌پیک - آن قانون، قانون عادی است، اما اصل صلاحیت تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌ها مطابق قانون اساسی برای مجلس است.

آقای علیزاده - این مصوبه، اشکالی ندارد. مجلس اصل صلاحیت را در این زمینه به دولت داده است. این تبصره دارد

۱. نظریه‌ی شماره ۷۴۵۰/۸۷۸۴۵ ه/ب مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۵ رئیس مجلس شورای اسلامی که متن آن، در پاورقی‌های قبلی ذکر شد.

آقای علیزاده - ماده (۴) که اصلاً زمان اجرائش منقضی شده است.

آقای ابراهیمیان - نه.

آقای مؤمن - ماده (۴) چیست؟

آقای علیزاده - ماده (۴) را که آن موقع [= در اصلاحیهی اساسنامه‌ی این شرکت، مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ هیئت وزیران] به عنوان مستند آوردند، صحیح بود. ماده (۴)، مربوط به زمان اجرای قانون برنامه‌ی سوم بود. الآن مدت اجرای این قانون تمام شده است.

آقای مدرسی یزدی - [مهلت اجرای این قانون تمام شده است]، اما اعتبارات قانونیش که برگشته است.

آقای رهپیک - نه، آن قانون دیگر اعتبار ندارد. رئیس مجلس هم به همین جهت ایراد گرفت؛ چون نظر رئیس مجلس همین بود که این ماده (۴) فقط شامل شرکت‌هایی می‌شود که ما تأسیس آن را به دولت اجازه دادیم. چون آن قانون استفساریه مصوب سال ۱۳۷۷ بود، در حالی که تصویب این اساسنامه در سال ۱۳۸۱ در هیئت وزیران انجام شده است.

آقای مدرسی یزدی - من فکر می‌کنم که این اجازه‌ی مجلس در قانون‌های برنامه‌ی بعدی هم تکرار شده است.

آقای رهپیک - نه، در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، چنین چیزی نیامده است.

آقای مدرسی یزدی - نیامده است؟

آقای رهپیک - به همان دلیلی که مجلس ایراد گرفت، نیامده است.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌دانم.

آقای ابراهیمیان - اگر در قانون برنامه‌ی پنجم نیامده باشد، ما [باید ایراد بگیریم].

آقای مدرسی یزدی - این موضوع را به بررسی بگذارید. این‌گونه نمی‌شود تصمیم گرفت.

آقای رهپیک - ما [در گزارش مجمع مشورتی حقوقی] این موضوع را یک‌جایی نوشته‌ایم.^۱

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله مدرسی، این قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی برای واگذاری شرکت، اختیاراتی به دولت داده است. خود ماده (۳) آنجایی

«مرجع ذی‌صلاح» را می‌گوید؛ یعنی اینکه هر وزارتخانه، خودش این کار را نکند، بلکه به هیئت وزیران ببرد. مرجع ذی‌صلاح در این تبصره، هیئت وزیران است. در ماده (۱۳) می‌گوید دولت این کار [= تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی] را بکند، ولی مرجع ذی‌صلاح که هیئت وزیران است، اساسنامه‌ی این شرکت‌ها را تصویب کند. تبصره (۴) ماده (۱۳) نمی‌خواهد بگوید که دولت برای تصویب اساسنامه‌ی این شرکت‌ها، آن را به مجلس بیاورد. اگر این‌گونه بود، مجلس عاجز که نبود، خودش می‌گفت اینها را به مجلس بیاورد.

آقای رهپیک - این اساسنامه به قانون استفساریه و [قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] استناد کرده است.

آقای علیزاده - بیخود به استفساریه استناد داده‌اند؛ ما باید بنویسیم که استناد به استفساریه در اینجا صحیح نیست. استناد به استفساریه ایراد دارد. اما استناد به ماده (۱۳) که ایرادی ندارد. ما باید بگوییم که استناد به ماده واحده‌ی قانون استفساریه اشکال دارد. حالا این گزارش مجمع مشورتی فقهی را بخوانید. اگر این مصوبه ایراد دارد، ایرادش را بگیریم. وقتی قانون به دولت می‌گوید که این کارها [= تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی] را بکن، [به طور ضمنی، اجازه‌ی مجلس به دولت برای تصویب اساسنامه‌ی این شرکت‌ها هم تلقی می‌شود]، وگرنه اگر مجلس بخواهد بگوید که اساسنامه‌ی این را برای تصویب به مجلس بیاورید، صراحتاً باید این را بگوید. من مجلس دارم به دولت اجازه می‌دهم که تصویب اساسنامه را به مرجع ذی‌صلاح بدهد، خب مرجع ذی‌صلاح کیست؟ هیئت وزیران.

آقای رهپیک - کجای قانون گفته است که این مرجع ذی‌صلاح، هیئت وزیران است؟

آقای ابراهیمیان - نه، [آن ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که ایرادی ندارد]، ولی الآن مشکل ما این است که مجلس یا شورای انقلاب یک شرکتی را تشکیل داده است. الآن ما یک مجوزی می‌خواهیم که بر اساس آن، اصلاح اساسنامه‌ی آن شرکت را به هیئت وزیران بدهیم.

آقای علیزاده - ماده (۱۳).

آقای ابراهیمیان - نه، ماده (۱۳) این را نمی‌گوید. ماده (۴) قانون برنامه‌ی سوم توسعه بد نیست. حضرت‌عالی یا حاج‌آقای مدرسی، به دقت فرمودید که ماده (۴)، مشکل را حل می‌کرد که اینها الآن آن را به عنوان مستندشان ذکر نکرده‌اند.

۱. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۱۵-۱۷، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/YMHt9

اصلاحیه ایرادی نگرفته است. حالا ما نهایتاً باید به آن استنادی که در صدر این مصوبه آمده است، ایراد وارد کنیم و بگوییم آن را درست کنند. بقیه‌ی موضوعات به ما ربطی ندارد.

آقای علیزاده - ما [در قالب تذکر] بگوییم این استناد به ماده واحده‌ی قانون استفساریه صحیح نیست؛ مثلاً بگوییم اگرچه استناد به ماده واحده‌ی قانون استفساریه بی‌مورد است حالا اگر آقایان به متن این اساسنامه‌ی اصلاحی ایراداتی دارند، بفرمایند. این اساسنامه ایرادی دارد؟

آقای اسماعیلی - نه، ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - ما که ایرادی نداریم. پس آقایان ایراد دیگری ندارند؟

آقای ابراهیمیان - چون این دو باری که این اساسنامه اصلاح شده است، در زمان اجرای ماده (۴) قانون برنامه‌ی سوم توسعه بوده است، بنابراین به نظر می‌رسد که دیگر مشکل اصلاح این اساسنامه حل شده است؛ چون این، اصلاح اساسنامه است.

آقای رهپیک - اگر مجمع مشورتی فقهی به این مصوبه ایرادی ندارد، ما [=مجمع مشورتی حقوقی] ایرادی نداریم.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله شب‌زنده‌دار، مجمع قم به این اساسنامه ایرادی نگرفته‌اند؟

آقای شب‌زنده‌دار - چرا.

آقای علیزاده - بفرمایید.

آقای شب‌زنده‌دار - چون این اساسنامه هم عین متن اساسنامه‌ی قبلی^۱ است، در اینجا هم گفته‌اند بند (۱۰) ماده (۷) ایراد دارد.^۲ بند (۱۰) که می‌گوید: «۱۰- اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی‌ربط»، همان اشکالی که به اساسنامه‌ی قبلی گرفتیم^۳ را دارد.

۱. منظور، مصوبه‌ی هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه‌ی شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران است که پیش‌تر در همین جلسه‌ی شورای نگهبان، مورد بررسی قرار گرفت.

۲. «اطلاق اخذ وام از منابع خارجی مستلزم وام ربوی بوده و خلاف شرع می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/5x8f3

۳. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ شورای نگهبان در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «نظر به اینکه اطلاق بند (۱۰) ماده (۷)، مبنی بر اجازه اخذ وام از منابع خارجی مستلزم تجویز اخذ وام نیز ربوی بوده، خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عبارت «سایر

که دولت نمی‌تواند اقدام بکند، نام برده است. در ماده (۱۳) آمده است و گفته است: «... شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند...»، ماده (۳) در جایی که دولت بخواهد شرکت جدیدی ایجاد کند یا بخواهد این قبیل کارها را بکند، جلوی دولت را گرفته است. ماده (۱۳) آمده است و در مورد این شرکت‌هایی که ما الآن داریم بررسی می‌کنیم، بحث کرده است. این ماده، شامل مطلق شرکت‌ها می‌شود، چه دولت اساسنامه‌اش را تصویب کرده باشد، چه مجلس.

آقای رهپیک - این نمی‌تواند درست باشد؛ خلاف [اصل (۸۵)] قانون اساسی است.

آقای علیزاده - قانون دارد این اجازه را به دولت می‌دهد. چرا قانون نمی‌تواند چنین چیزی بگوید؟

آقای رهپیک - طبق قانون اساسی اختیار اصلی تصویب اساسنامه، برای مجلس است.

آقای علیزاده - خب باشد، مجلس می‌تواند اجازه بدهد؛ مگر نمی‌تواند؟!

آقای رهپیک - آنجایی که شما تردید می‌کنید [که آیا مجلس چنین اجازه‌ای به دولت داده است یا نه]، نمی‌توانید بگویید مجلس اجازه داده است.

آقای علیزاده - چه تردیدی می‌کنیم؟! ما می‌گوییم مجلس آمده است و به دولت گفته است که در همان جایی که اختیار تصویب اساسنامه برای من است، شما بیا و برای شرکت‌هایی که می‌خواهی آنها را واگذار کنی، [اساسنامه تصویب کن]؛ نگفته است که برای واگذاری شرکت‌ها، یکی یکی اساسنامه‌ی آنها را به مجلس بیاورید. ماده (۳) را بخوانید؛ نگفته است که برای واگذاری، اساسنامه‌ی این شرکت‌ها را به مجلس بیاورید. برای تبدیل این شرکت‌هایی که وجود دارند، نگفته است که اساسنامه‌های جدید آنها را برای تصویب به مجلس بیاورید. ماده (۳) این قانون می‌گوید فقط اساسنامه‌ی آن شرکت‌هایی که تازه دارید آنها را تأسیس می‌کنید و می‌خواهید سرمایه‌گذاری بکنید، آنها را به مجلس بیاورید.

آقای رهپیک - حالا آن [=تبصره (۴) بند (ب) ماده (۱۳)] مربوط به واگذاری است.

آقای ابراهیمیان - می‌گویند که این اساسنامه دو بار اصلاح شده است.

آقای رهپیک - اصلاحیه‌های این اساسنامه دو بار به شورای نگهبان آمده است و اصلاح شده است، اما شورا به این دو

آقای علیزاده - «۱۹- انجام هرگونه عملیات اجرایی، مهندسی، بازرگانی، مالی، معاملات، سرمایه‌گذاری، تشکیل شرکت، مشارکت در مؤسسات و شرکت‌های دیگر که مرتبط با موضوع شرکت و در راستای سیاست‌های وزارت نیرو باشد، با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»

آقای شب‌زنده‌دار - این بند، همان مسئله‌ی خلاف شرع بودن قانون تجارت را دارد.

آقای علیزاده - این کارها، با رعایت قانون و مقررات است.

آقای ره‌پیک - نه، اگر به این عبارت ایراد بگیریم، باید همه‌جا این ایراد را بگیریم.

آقای علیزاده - این بند که مثل همان بند (۱۹) اساسنامه‌ی قبلی است که ایرادش رأی نیاورد. حاج‌آقای شب‌زنده‌دار، ایراد بعدی را بفرماید.

آقای شب‌زنده‌دار - ماده (۱۴)^۲ هم همین اشکال را دارد.^۳

آقای ره‌پیک - اشکال ماده (۱۴) هم همین اشکال است [که در بررسی اساسنامه‌ی قبلی رأی نیاورد].

آقای علیزاده - پس این مصوبه، یک ایراد دارد. یک ایراد هم استناد به ماده واحده‌ی قانون استفساریه مجلس است.^۴

→

موارد خلاف شرع می‌باشد و لذا لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوط خلاف شرع می‌باشد. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۴۸/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/5x8f3

۲. ماده (۱۴) اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۱۴- وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده به شرح زیر می‌باشد:

۱- ...

۳- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال شرکت برای ارائه به هیئت وزیران با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»

۳. «اشکال مذکور در بند (۱۹) ماده (۷)، در این بند نیز جاری است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۴۸/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/5x8f3

۴. نظر شماره ۱۵۰۸/۲/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) مصوب جلسه مورخ بیست و هشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- نظر به اینکه اطلاق بند (۱۰) ماده (۷)، مبنی بر اجازه اخذ وام از منابع خارجی مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نیز بوده، خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چون شامل

←

آقای علیزاده - ایراد بند (۱۰) ماده (۷)، عین همان ایراد اساسنامه‌ی قبلی است که آن را بررسی کردیم.

آقای شب‌زنده‌دار - عبارات این اساسنامه هم عین همان عبارات اساسنامه‌ی قبلی است.

آقای مؤمن - بند (۱۰) ماده (۷)؟

آقای یزدی - بله، اطلاق اجازه‌ی اخذ وام از منابع خارجی ایراد دارد.

آقای مؤمن - «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» [هم مثل اساسنامه‌ی قبلی ایراد دارد].

آقای علیزاده - بله، عبارت «و سایر روش‌های تأمین منابع مالی» هم ایراد دارد. همان دو تا اشکال را برای این اساسنامه هم بگیرید. بگویید که «چون اخذ وام از منابع خارجی، مستلزم وام ربوی است، اشکال دارد. همچنین عبارت «سایر روش‌های تأمین مالی» چون اطلاق آن شامل معاملات ربوی هم می‌شود، اشکال دارد.»

آقای مؤمن - خیلی خوب، آن ایراد مربوط به اشتباه در استناد را هم که می‌نویسید.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - باید بگویید استناد به ماده واحده‌ی قانون استفساریه اشکال دارد.

آقای علیزاده - استناد به ماده واحده‌ی استفساریه هم موجه نیست.

آقای یزدی - ذیل بند (۱۰) گفته است: «با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی‌ربط.»

آقای علیزاده - این عبارت در اساسنامه‌ی قبلی هم بود و با این وجود، ایراد گرفتیم. در همان اساسنامه‌ی قبلی هم این قید بوده است.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، این عبارت این‌طور نمی‌گوید. «مراجع ذی‌ربط»، یعنی مثلاً باید از مجلس اجازه بگیرد. بند (۱۹) ماده (۷) هم یک ایرادی دارد.

آقای علیزاده - حاج‌آقای شب‌زنده‌دار، می‌فرماید بند (۱۹) همین ماده ایراد دارد؟

آقای شب‌زنده‌دار - بله، [مجمع مشورتی فقهی به این بند هم ایراد گرفته است].^۱

→

روش‌های تأمین منابع مالی» چون شامل معاملات ربوی هم می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

۱. «قوانین و مقررات مربوط شامل مثل قانون تجارت نیز می‌گردد که دارای

←

اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم

منشی جلسه - دستور پنجم، «اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم» است.

آقای عزیزاده - آقایان، متوجه باشید که لایحه‌ای به مجلس آمده است که جزیره‌ی هرمز را به منطقه‌ی آزاد قشم ملحق می‌کند.^۲ اگر قرار باشد برای تمام جزایر جنوب، یک قانون به تصویب برسانند، [مشکل به وجود می‌آید]. ما آن موقع [در هنگام تصویب مصوبات مربوط به مناطق آزاد] هم این مسائل را در مورد مناطق آزاد گفتیم که موجب شد برای این مناطق محدوده تعیین کنند. الآن می‌خواهند با این لایحه، یک جزیره را به کلی جزء منطقه‌ی آزاد قشم ببرند. حالا در مورد آن لایحه بعداً [که به تصویب مجلس رسید و به شورای نگهبان فرستاده شد]، صحبت می‌کنیم. الآن با این مصوبه، خود منطقه‌ی آزاد قشم را هم دارند توسعه می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - ایراد این کار چیست؟

آقای عزیزاده - ایرادش این است که این مناطق را از قوانین عمومی دولت خارج می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - خب اختیارات دولت در مناطق آزاد را محدود می‌کند؛ خلاف قانون [اساسی که نیست].

آقای اسماعیلی - حالا این موضوع را رها کنید.

→

معاملات ربوی هم می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

- همچنین استناد به ماده واحده در ابتدای مصوبه موجه نمی‌باشد.

۱. اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ به تصویب هیئت وزیران رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۹۴۱۸/۲۷۷۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و نیز بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۶ هیئت وزیران، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۳ به هیئت وزیران اعلام شد.

۲. لایحه الحاق جزیره هرمز به محدوده منطقه آزاد قشم در جلسه ۱۳۹۱/۸/۱۰ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، برای بررسی به صورت دو شوری به کمیسیون‌های مربوطه در مجلس شورای اسلامی ارجاع شده، لیکن هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

آقای عزیزاده - حالا ما باید ببینیم در این اساسنامه با منطقه‌ی

آزاد قشم چه کار کرده‌اند؟

آقای شب‌زنده‌دار - ما باید همه‌ی این اساسنامه را بخوانیم.

آقای عزیزاده - این مصوبه در قم [= مجمع مشورتی فقهی قم] بررسی نشده است؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، هنوز بررسی نشده است.

آقای عزیزاده - برای اظهار نظر نسبت به این مصوبه، عجله‌ای نداریم. پس این اساسنامه بماند تا مجمع مشورتی فقهی آن را بررسی کنند.

آقای مدرسی یزدی - این اساسنامه ایراد هم دارد.

آقای عزیزاده - وقت بررسی این اساسنامه که منقضی نمی‌شود؟

آقای ره‌پیک - نه، این اساسنامه تازه به شورای نگهبان آمده است؛ ۱۳۹۳/۴/۳ آمده است.

آقای عزیزاده - این اساسنامه مصوب مجلس که نیست؛ مصوبه‌ی مجلس است؟

آقای مؤمن - نه.

آقای ره‌پیک - نه.

آقای عزیزاده - پس بررسی این اساسنامه بماند تا آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی راجع به آن اظهار نظر بکنند.^۳

اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد

چاپ‌بهار

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چاپ‌بهار»^۴

۳. بررسی این اساسنامه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان ادامه یافته است.

۴. اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چاپ‌بهار در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۸۷/۲۷۷۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۶ هیئت وزیران، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره

←

اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)

آقای مدرسی یزدی - دستور هفتم، در مورد «اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)»^۴ است.

آقای مؤمن - این اصلاحیه، فقط گفته است: «در تبصره الحاقی به ماده (۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)، ۵. موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۲۸۳۹۹/ت/۳۱۰۵۴ هـ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۰، عبارت «با رعایت ماده (۵۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»^۶ پس از عبارت «مجاز است» اضافه می‌گردد.»

→

یافته است.

۴. اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۴ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۷۰۵/۳۶۹۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۵. تبصره‌ی ماده (۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب ۱۳۹۲/۴/۲ هیئت وزیران: «تبصره- شرکت مجاز است به استناد ماده (۸۳) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰- عملیات اجرایی قسمتی از پروژه‌های هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را که اعتبار آن از منابع عمومی دولت تأمین می‌شود برای اجرا به واحدهای استانی وزارت راه و شهرسازی واگذار و اعتبار مربوط را بر اساس ماده (۷۵) قانون محاسبات عمومی کشور ابلاغ نماید.»

۶. ماده (۵۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ (اصلاحی ۱۳۹۰/۳/۳۱): «ماده ۵۶- به منظور حذف تشکیلات موازی، تمرکز ساخت و ساز ساختمان‌های دولتی و عمومی قوه مجریه، ارتقاء کیفیت ساخت و ساز و نیز لزوم رعایت مقررات و ضوابط و استانداردها، دولت موظف است امور برنامه‌ریزی، مطالعه، طراحی و اجرای ساختمان‌های مزبور را در وزارت راه و شهرسازی (سازمان مجری ساختمان‌ها، تأسیسات دولتی و عمومی) متمرکز نماید. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و اطلاعات، نیروهای مسلح، سازمان انرژی اتمی و مواردی که به پیشنهاد معاونت به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، از شمول این حکم مستثنی است. معاونت توسعه و سرمایه انسانی موظف است تا پایان سال اول برنامه نسبت به اصلاح ساختار دستگاه‌هایی که به ساخت و ساز ساختمان‌های عمومی دولتی می‌پردازند، اقدام نماید.»

آقای رهپیک - این اساسنامه هم حتماً در مجمع مشورتی فقهی بررسی نشده است. مجمع قم در مورد این اساسنامه هم نظر نداده است.

آقای شبزنده‌دار - این اساسنامه دیر به مجمع آمده است.

آقای مدرسی یزدی - این اساسنامه‌ی شرکت صید صنعتی چابهار یک سری اشتباهات هم دارد. شماره‌ها و تاریخ‌های مجوزها با هم همخوانی ندارند. شما [= آقای رهپیک در مجمع مشورتی حقوقی] اینها را بررسی بکنید.

آقای رهپیک - تاریخ‌های اساسنامه‌ی چابهار این‌طور نیست، ولی تاریخ این اصلاحیه‌ی اساسنامه‌ی سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - کلاً بعضی از تاریخ‌هایش با هم جور نیست، برخی شماره‌ها با هم همخوانی ندارند. تاریخ‌های مستندات به هم نمی‌خورد.

آقای رهپیک - اساسنامه‌ی مربوط به چابهار؟

آقای مدرسی یزدی - مثلاً [دولت در صدر تصویب‌نامه‌ی خود، در تاریخ مستند این اصلاحیه] مصوب ۱۳۷۳ نوشته است،^۱ اما شما [= مجمع مشورتی حقوقی] سال ۱۳۷۲ نوشته‌اید.^۲

آقای رهپیک - تاریخی که در گزارش ما آمده، درست است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، این تاریخ‌ها با هم اختلافاتی دارند.

آقای رهپیک - بله، ما در گزارش مجمع هم این نکته را نوشته‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - بیش از این مقدار، ایراد هست؛ باز هم اشکال این‌چنینی وجود دارد.

آقای رهپیک - خوب می‌خواهید بررسی این اساسنامه‌ها برای بعد بماند.^۳

→

۹۳/۱۰۲/۲۳۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به هیئت وزیران اعلام شد.

۱. صدر اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار مصوب ۱۳۹۳/۳/۴ هیئت وزیران: «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۳/۴ به پیشنهاد شماره ۹۲۲/۱۰/۴۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۴ شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی و به استناد بند (ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۳- تصویب کرد: ...»

۲. «تذکر: در عبارت صدر این اساسنامه، تاریخ تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران اشتباه بیان شده است. تاریخ تصویب این قانون ۱۳۷۲/۶/۷ می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، ص ۲۴، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/SYu3h

۳. بررسی این اساسنامه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ شورای نگهبان ادامه

←

آقای مدرسسی یزدی - این اصلاحیه، اشکالی ندارد. فقط یک ماده‌ی قانونی به تبصره (۴) اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - اگر آقایان اعضا به اصلاحیه‌ی اساسنامه‌ی سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) ایرادی دارند، بفرمایند. پس آقایان به این اساسنامه هم ایرادی ندارند.

آقای ره‌پیک - رئیس مجلس به این اساسنامه یک ایرادی گرفته بود که هیئت وزیران آن ایراد را با این اصلاحیه، برطرف کرده است.^۱

آقای علیزاده - بله، آن ایراد را درست کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - فقط بگوئید که تاریخ تصویب‌نامه‌ای را که در اینجا آورده‌اند درست کنند. اینجا نوشته است: «... تصویب‌نامه شماره ۱۲۸۳۹۹/ت/۳۱۰۵۴-هـ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۰...» که این تاریخ غلط است. تذکر بدهید که تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۰ صحیح نیست و ۱۳۹۲/۴/۲ صحیح است؛ چون آن موقع چنین مصوبه‌ای به تصویب نرسیده است.^۲

۱. جهت آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۴۰۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۷، صص ۲۵-۲۸، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/B8lgR

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۷۰۵/۳۶۹۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸، اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب جلسه مورخ چهارم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. قطع نظر از اینکه استناد به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷ در خصوص مورد موجه نمی‌باشد، اصلاحیه مذکور مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر:

- تاریخ تصویب‌نامه شماره ۱۲۸۳۹۹/ت/۳۱۰۵۴ هـ از ۱۳۹۲/۷/۲۰ به ۱۳۹۲/۴/۲ اصلاح شود.»